

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میزگرد

تقریب بین مذاهب اسلامی

در

قاهره - مصر

سید هادی خسروشاهی

سرشناسه	: ندوة التقريب بين المذاهب الاسلامية (٢٠٠١م = ١٣٨٠: قاهره)
عنوان و نام پدیدآور	: میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره - مصر / هادی خسروشاهی.
مشخصات نشر	: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص. : مصور، نمونه، عکس.
شابک	: ۱۱۰۰۰ ریال : 978-964-167-023-0
یادداشت	: فارسی - عربی.
یادداشت	: این کتاب در سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات «کلیه شروق» و «مرکز بررسی‌های اسلامی» نیز چاپ و منتشر شده است.
موضوع	: تقریب مذاهب - - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع	: وحدت اسلامی - - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شناسه افزوده	: خسروشاهی، هادی، ۱۳۱۷ -
شناسه افزوده	: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
رده‌بندی کنگره	: الف ۱۳۸۰ ۲۳۳/۵/ن۴۳ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۲:
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۱۶۶۲۹:



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نام کتاب:	میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره - مصر
نویسنده:	سید هادی خسروشاهی
ناشر:	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۸۷ هـ ش
شمارگان:	۱۵۰۰ نسخه
قیمت:	۱۱۰۰ تومان
شابک:	ISBN: 978-964-167-023-0 ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۷-۰۲۳-۰
آدرس:	تهران - ص. پ : ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵ تلفکس: ۴-۸۴۲۱۴۱۲

حق چاپ و نشر محفوظ

فهرست

بخش اول: دربارهٔ تقریب، شیوه‌ها و ادبیات

- مقدمه ۹
- دربارهٔ تفاهم و نزدیکی مذاهب ۱۳
- شبهه‌های موجود ۱۴

بخش دوم: تقریب مذاهب اسلامی

- اسلام واحد ۲۵
- وحدت در اصول، اجتهاد در فروع ۲۶
- کنفرانس تهران و تقریب ۲۹
- مسئله چیست؟ ۳۳
- منظور از تقریب چیست؟ ۳۳
- تفاهم و وحدت ۳۷
- وحدت امت، عبادت حق ۴۰
- گفت‌وگوی اسلامی - اسلامی ۴۲
- ضرورت احیای حرکت تقریب ۴۸

- محدود نکردن مذاهب ٥٣
- سازوکارهای تقریب ٥٤
- طرح شلتوت - قمی ٥٧
- مرکز گفت‌وگوی اسلامی ٥٩
- تفاوت قرآن‌ها ٦١
- تبلیغات ٦٢
- تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی ٦٣
- فرهنگ تقریب ٦٧
- اختلاف مذاهب، رحمت الهی ٦٩
- ضرورت گفت‌وگو ٧٢

بخش سوم: بخش عربی

- الندوة الاولى للتقريب بين المذاهب الاسلامية - القاهرة ٧٥

بخش چهارم: اسناد و عکس‌ها

بخش اول

درباره تقریب،

شیوه‌ها و ادبیات

درباره تقریب، شیوه‌ها و ادبیات

مقدمه

حرکت تقریب بین مذاهب اسلامی، در دهه چهل میلادی - دقیقاً در سال ۱۹۴۷ م - به همت استاد علامه، آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی، که توسط مرحوم آیت‌الله بروجردی از ایران - قم - به قاهره اعزام شده بود، با همکاری شخصیت‌های بزرگ الازهر و معاریف مصر و بعضی از علمای بلاد اسلامی دیگر، در قاهره تشکیل گردید و با نشر فصلنامه وزین و علمی «رسالة الاسلام» در تحکیم اندیشه تقریب و نشر اصول و مبادی همکاری بین مذاهب اسلامی، تلاش جهانی گسترده‌ای را آغاز کرد.

در پیدایش این حرکت که تحت عنوان: «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» از قاهره فعالیت خود را آغاز کرده بود، شخصیت‌هایی چون: شیخ المرآغی، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ حسن البنا، شیخ محمد محمد المدنی، شیخ عبدالعزیز عیسی، شیخ مصطفی

عبدالرزاق از علمای مصر و الازهر، و آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله شیخ عبدالحسین کاشف‌الغطاء، آیت‌الله سید محسن امین عاملی، آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین، آیت‌الله سید هبة‌الدین شهرستانی، آیت‌الله شیخ محمد جواد مغینه، آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی (از علمای شیعه ایران و عراق و لبنان) و هم‌چنین شیخ امجد الزهاوی و شیخ آلوسی (از عراق) و حاج امین‌الحسینی (مفتی فلسطین) و شیخ علی مؤید (امام مذهب زیدی یمن) و ... شرکت داشتند و در مدت فعالیت خود، توانستند در ایجاد حسن تفاهم بین بزرگان و علمای مذاهب اسلامی، گام‌های بس مفید و جاودانه‌ای را بردارند و در ایجاد وحدت اسلامی و رفع شبهات بین هواداران مذاهب اسلامی، نقش عمده و ارزشمندی را ایفا کنند.

متأسفانه به علت شرایط سیاسی حاکم بر بعضی از کشورهای عربی - اسلامی! و تغییر حکومت‌ها و سرکوب حرکت‌های اسلامی در اکثر بلاد و درگذشت پیشتازان و طلیمه‌داران تقریب در کشورهای اسلامی - عربی و به‌ویژه، مرکزیت آن در قاهره، این حرکت اصلاح‌گرانه دچار رکود و سپس تعطیلی کامل گردید و در یک ربع قرن اخیر، در عمل، هیچ‌گونه فعالیت و کوششی نداشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در تهران و شرکت جمعی از علمای مذاهب اسلامی در آن، حرکت نوینی آغاز شد، اما متأسفانه غیاب الازهر و عدم شرکت فعال علمای مصر در آن، نقطه ضعفی بود که آثار منفی آن کاملاً در همه زمینه‌ها مشهود بود.

حضور اینجانب در «قاهره» به‌عنوان مسئول دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران (که در دوران فترت و عدم روابط سیاسی کامل، اداره امور نمایندگی سیاسی ایران در مصر را به عهده داشت) و استمرار اندیشه‌های «طلبگی»، سبب شد که به فکر احیای مجدد «دارالتقریب» در قاهره باشم و برای نیل به همین منظور، ملاقات‌های مشروحی با شیوخ و علمای محترم الازهر انجام گرفت و با حضور برادر مکرم استاد عبدالله قمی، (فرزند مرحوم علامه آیت‌الله محمد تقی قمی که طبق قوانین مصر، تنها وارث قانونی اداره دارالتقریب می‌تواند باشد) در صحنه اقدام برای احیای اندیشه تقریب، کار مقدماتی تشکیل یک میزگرد انجام گرفت و به یاری خدا، چند ماه پیش، نخستین میزگرد «تقریب بین مذاهب اسلامی» در قاهره و با حضور شخصیت‌هایی چون: شیخ سید محمد طنطاوی، (شیخ الازهر)، شیخ فرید واصل نصر (مفتی مصر) دکتر محمد حمدی زقزوق (از علمای الازهر و وزیر اوقاف) و دکتر عمر احمد هاشم (رییس دانشگاه الازهر) و شیخ محمود فرحات (از مجلس اعلای شیعه لبنان) و شیخ احمد بن مسعود السیابی (مفتی مسقط) و اینجانب (از ایران)، تشکیل گردید در این میزگرد یک روزه، مسائل بسیاری در راستای اهداف تقریب بین مذاهب اسلامی مطرح شد که اکنون، ترجمه کامل مباحث مطرح شده در این اجلاس، به مناسبت هفته وحدت در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

بی‌تردید اگر همکاری جناب شیخ الازهر و دکتر حمدی زقزوق و دکتر عبدالصبور مرزوق (رییس مجمع البحوث الاسلامیه) و مفتی مصر

و برادر مکرم جناب استاد عبدالله قمی نبود، تلاش این حقیر ثمره لازم را نمی‌توانست به دنبال داشته باشد، اما یاری خداوند و نیت‌های پاک و روابط برادرانه، سبب گردید که نخستین میزگرد در قاهره با موفقیت کامل همراه شود و ما امیدواریم که هر چند یک بار، میزگردها و یا سمینارهای مشابه دیگری با شرکت علمای همه بلاد اسلامی و همکاری الازهر شریف و دارالتقریب قاهره و مجمع جهانی تقریب در تهران، در کشورهای اسلامی دیگر برگزار گردد و علمای محترم بلاد اسلامی بتوانند راهکارهای جدیدی برای پیشبرد اهداف با توجه به توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد جهان اسلام و شیخون‌های فرهنگی بر ضد مسلمانان، در پیش پای امت اسلامی قرار دهند.

این، تنها هدف ما از احیای اندیشه تقریب در قاهره است و انتظار همکاری و تعاون در امر برّ و تقوا، تنها انتظاری است که از برادران و دوستان مسلمان ایرانی و غیرایرانی داریم ...

پس از اشاره به موضوع این بحث و چگونگی پیدایش آن، قصد داشتم که درباره شیوه‌ها و ادبیات تفاهم و تقریب بین مسلمانان و مذاهب اسلامی موجود در جهان اسلام، با نقل اسناد و مدارک و فتاوی علمای بزرگ الازهر شریف، درباره شیعه و تشیع، که از زمان صدور فتاوی مرحوم شیخ محمود شلتوت و پس از مکاتبات زیاد با مرحوم آیت‌الله بروجردی، در اختیار ما قرار گرفته است، دیدگاه‌های خود را مطرح سازم، اما متأسفانه کسالت شدید، مرا از این هدف بازداشت و فکر می‌کردم که این بحث برای نشر در «هفته وحدت» آماده نخواهد

شد، (اگر چه ترجمه اصل مباحث میزگرد را از قاهره آماده کرده بودم)، ولی وقتی بحث پرمایه برادر عزیز و ارجمند، آیت‌الله محمد علی تسخیری که در اجلاس اخیر الجزایر (فروردین ماه ۱۳۸۱) مطرح شده است، به دستم رسید، دریافتم که محتوای آن تقریباً شامل بسیاری از نکاتی است که من در نظر داشتم آنها را به‌عنوان مقدمه در چاپ ترجمه فارسی مباحث میزگرد قاهره، مطرح نمایم و به رشته تحریر درآورم و حیفم آمد که خلاصه آن دیدگاه‌ها را - که منطبق با دیدگاه‌های نویسنده این سطور است - در این مقدمه نقل نکنم. به ویژه که برادر عزیزم آقای تسخیری، خود در اجلاس قاهره شرکت داشت و در واقع سخنگوی همه ما در آن اجلاس هم بود.

اینک، ضمن تشکر از آیت‌الله شیخ محمد واعظزاده و علامه شیخ محمد علی تسخیری، که هر دو، بزرگوارانه دعوت اینجانب و استاد عبدالله قمی را پذیرفتند و در میزگرد «قاهره» شرکت کردند، قسمتی از بحث جناب تسخیری را که مربوط به شیوه‌ها و ادبیات تقریب است، در این مقدمه، برای استفاده عموم، نقل می‌کنم:

درباره تفاهم و نزدیکی مذاهب

تفاهم و درک متقابل، چیزی است که قرآن کریم، همگان را بدان فرا می‌خواند و آن را نه تنها به دینداران بلکه به عموم افراد بشر، جز آنان که راه ستم و ستیزه‌جویی در پیش گرفته‌اند، توصیه می‌کند. وقتی وارد عرصه اسلام می‌شویم، این نکته از اهمیت و تأکید فزون‌تری برخوردار

می‌شود چرا که اسلام، عرصه برادری، وحدت، تسامح، پذیرش اصول اسلامی و تحمل اختلاف‌نظرهای اجتهادی است که در آن مسلمانان، در مورد اصول، اتفاق نظر دارند، همچنان که در خصوص درصد بالای از احکام شرع نیز متفق‌القولند و در برخی نظام‌های اسلامی، از جمله نظام اخلاقی، تربیتی، معاملات و نظام جزایی و جز آن، اختلاف‌ها بسیار اندک و گاه نزدیک به صفر است.

در عرصه اسلام و مسلمانی، قرآن کریم و سنت نبوی، همواره با تعبیر واحد یا ایها الذین آمنوا از مسلمانان یاد می‌کنند، و مسلمانان از منبع واحدی تغذیه می‌شوند و از سرنوشت، تاریخ، منافع و مصالح واحد و در عین حال یک شعار و یک سمت‌گیری برخوردارند، لذا، تفاهم داشتن و همرنگی، از بدیهیات اولیه است و نیاز به هیچ‌گونه استدلالی ندارد.

شبهه‌های موجود:

در این میان شبهه‌هایی به شرح زیر، گاه همراه با حسن‌نیت و گاهی توأم با سوءنیت و غرض‌ورزی، مطرح می‌شود:

۱. اختلاف‌ها میان مذاهب اسلامی، در اصول است.
۲. اختلاف میان مذاهب اسلامی ناشی از اختلاف منابع و مصادر آنهاست.
۳. هر طرف، دیگری را به بدعت‌گذاری متهم می‌کند.
۴. در بحث مربوط به پیامدها و الزامات اعتقادی، هر طرف دیگری

را متهم به شرک! می‌نماید.

۵. هر طرف دیگری را به نفاق و توطئه‌گری متهم می‌کند.

۶. این گمان که پذیرش گفت‌وگو (با دیگران) برخاسته از شک در

مذهب یا پذیرش ضمنی یا تلویحی دیدگاه دیگران است.

۷. تقریب مذاهب با هدف یکسان‌سازی و تحمیل یک مذهب بر

دیگری است و چون این امر، باطل است، فراخواندن به تقریب نیز

باطل و غیرقابل قبول است.

۸. تقریب میان مذاهب، انتقال پیروان یک مذهب به مذهب دیگر را

آسان می‌کند و موجب به‌هم خوردن تعادل در پیروان مذاهب می‌گردد.

۹. این گمان که تقریب، پوششی برای نفوذ در مذاهب دیگر و تبلیغ

آموزه‌های مغایر و ایجاد تردید در آنهاست.

۱۰. این گمان که «تقریب» حرکتی سیاسی است، و ربطی به دین

ندارد!

من خداوند متعال را گواه می‌گیرم که هیچ کدام از این شبهه‌ها، وارد

نیست و از مرحله شبهه و گمان، فراتر نمی‌روند هر چند با این که

گروهی اقدام به بررسی و مطالعه این شبهات و کشف بی‌پایگی آنها

نمایند، مخالفتی ندارم، ولی در این جا لازم می‌دانم که به حقایق زیر،

اشاره‌ای کنم:

یکم: وقتی می‌بینیم که قرآن کریم به مسئله گفت‌وگو حتی با

مشرکان و اهل کتاب اهتمام می‌ورزد، چگونه می‌توان تصور کرد که

تفاهم میان مسلمانان را منع کرده باشد؟

دوم: بحث قرآنی و حدیثی گسترده‌ای درباره مدارا، به‌عنوان صفتی پسندیده برای مسلمانان و کیفیت ارتباط آنان با دیگران وجود دارد که در این جا فرصتی نیست تا به تفصیل به آن پردازیم.

سوم: بزرگان، سران و ائمه مذاهب، در کنار یکدیگر می‌زیستند و نزد همدیگر درس می‌خواندند و هر کدام از ایشان به دوران شاگردی نزد دیگری، افتخار می‌کردند، هم‌چنان‌که آنان هرگز ادعای داشتن انحصاری حقیقت را نمی‌کردند، حال آن‌که برخی پیروان آنان را می‌بینیم که حتی از تفاهم با دیگران نیز اجتناب می‌ورزند.

چهارم: ما شاهد حرکت تقریب مذاهب در دهه چهل (میلادی) در الازهر بوده‌ایم که بزرگان و علمای گراندوری در آن شرکت داشتند - که جملگی از علمای بزرگوار سنی و شیعه بودند که پرچم تقریب را برافراشتند و در این راه گام برداشتند - آیا می‌توان گفت که شبهه‌های یاد شده که برخی از آنها ریشه‌ای هم هستند، از دید آنها پنهان بوده است؟

مرحوم شیخ محمد محمدمدنی، گام ارزنده‌ای را با تدریس فقه شیعه امامیه و زیدیه در بزرگ‌ترین دانشکده الازهر برداشت. در همان ایام دانشمندان ایران نیز با وارد کردن فقه اهل سنت در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران گامی همسو با الازهر برداشتند.

پنجم: حرکت تقریب امروز پیشرفت گسترده و پذیرش همگانی شایسته‌ای داشته است. بهترین شاهد این مدعا، اقدام بزرگ‌ترین مجمع فقهی یعنی مجمع فقه اسلامی جده، در ایجاد واحدی به نام «شعبه

التقریب بین المذاهب الاسلامیه» و نیز ایجاد و برقراری فضای همدلی و آزادمنشی در نشست‌های عمومی آن است که نشان‌دهنده وحدت منابع و دیدگاه‌ها (در میان مذاهب مختلف اسلامی) و آغوش باز پذیرش اجزای مختلف جهان اسلام، نسبت به یکدیگر است.

در همین راستا، در جمهوری اسلامی ایران نیز «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» شکل گرفت که در شورای عالی آن، علمایی از مذاهب گوناگون اسلامی عضویت دارند و این مجمع نیز به نوبه خود «دانشگاه مذاهب اسلامی» را بنا نهاده است.

علاوه بر اینها، سازمان جهانی اسلامی علوم و تربیت (ایسیسکو) نیز «تقریب» را به مثابه هدفی برای خود در نظر گرفت و کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های متعددی در سراسر جهان، درباره آن برگزار کرد. مراکز علمی و دینی در کشورهای اسلامی از جمله: مراکش، مصر، الجزایر، اردن، سوریه، لبنان، ایران، پاکستان، سودان، مالزی، اندونزی و ... در راستای تأکید بر همین حقیقت میزگردها و کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار کردند.

ششم: لازم است روشن گردد که منظور ما از «اصول» چیست و وقتی می‌گوییم در اصول اختلافی وجود ندارد، یعنی چه؟ اگر مباحث تفصیلی مربوط به مرز اسلام و غیراسلام (مسلمانی و غیرمسلمانی) را با استناد به آیات قرآنی و روایات شریفه، خلاصه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که موارد زیر را به‌عنوان مرزهای مسلمانی در نظر گرفته‌اند:

۱. ایمان به یکتاپرستی.

۲. ایمان به پیامبری رسول اکرم (ص) و لزوم اطاعت از دستورات و آموزه‌هایی که از وی شرف صدور یافته است.
 ۳. باور به قرآن کریم و انجام تمامی اوامر و نواهی آن و پذیرش دیدگاه‌ها و آموزه‌هایی که در بردارد.
 ۴. ایمان به روز رستاخیز.
 ۵. ایمان به این که اسلام، مجموعه احکامی است که رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را سامان می‌بخشد و لازم است اجرا شود. در مورد این اصول، میان مذاهب مختلف اسلامی، هیچ‌گونه اختلافی وجود ندارد، هر چند در مورد جزئیات، ممکن است اختلاف‌نظرهایی وجود داشته باشد، جزئیاتی از قبیل:
 ۱. صفات الهی و رابطه آن با ذات (الهی).
 ۲. مسائل فرعی عقیدتی مثل «جبر و اختیار»، «قضا و قدر»، «شفاعت».
 ۳. اثبات یا رد برخی روایات به لحاظ سند یا مضمون که اختلاف‌های دیگری نیز بر آن مترتب می‌شود.
 ۴. مسائل مربوط به خلافت و امامت.
 ۵. برخی از احکام تشریحی.
- ولی با این وصف، همگی اتفاق نظر دارند که اگر چیزی در قرآن کریم یا سنت شریف نبوی ثابت گشت، بی‌هیچ تردیدی باید آن را پذیرفت و بدان تن داد. لازم به یادآوری است که برخی، تلاش دارند تا با یادآوری پیامدهای اعتقاد به فلان نظر یا رأی فقهی، طرف مقابل

خود را به خروج! از دایره اسلام سوق دهند. چنین روشی در این عرصه و مادام که طرف مقابل، چنین الزامی را نپذیرفته است، مردود است، زیرا اگر او این لوازم را می‌پذیرفت، با فرض ایمان به اصول یاد شده، لازم می‌آمد که از آن اعتقاد، دست شوید، در نتیجه نمی‌توان کسی را با این استدلال که - لازمه فلان اعتقاد و بهمان رأی فقهی، نفی اصول یا یکی از اصول اولیه دین است - از اسلام خارج کرد. بدین ترتیب مسئله اتهام به بدعت و شرک را برای همیشه باید حل کرد.

هفتم: منابع شرع از نظر همه مسلمانان، کتاب خدا و سنت نبوی است که البته با اختلاف نظر در رابطه قرآن با سنت و یا این که مثلاً آیا سنت می‌تواند احکام قرآنی را تخصیص بزند یا خیر، منافاتی ندارد و نیز با اختلاف نظر در راه‌های دسترسی به سنت و یا اختلاف در دلالت تقریر نبوی و یا با اختلاف نظر در این که آیا پیامبر اکرم (ص) فرمان‌های خود را به اعتبار حاکم بودن صادر فرموده است یا پیامبر بودن، نیز چنین است.

هشتم: ما از لحاظ شرعی، از حربه تهمت‌زنی و شک و تردید و ایجاد شبهه در نظرات دیگران منع گشته‌ایم.

نهم: حرکت تقریب، هم‌چنان که کاملاً روشن است، هرگز در پی ادغام یا ذوب هیچ یک از مذاهب در دیگری نیست این حرکت بر این باور است که از یک سو، تمامی مذاهب ذخیره و ثروت این امت و تمدن به شمار می‌روند و از سوی دیگر، اعتقادش بر آن است که ایده مذهب واحد، تنها پندار و ایده‌ای خیالی است.

دهم: احیای حرکت تقریب با توجه به توطئه‌های جهانی دشمنان

اسلام و وسعت دامنه آن، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای بیداری و هوشیاری امت اسلامی است ... در واقع احیای این حرکت یک وظیفه واجب عینی برای کسانی است که توان احیای آن را دارند. ما نیز به یاری حق در این راه گام می‌گذاریم و از خدای بزرگ طلب یاری می‌کنیم و از همه برادران مسلمان در همه نقاط جهان، انتظار همکاری و تعاون داریم.

امام خمینی (ره) بارها در بیانات خود اشاره و یا تصریح کرده‌اند: «دشمن، فرقی بین سنی و شیعه قائل نیست و خواستار نابودی همه مسلمانان است ...» و به همین دلیل، اینک وظیفه همه ما مسلمانان - شیعه و سنی - ایجاب می‌کند که در قبال هجوم دشمن - قاتلان انبیا و آغازکنندگان جنگ صلیبی جدید - با تمام توان به مقابله برخیزیم و در راه ایجاد وحدت امت اسلامی بکوشیم. یقین داریم که خداوند در این راه، یار و یاور ما خواهد بود: «ان تنصروا الله ینصرکم و یشبث اقدامکم».

(۱۲ ربیع الاول ۱۴۲۳ هـ - خرداد ۱۳۸۱)

تهران: سید هادی خسروشاهی

بخش دوم

تقریب بین مذاهب

اسلامی

«الاهرام» امروز پرونده «تقریب مذاهب اسلامی» را می‌گشاید، با این باور که اسلام دین عقل است و با متغیرهای زمان و مکان سازگاری دارد. تعمیق و گسترش مفاهیم صحیح دین مبین و تصحیح اشتباهات، امری لازم است. این اشتباهات گاهی به سرحد ارتکاب گناه و پاشیدن بذر فتنه و اختلاف میان مسلمانان می‌رسد و آنان را به صورت احزاب و فرقه‌های متخاصم درمی‌آورد که هر کدام مدعی می‌شود که فقط او به تنهایی نماینده اسلام است! و دیگران را «کافر» می‌خواند و خون آنها را مباح می‌شمارد و به خونریزی دعوت می‌کند، همان طور که امروزه در پاره‌ای از کشورها شاهد آن هستیم.

بنابراین مسئله اختلاف برای امت اسلامی خطر دارد و در حالی که فرض بر این است که مسلمان با مسلمان، در یک وحدت واقعی نزدیک شود، می‌بینیم که از یکدیگر دور می‌شوند و حتی در برابر هم سنگر می‌گیرند!

به همین دلیل، به این موضوع توجه کرده و این پرونده را باز

می‌کنیم تا تلاش‌های تقریب بین مذاهب و یا به تعبیر دیگر، «پیروان این مذاهب» را فعال نماییم بی‌آنکه برخی از علما را که عهده‌دار رهبری دینی هستند، از مسئولیت ارائه تفسیر نادرست مبرا بدانیم، در حالی که وظیفه آنها با این رویه تعارض دارد، زیرا اسلام همواره نور علی نور بوده است!

با این مفهوم و هدف، این میزگرد با هماهنگی «شورای عالی امور اسلامی» - مجمع البحوث الاسلامیه - پس از توافق با دکتر محمود حمدی زفزوق - وزیر اوقاف - و تأیید پرشور امام اکبر، شیخ الازهر و بعد از ملاقات‌های مکرر با طرف ایرانی و دارالتقریب در «قاهره» برگزار شد. اینک گفت‌وگوهای این میزگرد را منتشر می‌کنیم. در بخش پایانی این گفت‌وگوها به تصمیماتی - نه مصوبه‌هایی - در زمینه دعوت به تقریب و تحقق عملی و علمی آن اشاره خواهد شد.

«الاهرام»: قاهره

اسلام واحد

محمود مراد: بسم الله الرحمن الرحيم. افتخار دارم که هم اکنون در بین شما آقایان، در این میز گرد شرکت می‌کنم. ما میز گرد را با همکاری «شورای عالی امور اسلامی» تنظیم و برگزار کرده‌ایم. موجب افتخار است که جناب شیخ دکتر محمد سید طنطاوی - شیخ الازهر - نیز شرکت دارند و بنده از حضور همه آقایان در این میز گرد که به مسئله «تقریب بین مذاهب اسلامی» می‌پردازد، احساس خوشوقتی می‌کنم. فکر می‌کنم ما به تلاش‌های عملی بیشتری جهت نزدیک نمودن مذاهب اسلامی نیاز داریم. ما همگی پیرو یک دین هستیم، اگر چه «مذاهب» متعددی داریم. از این رو، بسیار مهم است که یک «اسلام» واحد داشته باشیم که «مذاهب» در آن به ستیز نمی‌پردازند، بلکه برای دعوت به حق به‌طور برادرانه، مکمل یکدیگر می‌باشند. ما همین نیازمند آن هستیم که به روند اختلافات بین مذاهب پایان دهیم و آنها را بیشتر به هم نزدیک کنیم، به‌ویژه اینکه در آستانه طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» هستیم. بعضی ادعا دارند که تمدن‌های مهم‌تر و بهتر از تمدن ما وجود دارد. ولی ما اعتقاد داریم دین اسلام مؤلفه اساسی تمدن‌های مذکور است.

در نتیجه باید برای مقابله با کشمکش «جهانی شدن» دوش به دوش یکدیگر متحد شویم، تا سخن حق را والایی ببخشیم ... البته با دیگران تعامل می‌کنیم و با موضعی یکسان، وارد گردونه گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌شویم. یک‌بار دیگر می‌گویم موجب افتخار من است که این میز گرد با شرکت شخصیت‌ها و علمای سطح بالا برگزار می‌گردد.

وحدت در اصول، اجتهاد در فروع

شیخ الازهر (دکتر سید محمد طنطاوی): بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و شفيعنا رسول الله (ص) و من و الاءه ... انسان احساس خوشبختی فراوان و خشنودی عمیق معنوی می کند و در واقع دلش باز می شود وقتی خودش را میان برادران و همکاران خود می بیند. این حضور به خاطر لذت زودگذر نیست، بلکه ما همگی برای خدمت به دین مان و امت اسلامی مان، دیدار می کنیم.

قرآن کریم تبیین کرده که یکی از دلایل آفرینش انسانها آشنایی آنها با یکدیگر است: «يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم». قرآن کریم امت اسلامی را یک امت واحده توصیف می نماید: «ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاعبدون» و در آیه دیگر خداوند می فرماید: «انما المؤمنون اخوة» و ... برای این تلاقی و دیدار، همین افتخار بس است که بر محبت، مودت، دوستی و آشنایی می افزاید.

البته تقریب و نزدیکی مذاهب اسلامی از امور واقعی و حقیقی است، زیرا اختلاف بر سر یکی از ستونهای دین یا یکی از اصول دین نیست، بلکه میان پیروان یک مذهب، چه بسا اختلاف پیدا شود، و اما این اختلافات در امور فرعی - اجتهادی است. هر انسانی نظری دارد و این امر ثابت، در کلیه مذاهب اسلامی مشهود است، ولی همه ما به عنوان مسلمانان - الحمد لله - گواهی می دهیم که: «خدا یکی است و

محمد پیامبر اوست» - لاله الا الله و محمدا رسول الله - ما به خداوند و فرشتگانش و کتب آسمانی و پیامبران الهی و روز واپسین و به قضا و قدر، ایمان داریم.

بنابراین، برگزاری این میزگرد به معنای آن نیست که ما در اصول اختلاف داریم، بلکه به معنای آن است که بگوئیم ممکن است «اجتهاد» یک انسان با اجتهاد انسانی دیگر متفاوت باشد و این اجتهاد را در بین پیامبران و حکیمان و امامان و علما، به طور اخص می‌بینیم.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم و کنا لحکمهم شاهدین ففهمناها سلیمان و کلا آتینا حکماً و علماً». وقتی به کتب تفسیر مراجعه می‌کنیم، سخنان ارزشمندی درباره تفسیر این دو آیه می‌یابیم که خلاصه آن این است: مردی زمین کشاورزی داشت و مردی دیگر صاحب گله‌ای از گوسفندان بود و شبانگاه، گوسفندان مرد گله‌دار، در زمین مرد کشاورز به چرا پرداختند و کشتزار او را خراب کردند. او نزد پیامبر آمد و ماجرا را برای او تعریف کرد. حضرت داوود حکم داد که در ازای خرابی کشتزار مقداری از گوسفندان به مرد کشاورز واگذار شود. به هنگام خروج طرفین دعوا، به حضرت سلیمان برخورد کردند و ماجرا را برای او هم تعریف کردند. ایشان گفت: «اگر مسئله دست من بود، حکم دیگری صادر می‌کردم». سپس حضرت سلیمان طرفین را نزد پدر خویش می‌برد و به ایشان می‌گوید: «ای پیامبر خدا، آیا چنین حکمی صادر کرده‌ای؟» حضرت داوود پاسخ می‌دهد:

«آری!» سلیمان می‌گوید: «اگر کار در دست من بود، حکم دیگری صادر می‌کردم.» حضرت داوود می‌گوید: «نظر تو چیست ای سلیمان؟» پاسخ می‌دهد: «نظر من این بود که گوسفندان را به کشاورز می‌دادم تا از آنها برای مدتی بهره‌برداری کند، یا اینکه به مرد گله‌دار تکلیف می‌کردم که یک بار دیگر زمین را کشت کند و اگر کشتزار به آنچه قبلاً بود، یعنی به زمان قبل از خرابکاری گوسفندان باز می‌گشت، کشتزار را به مرد کشاورز و گوسفندان را به مرد گله‌دار واگذار می‌کردم!» در این‌جا حضرت داوود می‌گوید: «حکم همان است که تو بیان می‌کنی.»

بنابراین اختلاف درباره امور اجتهادی از جمله موضوعاتی است که قرآن کریم از زبان برخی پیامبران و از زبان برخی حکیمان و صالحان، آن را حکایت کرده است. بدین ترتیب، خداوند را سپاس می‌گوییم که بین ما اختلافی پیرامون اصول وجود ندارد و اگر باشد در فروع است.

اگر اختلاف در غیر فروع پیدا شود، باید مطالب را روشن سازیم و تبیین کنیم و با گفت‌وگو و مباحثه همدیگر را نصیحت کنیم و مادام که نیت‌ها پاک و مقصودها صحیح است، قطعاً به مورد توافق همگانی می‌رسیم، زیرا خداوند متعال تبیین فرموده که یکی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی این است که پاداش نیکوکاران نزد خداوند محفوظ خواهد بود.

کنفرانس تهران و تقریب ...

مفتی مصر دکتر نصر فرید واصل: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على اشرف المرسلين سيدنا محمد و على آله و صحبه و من اهتدى بهديه الى يوم الدين. موجب خوشوقتی این جانب است که در این روز خجسته با مشیت و توفیق الهی در این هیأت گرامی و در این میزگرد علمی خجسته حاضر باشم. موضوع بحث میزگرد تقریب بین مذاهب فقهی است. در این جلسه علمی، بهترین علمای امت اسلامی و در رأس آنان امام اکبر شیخ الازهر و جناب استاد دکتر محمود حمدی زقزوق وزیر اوقاف و امور اسلامی جمهوری عربی مصر و علامه شیخ محمد علی تسخیری و جناب شیخ محمد واعظزاده از کشور برادر جمهوری (اسلامی) ایران و سفیر کشور برادر جمهوری ایران، عالم بزرگوار، برادر عزیز سیدهادی خسروشاهی و استاد محمود مراد صاحب دعوت، در این میزگرد خجسته، حضور دارند.

در چارچوب فعال کردن این میزگرد خجسته، برای تکمیل استفاده فراوانی که از خلال این کنفرانس علمی اسلامی بزرگ در جمهوری عربی مصر، یعنی کنفرانس «تجدید در اندیشه اسلامی» به دست آمد و پس از موفقیت بزرگ این کنفرانس، بنده فکر می‌کنم موضوع این میزگرد، در واقع بخش عملی نتایج کنفرانس مذکور است، برای اینکه هدف تقریب میان علمای امت اسلامی در همه جای این جهان و تقریب میان افکار امت اسلامی درباره امور دینی و دنیوی و تلاش جهت گردآوری هر آن چیزی است که به مصلحت مسلمانان در همه

جای دنیا مربوط می‌شود، آن‌هم برای تحقق هدفی والاتر، یعنی وحدت مسلمانان و پایبندی آنان به اعتقادات و شریعت اسلامی و همزمان، ارتباط آنان با تمدن دنیا در جهت گسترش اسلام با حکمت و موعظه نیکو، - آن‌چنان که خداوند متعال اراده کرده است. مسلمانان باید در این مسیر حرکت کنند تا عدالت، تسامح، انسانیت و صلح میان همه افراد بشر تحقق یابد زیرا همه به یک پدر و مادر منسوب هستند و در انسانیت با یکدیگر برابرند و فرقی میان هیچ‌کدام نیست، مگر با تقوا و انتساب به خداوند متعال.

در این مناسبت خجسته، اکنون می‌بینیم که پس از این موفقیت بزرگ، چه در مورد این کنفرانس و یا تلاش‌های قبلی علمای بزرگ در زمینه تقریب بین مذاهب فقهی اسلامی، به رهبری شیخ محمود شلتوت و حضرت امام بروجردی از ایران، تأسیس «مکتب تقریب»، به‌عنوان واقعیتهای انجام شده درآمده است.

علما سپس از طریق ارتباط علمی و همکاری جهت اجرای عملی این مهم، به این حرکت ادامه دادند تا اینکه نتایج مبارک مصوب در «کنفرانس تهران» به دست آمد و شیخ الازهر با هموار کردن همه راه‌ها، هیأتی به نام الازهر برای شرکت در این کنفرانس اعزام نمود. این کنفرانس در دل‌های همه ما - علمای مصر و هیأت مصری - و علما و ملت برادر ایران و ملت جمهوری عربی مصر، تأثیر بسیار نیکویی برجای گذاشت و تمام یخ‌های متراکم از دوره‌های پیشین و پیدا شده در سایه استعمار غرب و شرق را که برای تفرقه‌اندازی میان امت اسلامی در جهت تحقق اهداف خود به وجود آمده بود، آب کرد.

آری، این کنفرانس تأثیر فراوانی داشت و نشان داد که ما نه تنها در اعتقادات و شریعتی که داریم اختلافی با یکدیگر نداریم بلکه بر سر یک هدف واحد، ایدئولوژی واحد، دین واحد و شریعت واحد، بلکه بر سر یک مذهب فقهی واحد نیز که با اصول و اعتقادات صحیح ارتباط دارد، تلاقی می‌کنیم؛ ولی تفسیر در زمینه اجرای عملی، چه بسا به تبع شرایط زمان و مکان و متناسب با هر عصر، متفاوت باشد که آن هم در جهت تحقق هدف مطلوب، یعنی ادامه حیات امت اسلامی است که به‌عنوان امتی میانه، با حکمت و موعظه نیکو به پرستش خداوند دعوت می‌کند.

از این رو، من فکر می‌کنم اصل موضوع تقریب بین مذاهب اکنون به یاری خدا تحقق یافته است، ولی آن‌چه لازم است، تقریب میان افکار امت اسلامی و علمای آن از نظر خط مشی و رویه‌ای است که به وسیله آن بتوانند منازعه، چند دستگی و اختلاف را از میان بردارند، زیرا این منازعه، موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان به صورت فرقه‌ها و احزاب شده تا آن‌جا که مسلمانان، چه در مسائل مربوط به بخش دینی و چه موضوعات بخش روشنگری، با یکدیگر به ستیز و دعوا می‌پردازند.

اسلام اختلاف مذاهب را یک اصل در اندیشه اسلامی می‌داند. پیامبر(ص) این واقعیت را تصویب کرد، وقتی فرمود: «هر کس اجتهاد کند و اجتهادش درست باشد، دو پاداش می‌گیرد و هر کس اجتهاد کند و اجتهادش نادرست باشد، یک پاداش می‌گیرد.» بنابراین اختلاف آرای فقهی یا وجود مذاهب گوناگون از نظر درک و برداشت واقعیتی است که شریعت و اندیشه اسلامی به آن ایمان دارد و پیامبر(ص) نیز به آن ایمان آورده و به یارانش آموخته است و مسلمانان پی‌درپی از یکدیگر

آن را آموخته‌اند تا اینکه استعمار وارد شد و خواست بین مسلمانان تفرقه ایجاد کند و تلاش کرد اختلاف در این برداشت‌های فکری را، اختلاف در اصول عقیده و انمود کند و خلط مبحث شد و اختلاف در اجتهاد مذهبی و دستیابی به حقیقت شرعی، طبق دلیل شرعی، به اختلاف در زمینه مذاهب اسلامی یا مذاهب کلامی مبدل شد و در اینجا منشأ اختلاف به وجود آمد. پس آنچه اکنون لازم است، این است که دلایلی را که به اختلاف افکار و برداشت‌های مسلمانان انجامیده و موجب جا افتادن مذاهب فقهی و تبدیل آن به چیزی شبیه به مذاهب کلامی شده است، جست‌وجو کنیم. پیروان این مذاهب یعنی عامه مردم نیز دچار اختلاف شدند و این به عرصه سیاسی یا فرهنگی سرایت پیدا کرد و بر کل امت اسلامی تأثیر گذارد و استعمارگر با سوء استفاده از موقعیت، به فکر ایجاد تفرقه افتاد و به همین دلیل، پیامدهای منفی و زشت جنگ مسلمان با برادر مسلمان را همان‌گونه که میان عراق و ایران اتفاق افتاد و یا میان عراق و کویت رخ داد، مشاهده کردیم.

محمود مراد: جناب مفتی نکات مهمی را مطرح کردند. آیا مسئله اختلاف بین مذاهب است، یا مسئله تقریب بین مذاهب؟ یا مسئله اختلاف یا تقریب میان افکار است؟ و آیا باید این افکار را روشن کنیم؟ یا باید تقارب بین مذاهب را به شیوه‌های دیگر روشن سازیم؟ مسئله چیست؟ و چرا همواره مسئله اختلاف بین مذاهب در اسلام میان شیعه و سنی و میان این و آن برانگیخته می‌شود؟ چرا موضوع همانند مسئله‌ای بزرگ به نظر می‌رسد که بر اندیشه و اوضاع و اصول مسلمانان تأثیر می‌گذارد و به گونه‌ای به تضعیف قدرت مسلمانان در قبال نیروهای دیگر می‌انجامد؟

مسئله چیست؟

شیخ محمد علی تسخیری: بسم الله الرحمن الرحيم و الصلاة و السلام على محمد سيد النبيين و آله الطاهرين و صحبه الكرام .. قبل از هر چیز بر خود لازم می بینم به شیخ بزرگمان، شیخ الازهر و برادر بزرگوار دکتر زقزوق و هم چنین برادر عزیزمان جناب مفتی به خاطر موفقیّت کنفرانس بین المللی اسلامی تبریک بگویم. این کنفرانس یکی از سنت های مسلمانان را احیا کرده تا هر سال گرد هم آیند و مسائل حیاتی خویش را بررسی کنند. به همه شما تبریک می گویم و امیدوارم این سنت استمرار یابد.

استاد محمود مراد سؤال مهمی را مطرح کردند: «مسئله چیست؟» در واقع وقتی علمای ما پیرامون مسئله ای به بحث می نشینند، به اصطلاح اصل موضوع مورد بحث را روشن می کنند، تا یکی از طرف ها به سمت چیزی و طرف دیگر، به سوی چیز دیگری نرود و هر کدام بر خلاف حقیقت، چیزی را اثبات و چیز دیگری را نفی نکنند. البته این جلسه ما، جلسه همدلی و جلسه گفت و گو است نه جلسه منازعه، ولی مایلیم به سنت علما و بزرگان در مسیر فقهی اجتهادی مان، اشاره کنم.

منظور از تقریب چیست؟

در واقع اگر شبهات موجود را بزداییم، موضوع و محور بحث روشن می گردد. ما خواستار نزدیکی افکار هستیم. از هر اندیشه ای

می‌خواهیم اندیشه دیگر را درک کند. ما می‌خواهیم اندیشه را از سرچشمه آن برگیریم و آرای دیگران را از منابع و طرق خودشان بشناسیم. می‌خواهیم همگان بر نقاط مشترک فیما بین تأکید کنند تا با یکدیگر کار کنند و برای تعمیق آن همکاری نمایند و در آنچه مورد اختلاف واقع می‌گردد، همدیگر را معذور بدانند، همان گونه که مرحوم شیخ رشید رضا - یا یکی دیگر از شخصیت‌های بزرگ - گفته است.

ما در واقع معنای ذوب کردن را مدنظر نداریم و نمی‌خواهیم مذاهب در یکدیگر ذوب شوند، زیرا مذاهب افاضات بزرگی هستند که اندیشه اسلامی را نمایان می‌سازد و نشان دهنده چشم انداز گسترده‌ای است. به همین دلیل ما خواهان ذوب کردن نیستیم. هم‌چنین چیره ساختن را نمی‌خواهیم! یعنی نمی‌خواهیم مذهبی را بر مذهبی دیگر چیره سازیم تا بگوییم که این مذهب قوی‌تر از آن مذهب است، خیر! نه ذوب کردن و نه چیره ساختن را، بلکه تقریب را برای تحقق تفاهم بیشتر می‌خواهیم تا در نتیجه دست‌ها در دست‌های دیگر گذارده شود و موضوع عملیات یکسان و مورد نظر را که امام شیخ الازهر، بدان اشاره کرده‌اند، اتخاذ کنیم تا امتی واحد، چه در محقق نمودن خویشتن خویش و چه در رویارویی با دشمنان، باشیم.

قرآن کریم به رویارویی با چالش‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «والذین کفروا بعضهم اولیاء بعض إلا تفعلوا، تکن فتنة فی الأرض و فساد کبیر». حال به سؤال دیگری در مورد ریشه‌های شرعی تقریب می‌پردازیم، یعنی چگونه به این موضع‌گیری، پایه و اساس شرعی می‌بخشیم؟ فقها

می‌گویند پایه و اساس روشن است و جناب «مفتی» اشاره کردند که اسلام نسبت به تحولات آینده، پیش‌بینی‌های لازم را کرده است و برای احکام ثابت، احکام ثابت قرار داده، ولی با توجه به متغیرهای زمانی و مکانی، برای جذب و مهار این متغیرها، از خود انعطاف نشان داده است.

اجتهاد یکی از مهم‌ترین نشانه‌های انعطاف‌پذیری می‌باشد، بنابراین اسلام با اجتهاد موافقت کرد و از این رو دعوت به وحدت، دعوت به اتحاد، موضع‌گیری عملی در عین اختلاف‌نظر است و این یک امر طبیعی است.

به مرحله سوم می‌پردازم و می‌گویم: اگر این روند به‌عنوان غنای فکری و مشارکت تمدنی است، پس چرا در گذر تاریخ این همه اشک و خون جاری شده است؟ چرا در طول مسیرمان با این ضربات خشن و کشنده روبرو شده‌ایم؟

فکر می‌کنم اگر دلایل را خلاصه کنیم، دو عامل ظاهر می‌شود: یکی به علما و مجتهدان و دیگری به سایر قشرها مربوط می‌شود. بعضی‌ها متأسفانه به تنگ‌نظری و تعصب ذاتی توجیه‌ناپذیر، دچار شدند. عامل دیگر، از این تنگ‌نظری و تعصب سوء استفاده کرد. این عامل دیگر، همان مصالح حکمرانان و خودکامگان است که از تاریخ ما گذر کردند و این تاریخ را زخمی و خونین نمودند و میان تنگ‌نظری حکمرانان و برخی عوام، با منافع شخصی حکمرانان سرکوب‌گر، همکاری پدید آمد و آنان اختلاف مذهبی - تمدنی زیبا را به اختلاف مذهبی زشت و

فرقه‌گرایی کشنده مبدل کردند که رودهایی از اشک و خون از همه ما گرفته است!

سؤال چهارم: بنابراین، چگونه تقریب بین مذاهب و موضع‌گیری واحد را تحقق بخشیم؟

در این جا فکر می‌کنم راهی که باید در پیش بگیریم «راه گفت‌وگو» است.

گفت‌وگو باید در فضایی آرام صورت بگیرد نه در فضایی نگران‌کننده. در فضایی که قریشی‌ها پیامبر (ص) را به دیوانگی متهم می‌کردند، پیامبر (ص) نمی‌گفت: من دیوانه نیستم، به دلایل اینکه اولاً، ثانیاً، ثالثاً و ...، بلکه دگرگون‌سازی فضای جار و جنجال و گشودن راه تعقل را خواستار می‌شد ... سپس می‌فرمود: به خانه‌هایتان بازگردید... سپس بیندیشید ...: «و ماصاحبکم بمجنون». بدین جهت، قرآن روش جالبی برای گفت‌وگو و شرایط آن ارائه کرده است که فکر می‌کنم راه صحیح برای رسیدن به نتیجه مطلوب، باشد.

تفاهم و وحدت

مسطق - شیخ احمد بن سعود السیابی: ابتدا لازم است از کسانی که همت کرده‌اند و این میزگرد را دایر نموده‌اند و از شیخ الازهر و جناب آقای دکتر زفروق و جناب مفتی جمهوری عربی مصر تشکر کنیم. این فکر جالبی است که نمایندگان مذاهب حاضر و فعال در صحنه، در این جا گرد هم آیند. بی‌تردید پراکندگی امت اسلامی به صورت گروه‌ها و احزاب در نتیجه عملکردهای سیاسی - تاریخی بوده است و حتی شکاف در میان امت، یا تشتت امت، بنابر دلایل سیاسی بوده که پیرامون حکومت‌ها دور می‌زد و امت به شکل احزاب کنونی از هم جدا گردید و از نظر اعتقادی و فقهی تحت تأثیر قرار گرفت. سپس تاریخ اسلام در این مسیر ادامه یافت و هر از گاهی، این تفرقه دامن زده شد، تا اینکه امت اسلامی در روند تاریخ تمدنی خویش، دچار ضعف گردید و در برابر استعمارگر، به صورت «شکاری راه گم کرده» در آمد! از جنگ‌های صلیبی گرفته تا استعمار پرتغال که به‌عنوان نخستین استعمار غربی در کشورهای اسلامی به معنی و مفهوم استعمار بود، چنین است سپس استعمارگران دیگر آمدند. اینها جملگی در نتیجه خودبستگی امت اسلامی و فقدان هویت به سبب تشتت و پراکندگی بود. به نظرم دلیل این وضعیت همان دامن زدن به اختلافات توسط گروه‌های سیاستمداران با مخالفان سیاسی بود و گزافه نیست اگر بگوییم، آنها در پی برانگیختن هرچه بیشتر تفرقه در بین امت اسلامی بوده‌اند.

در واقع اکثر پیروان مذاهب اسلامی «عوام» هستند و اگر کسی بخواهد تعداد روشنفکران و اندیشمندان در هر مذهب را شمارش کند، از ۵ درصد فراتر نمی‌رود! و اگر این میانگین را به ۱۰ درصد بالا ببریم، معنایش این است که ۹۰ درصد پیروان مذاهب عوام‌اند! که در انتساب به مذهب خویش احساساتی‌اند، به طوری که هیچ سخن دیگر از مذهب دیگر را نمی‌پذیرند و به هیچ مذهب دیگری توجه ندارند. در نتیجه این انگ‌زدن‌ها پدید می‌آید ... بنابراین، دست کشیدن از انگ‌های مذهبی و لقب‌های اختلاف‌برانگیز، یکی از اولویت‌های وحدت اسلامی است.

ما در واقع خواستار وحدت اسلامی برای امت اسلامی هستیم و تقریب میان مذاهب اسلام عملاً وجود دارد، زیرا درس فقه تطبیقی یا مقایسه‌ای، هم اکنون در هر دانشگاه و در هر بخش از بخش‌های فقهی، موجود است و اکنون هر پژوهشگری هر حکم فقهی را می‌داند. پس آنچه مسلم است، این است که ما وحدت اسلامی می‌خواهیم و این مهم در این زمان امکان‌پذیر است ... حتی اگر مذاهب بمانند ... و مهم این است که تفاهم داشته باشیم. ما نیاز به این فضا داریم، تا جایگزین فضای آکنده از دشمنی و نفرت میان پیروان مذاهب گوناگون شود!

در واقع، میان پیروان مذاهب اسلامی دشمنی وجود ندارد و این دشمنی از موضع‌گیری‌های تاریخی و در نتیجه مسائل اعتقادی ناشی می‌شود و اینها موضوعاتی است که می‌توان درباره‌شان به بحث و گفت‌وگو نشست.

محمود مراد: وقتی انسان سخنان را از علمای بزرگواری چون شما

آقایان می‌شوند، مشکل آسان می‌شود و با خود می‌گویید: اختلافات بزرگی نیست و ما همگی به یک اندیشه و به یک اسلام و یک ایدئولوژی وابستگی داریم، ولی عملاً و در سطح مردم کوچه و بازار و جامعه می‌بینیم اختلافات بزرگ و برجسته‌ای هست و درگیری‌هایی میان مذاهب گوناگون وجود دارد.

نمی‌گوییم که دیگران برضد ما از این امر سوء استفاده نمی‌کنند، ولی قبل از اینکه به دیگران نگاه کنیم که چگونه از این امر استفاده می‌کنند، باید به خودمان نگاه کنیم، آن‌گاه درمی‌یابیم اختلافاتی وجود دارد که به‌طور منفی، در زندگی جوامع اسلامی منعکس می‌شود. اگر اختلافات میان مذاهب برای غنی‌سازی و بارور کردن گفت‌وگو باشد که بسیار خوب است، ولی اینکه اختلافات در کوچه و بازار منعکس شود و به سرحد تکفیر میان افراد مذاهب گوناگون برسد و به سرحد - همان‌گونه که گفته شد - خونریزی و اشک‌ریزی برسد، گمان می‌کنم ضروری است که به این موضوع پایان دهیم.

وحدت امت، عبادت حق

ایران- شیخ محمد واعظزاده: از شرکت همه شما در این میزگرد مهم تشکر می‌کنم و به همه شما از صمیم قلب خوش آمد می‌گویم. البته این اهتمام و توجه شما برای حمایت از فرایض الهی است. ما مسلمانان در هر زمان، به ویژه در این برهه، باید به وحدت امت اسلامی توجه کنیم تا به این سخنان خداوند متعال را که می‌فرماید: «ان هذه امتکم أمة واحدة و أنا ربکم فاعبدون» و: «ان هذه امتکم واحدة و أنا ربکم فاعبدون» لیبیک بگوئیم. خداوند متعال در این دو آیه میان وحدت امت و پرستش خداوند، ربط داده است.

آری وحدت امت، مهم‌ترین تکلیف الهی بر عهده ما به شمار می‌آید، زیرا امت را در جایگاه مناسبی در بین امت‌ها قرار می‌دهد. بنابراین بحث درباره پشتوانه عزت امت اسلامی امری ضروری است، زیرا در اختلاف و افراط‌گرایی امت جز ضرر و زیان چیزی وجود ندارد.

برادران علما ارتباط نزدیکی با آن سازمان بزرگ که «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» خوانده می‌شد، داشتند و نیز با مشایخ بزرگ که جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی را تشکیل دادند و در رأس آنان دو امام بزرگوار که- هر دو شیخ الازهر بودند- یعنی: مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم و مرحوم شیخ محمود شلتوت و شخصیت‌های دیگری که در تأسیس دارالتقریب شرکت داشتند ارتباط داشتند. به ویژه دو امام

با اخلاص، علامه شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ محمد محمد المدنی و نیز استاد بزرگ ما امام بروجردی.

بنده اندیشه تقریب بین مذاهب را از مجله رساله‌الاسلام (که به نظرم بهترین مجله اسلامی است که تا کنون منتشر شده است) آموختم. اولین شماره این مجله برای مرحوم پدرم رسید و من بارها آن را خواندم تا اینکه مفاهیم بلند آن از اولین تا آخرین شماره، در جان و دلم راه یافت و تمام آن را از بر و حفظ کردم. هم‌چنین افتخار داشتم با علامه شیخ محمد تقی قمی - دبیر کل دارالتقریب در قاهره - که تمام کارهای دارالتقریب را انجام می‌داد، همیشه ملاقات داشته باشم.

در پایان عرض می‌کنم ادیان و یا مذاهب، برجسته‌ترین مصداق این فرموده الهی هستند: «ألم ترکیف ضرب الله مثلاً، کلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها» دین مانند درختی ثابت و تغییرناپذیر است و مذاهب شاخه‌های متعدد آن که بدون محدودیت و بی‌نهایت بارور می‌شود ... همان‌گونه که امت هر روز تا روز واپسین، نیاز مداوم به آنها دارد.

گفت‌وگوی اسلامی - اسلامی

مصر - دکتر محمود حمدی زقزوق: بنده سخنم را از ملاحظه‌ای که استاد محمود مراد قبلاً گفتند، شروع می‌کنم. ما نمی‌خواهیم مشکل را ساده و آسان کنیم و بگوییم همه چیز بر وفق مراد است و هیچ‌گونه اختلافی نیست و ما آیات قرآن و احادیث پیامبر و همه چیز را داریم و آنها را تکرار کرده و بر آن دعوت می‌کنیم تا این گونه به نظر برسد که مطلقاً چیزی وجود ندارد، در حالی که باید بی‌پرده اعتراف کنیم: نه! چیزی وجود دارد که مذاهب اسلامی را از یکدیگر دور می‌نماید و گرنه این جا دور هم جمع نمی‌شدیم، تا درباره «تقریب» به بحث بنشینیم.

مسئله، مسئله اختلاف میان مذاهب فقهی نیست، زیرا مذاهب فقهی با یکدیگر اختلافی ندارند و حتی در بخش سنی، چهار مذهب فقهی وجود دارد که هر کدام دیدگاه متفاوتی دارد.

رسم بر این بوده است که مصر برای تمام اختلافات مذهبی بدون احساس تنگنا، سعه صدر داشته باشد و هرکس از مسجد سلطان حسن بازدید کند، مدرسه‌ای می‌یابد که جزو مدارس تاریخی باستانی به شمار می‌آید و در آن، مدرسه‌ای برای مذاهب چهارگانه فقهی، در کنار یکدیگر موجود است که بخش‌هایی از آن برای شافعیه و حنفیه و حنبلیه و مالکیه است، بنابراین مسئله، مسئله اختلاف میان مذاهب فقهی نیست، با این حال چیزی وجود دارد که میان فرزندان امت اسلامی جدایی می‌افکند.

موضوع دیگر این که کشمکش‌هایی که در گذشته به وقوع پیوسته و به وقوع جنگ‌ها انجامیده که جناب شیخ محمد علی تسخیری درباره آنها سخن گفتند، کشمکش‌های تاریخی است که نسل‌های کنونی مطلقاً هیچ دخالتی در آن نداشته‌اند. همان‌طور هر نیکی و خیریه‌ای که در گذشته اتفاق افتاده، نسل‌های کنونی نقشی در آن نداشته‌اند، یعنی هر نوع عمل منفی که در گذشته رخ داده نسل‌های کنونی در آن گناهی مرتکب نشده‌اند. از این رو باید جزو مسئولیت علما باشد که این امور را روشن کنند، زیرا همان‌طور که حضرت شیخ محمد علی تسخیری نیز گفتند: متأسفانه علما در تعمیق اختلافات کمک کرده‌اند و در نتیجه توده‌های امت از آنها تبعیت نموده‌اند. در حال حاضر این کشمکش‌های تاریخی هیچ توجیه عقلایی ندارد.

جهانی که پیرامون ماست، در تمام زمینه‌ها به سوی گروه‌بندی‌ها روی آورده و این گروه‌بندی‌ها، برای کشورهای ذی‌ربط در آن، قدرت محسوب می‌شود، اما از میان نیروهای جهان، فقط جهان اسلام است که هنوز بیدار نشده و توجهی به امور ندارد و نمی‌خواهد برای رویارویی (نمی‌گویم برای جنگ) با دیگران، نیروهایش را یک‌جا جمع‌آوری کند تا بتواند زنده بماند. شاید در این‌جا بد نیست تعبیری جالب و واقعی از دکتر احمد کمال ابوالمجدد که به هنگام برگزاری کنفرانس مجلس اعلای امور اسلامی در روزهای گذشته بیان کردند، نقل کنم: «اگر در تاریخ واقعه بزرگ شهادت امام حسین (ع) در کربلا باشد که تأثیر بزرگی در این شکاف میان سنی و شیعه برجای گذاشت، بیم آن دارم که اکنون نیز

واقعه دیگری باشد که همه مسلمانان شیعه و سنی در آن کشته شوند! مسئله بسیار خطرناک است. جهان به تجمع و گروه‌بندی روی آورده و مسلمانان هم‌چنان پراکنده‌اند و درک نمی‌کنند که اوضاع در عصر حاضر و عصر «جهانی شدن» تا چه حد خطرناک است؟.

اگر میان مسلمانان و غیرمسلمانان گفت‌وگو برقرار می‌کنیم و سال جاری سال «گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها» است، از باب اولی، باید گفت‌وگوی اسلامی - اسلامی داشته باشیم، یعنی ابتدا خانه را از درون مرتب کنیم، وگرنه اگر با دیگران وارد گفت‌وگو شویم، ولی خود در درون، متفرق و متشتت باشیم، وضعیت چگونه خواهد بود؟

جای تعجب دارد که وارد گفت‌وگو با دیگران بشویم و وجوه مشترک - با دیگران غیرمسلمان را جست‌وجو کنیم، تا در این جهان همزیستی داشته باشیم، ولی فراموش کنیم که برای گفت‌وگوی اسلامی - اسلامی، ضرورتی وجود دارد. اگر به دنبال وجوه مشترک با دیگران غیرمسلمان هستیم، وجوه مشترک میان مسلمانان بسیار فروانند، زیرا در ارکان اصلی و پنج‌گانه اسلام، مطلقاً اختلافی وجود ندارد، در اصول ایمان به خدا و فرشتگانش و کتب و پیامبرانش و روز واپسین اختلافی نیست، یعنی هیچ‌گونه اختلافی بر سر هیچ یک از اصول مسلم اسلام، میان شیعه و سنی وجود ندارد، پس چرا به تعمیق اختلافات ادامه می‌دهیم؟

البته عناصری وجود دارد که تا امروز به اختلافات فکری، منازعه تاریخی و کشمکش‌های پیشین دامن می‌زنند و تلاش دارند یک بار

دیگر آن را تکرار و دوباره احیا کنند. از این رو، نباید این گونه دیدارها فقط به این صورت بگذرد که هر کدام از ما چیزی برای تعارف به دیگری بگوییم و بعد مسئله تمام شود.

شاید بتوانم بگویم که مصر (چنان که گفتیم) در زمینه «تقریب میان مذاهب اسلامی» پیشگام بوده است، زیرا میراث فرهنگی تاریخی مصر همواره این گونه بوده است و مصر فرقی میان مذهبی و مذهب دیگر، قائل نمی‌شود. مصریان همگی از اول تا آخر بیش از همه مردم، به اهل بیت مهر می‌ورزند و این واقعیت به هیچ وجه تظاهر نیست ... هر مصری در دورترین نقطه جنوب یا شمال کشور به امام حسین (ع) و سیده زینب و همه اهل بیت دل بسته است. زمین برای تقریب در مصر بارور بود که بیش از ۵۰ سال پیش «جمعیت التقریب بین المذاهب الاسلامیه» را ایجاد کرد و تلاش‌هایی صورت گرفت که به‌خاطر آن، مشایخ الازهر چون: شیخ شلتوت و شیخ مراغی و نیز شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ محمد مدنی و دیگران مبارزه کردند. مضافاً اینکه مجله «رسالة الاسلام» گواه راستین این مقوله است و شماره‌های منتشر شده این مجله در ۱۵ مجلد موجود است.

این الگوی مصری در این زمینه پیشگام است و می‌توانیم آن را در تمام کشورهای اسلامی توسعه دهیم تا در آنجا نیز جمعیت‌های تقریب بین مذاهب اسلامی به وجود بیاید و به بار بنشیند، تا این نزدیکی تحقق نیابد. بنده با جناب شیخ محمد علی تسخیری اتفاق نظر دارم در اینکه تقریب به معنای ذوب کردن مذاهب. دیگر نیست و نیز به معنای چیره

نمودن مذهبی بر مذهب دیگر نیست، چه، هر کس دیدگاه خود را دارد و اختلاف نظر اندیشه اسلامی را غنا می‌بخشد و مسئله این نیست که فکر کنیم هر اختلاف نظری به معنای منازعه و شکاف است، خیر! اختلاف نظر لازم است، ولی در کنارش تسامح هم باید باشد. به این معنا که هر یک از ما به دیگری حق اظهار نظر بدهد و به آن احترام بگذارد.

امام شافعی در این باره می‌گوید: «نظر ما نظر درستی است که احتمال دارد اشتباه هم باشد و نظر دیگران نظر اشتباهی است، که احتمال دارد درست باشد!» بنابراین، مسئله این نیست که بنده نظری دارم و بر دیگری تحمیل می‌کنم و می‌گویم مطلق است! این امر به هیچ وجه جایز نیست؛ حق مطلق که جای بحث در آن نیست، بلکه فقط حق همان چیزی است که در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) آمده، آن هم با دلیل قطعی و سوای آن، اجتهاداتی بیش نیست. همه یا اشتباه و یا درست می‌گویند و کسی که اجتهاد کرده و نظر اشتباه می‌دهد، یک پاداش دارد و کسی که اجتهاد می‌کند و نظرش درست باشد، دو پاداش دارد.

از جمله مسائل دیگری که مطرح شده است، مسئولیت حکومت‌ها در پیام‌رسانی اسلامی است. در واقع تقریب یک مسئله سیاسی نیست که حکومت‌ها متصدی آن باشند، بلکه علمای دینی و اندیشمندان مسلمان هستند که در توده‌ها تأثیر می‌گذارند، زیرا توده‌های امت، در هر مسئله دینی، طلب فتوا کرده و از علمای دین سؤال می‌کنند، نه از

سیاستمداران. در نتیجه علمای دینی باید وظیفه خود را در این خصوص به انجام برسانند تا اذهان مردم روشن شود و با ارائه طریق تساهل و تسامح راه را بر همگان روشن سازند. اگر تساهل و تسامح به عنوان یک ارزش حکم فرما شود، به محو تمام رسوباتی که همه ما می‌شناسیم و تا کنون نیز هم‌چنان پاره‌ای از آثار آن مشهود است، خواهد انجامید.

بنابراین مسئله این است که گفت‌وگو بین مذاهب اسلامی جهت نزدیکی به یکدیگر ضرورت دارد و این ضرورت در کنفرانس اخیر «مجلس اعلای امور اسلامی» ما را واداشت تا در محور دوم کنفرانس، بندی تحت عنوان «تقریب بین مذاهب اسلامی» اضافه کنیم. هم‌چنین بر اساس همین ضرورت، اکنون در این «میزگرد» می‌نشینیم.

ضرورت احیای حرکت تقریب

ایران- جناب سید هادی خسروشاهی: در واقع اساتید گرامی و در پیشاپیش آنها جناب شیخ الازهر به واقعیت‌های وضع موجود در صحنه اشاره کردند و آن اینکه در اصول، میان مذاهب اسلامی، اختلاف و تفاوتی وجود ندارد. اما اختلاف پیش آمده در فروع فقهی، یک امر اجتهادی است و از زمان پیامبر (ص) واقع شده است و البته این امر، موجب غنای هر چه بیشتر گنجینه فقه اسلامی می‌شود.

واقعیت این است که مصر با دانشگاه الازهر از شصت و پنج سال پیش نقش بزرگ و ویژه‌ای در اتحاد مسلمانان در چارچوب تقریب بین مذاهب اسلامی ایفا کرد. توافق نخستین برای تأسیس دارالتقریب در سال ۱۹۳۷ میلادی، در دوران مرحوم شیخ مراغی به وجود آمد، البته تأسیس رسمی آن، در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت؛ ولی متأسفانه این کانون عملاً از ۲۵ سال پیش در مصر تعطیل شده است.

ایران پس از انقلاب اسلامی، وظیفه خود را در این زمینه انجام داد و «مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی» را با شرکت جمعی از علمای «مذاهب اسلامی» تأسیس کرد؛ اما من شخصاً بر این باورم که در نبود مصر و الازهر، نمی‌توانیم وظیفه‌مان را در قبال ملت‌های مسلمان در تمام جهان، به‌طور کامل به انجام برسانیم.

هم‌چنین اعتقاد داریم که ما هم‌چنان به تقریب نیاز مبرم داریم و اتفاقاتی که مثلاً در پاکستان و افغانستان روی می‌دهد، یعنی ترور

شخصیت‌های مذهبی برجسته، یعنی علمای فرقه‌های اسلامی به دست متعصبان مذهبی، هم اکنون پیش روی ماست. بر همین اساس «اختلاف موجود مذهبی» ثابت می‌کند که جهان اسلام به «دارالتقریب» و حرکت تقریب نیاز دارد و به خواست خدا مخصوصاً از مصر و ایران، برای تقریب میان پیروان مذاهب، باید کارش را آغاز کند.

من پیشنهاد می‌کنم که این «میزگرد» برنامه کاری داشته باشد و پیشنهادهای مشخصی ارائه شود و سرآغاز میزگردهای دیگری درباره تقریب بین مذاهب محترم اسلامی باشد و جناب دکتر شیخ طنطاوی در برگزاری آن نظارت کنند و هر یک از ما، در چارچوب دارالتقریب وظیفه‌ای را در کشور خویش برعهده بگیریم.

هم‌چنین پیشنهاد می‌کنم که دارالتقریب انتشار مجله ارزشمند و مشهور «رسالة الاسلام» را از قاهره آغاز کند، چون این مجله نقش ویژه‌ای در میدان روشنگری فکری و معرفی مذاهب فقهی اسلامی، بر عهده داشت و فکر می‌کنم که اکنون برای تقویت روابط میان تمام کشورهای اسلامی، نشر مجدد آن اهمیت خاصی دارد و با توجه به چالش‌هایی که امروز جهان اسلام با آن روبروست، یک ضرورت اساسی به شمار می‌آید. البته ما آمادگی کامل داریم که در قبال این طرح و پیشنهاد، وظیفه‌مان را انجام دهیم و با جدیت و تعهد تلاش کنیم.

بخش اول در مسائل مطرح شده میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، با مشخص کردن دیدگاه اسلامی روشن برای مقابله با اختلافات مبلغان مذاهب گوناگون و پیروان آنها به پایان رسید. این گونه اختلافات به تعمیق شکاف و برانگیختن فتنه‌ها و خونریزی می‌انجامد که آن هم به دلیل درک ناقص برخی افراد، در پاره‌ای از جوامع است.

بر اساس این دیدگاه‌ها تصمیماتی بسیار مهم با موافقت کلیه حاضران «میزگرد» مطرح شد که عبارت است از: برپایی مرکز گفت‌وگوی اسلامی وابسته به دفتر شیخ الازهر تا به عنوان مرجعی برای پایان دادن به اختلافات، به تصحیح مفاهیم و رویارویی با تحولات جدید بپردازد. این مرکز مأموریت همکاری و تکامل با مراکز دیگر را که به همین منظور در کشورهای مختلف اسلامی برپا می‌شود و نهادهای گوناگون مردمی، بر عهده خواهد گرفت.

میزگرد، به احیاء و فعال کردن مجدد دار تقریب بین مذاهب که از بیش از نیم‌قرن پیش در «مصر» تأسیس یافت، دعوت کرد. علمای دینی

از ایران، سلطان‌نشین عمان و لبنان چنین ابراز عقیده کردند که قاهره با توجه به جایگاه، نقش و مسئولیت تاریخی خود، شایستگی رهبری حرکت روشنگری و تصحیح مفاهیم برای جلوگیری از مخدوش کردن تصویر اسلام را دارد، تا مسلمانان در برابر روند جهانی شدن، گفت‌وگوی تمدن‌ها و مشکلات فراوان و پی‌درپی که جهان در عصر حاضر شاهد آن است، متحد شوند.

بخش اول مباحث این میزگرد از نظر گرامیتان گذشت. اینک به بخش دوم و مهم این میزگرد می‌پردازیم.

«الاهرام»: قاهره

محمود مراد: گفت و گو تا کنون اشتباهی ما را بازتر کرد! مضافاً اینکه جناب آقای خسرو شاهی سفیر ایران - در قاهره - پیشنهادهای مشخصی را درباره ضرورت احیای یا تأسیس دارالتقریب بین مذاهب ارائه کردند و مسئولیت این امر را برعهده شیخ الازهر گذاردند. در واقع بنده ضمن ستایش از این پیشنهاد، عرض می‌کنم که واقعاً اگر با گفت و گوی تمدن‌ها و گفت و گوی بین ادیان سر و کار داریم، باید یک مرجع واحد برای تقریب وجود داشته باشد و با سازمان‌ها و نهادهای تقریب بین مذاهب در هر کشور اسلامی، همکاری و همفکری داشته باشد و از خلال آن، نخبگان موجود در «کمیته مرکزی» که نماینده مرجعیت هستند، با یکدیگر هماهنگی کنند تا مراکز موجود در جهان اسلام، مکمل همدیگر باشند. باید گام‌های عملی و دیدگاه‌های روشن‌تر در بین مردم کوچه و بازار ایجاد کنیم، زیرا همان گونه که گفته شد، در پاکستان و افغانستان عملیات‌های تروریستی مشکوک از این یا آن مذهب انجام می‌گیرد. پیشنهاد بنده همین است و نظر، نظر شماست.

محدود نکردن مذاهب

لبنان - شیخ محمود فرحات: بسته‌بندی و مشخص یا محدود کردن مذاهب در روزگار حکومت ممالیک در قاهره آغاز گردید و مذاهب اسلامی متأسفانه در چارچوب مذاهب چهارگانه، خلاصه شد. امروز ما از مصر می‌خواهیم، بسته‌بندی را باز کرده و محدودیت از مذاهب را بردارد، به طوری که مذاهب اسلامی که بر همان اصول، اعتقادات و خط فقهی اصولی که دارند، در مجموعه و در چارچوب دایره اسلامی، قرار گیرند.

تمام آن‌چه این برادران گفتند، عالی است، به‌ویژه بیانات جناب آقای وزیر که به‌طور خلاصه فراگیر و روشن مطلب را ارائه کردند. ولی سؤال این است: درمان چیست؟ و چه کسی مسئولیت این امر را بر عهده می‌گیرد و ابتکار عمل با کیست؟

جناب وزیر به مسئولیت حکومت‌ها اشاره داشتند و بنده بما ایشان اتفاق نظر دارم، بلکه شاید برخی حکومتها با یکپارچگی موضوع موافق نباشند، زیرا اختلاف مذهبی در «اسلام سیاسی - حکومتی» شروع شد و این گونه مورد بهره‌برداری قرار گرفت، تا اینکه دامنه پیدا کرد و شدت گرفت و بدان‌جا رسید که اکنون همه ما می‌نالیم و درد می‌کشیم!

هیچ مسلمانی منکر نقش الازهر نیست و اگر انکار کند، اشتباه می‌کند، هم‌چنان‌که نقش کانون دیگر اسلام در ایران - مجمع جهانی تقریب - مهم است؛ یعنی این دو، نقش مسئولیت نزدیک‌سازی دیدگاه‌ها و تقریب نگرش‌ها را بر عهده دارند.

پس مسئله این است که «الازهر» و مراجع «قم» به‌طور روشن اعلام موضع کنند و بگویند: «همه ما مسلمانیم و به اصول و اعتقادات واحد ایمان داریم» (اگر چه با یکدیگر اختلافاتی در فروع دارند). از الازهر می‌خواهیم به برادران اعلام کند: «کسانی که می‌گویند شیعه کافر است، غلط است و شیعه کافر نیست» و این مسئولیت الازهر است.

هم‌چنین باید در مراکز شیعه، به‌طور مداوم توضیح داده شود که مذاهب چهارگانه یا مذاهب اسلامی که بر همان اصول و مبانی تکیه دارند، درست هستند (البته، شیعیان «قیاس» نمی‌کنند).

برخی از مذاهب چهارگانه قائل به «استحسان» هستند و بعضی می‌گویند استحسان ۹ دهم علم است! و عده‌ای می‌گویند: هر کس استحسان کند احکام جدیدی وضع کرده و هرکس چنین کند، کفر ورزیده است! اینها به نظر ما، اختلافات فرعی و غیرریشه‌ای هستند و هیچ پیوندی با اصولی که همه در آنها متفق هستیم، ندارند.

ساز و کارهای تقریب

ایران - علی المؤمن: درباره سازوکارهای تقریب صحبت می‌کنم. این سازوکارها تنها شعارها یا پیام‌های تشویق و آمال و آرزو نیست، بلکه سلسله‌ای از فعل و انفعال‌های عمیق میان مجموعه‌ای از خطوط است که خطوط کلی روند را تشکیل می‌دهد. فکر می‌کنم این خطوط به پنج بخش تقسیم می‌شود: روانی، تبلیغاتی، اجتماعی، سیاسی و علمی.

این خطوط یکدیگر را تکمیل و در هم تداخل پیدا می‌کنند و هر

کدام در خدمت اهداف دیگر قرار می‌گیرند و هر کدام می‌تواند به شکل نهادها و ابزارهای سازمان یافته‌ای، تجسم پیدا کند.

درباره خط روانی، فقط به‌طور اشاره می‌گوییم: این خط در اجتناب از تمام انواع حساسیت‌ها میان مسلمانان و ایجاد حسن ظن نسبت به دیگر مذاهب اسلامی، دوست داشتن پیروان این مذاهب، همدردی با آنها تجلی می‌یابد. باید با جان و دل به این واقعیت باور یافت که تمام مذاهب سرشت مشترکی دارند.

خط تبلیغاتی در ایجاد راهبرد تبلیغاتی مشترک جهت تقریب ظاهر می‌شود که در آن، اغلب رسانه‌های اسلامی معتقد به روند تقریب در چارچوب راهبرد مشترک به منظور آفریدن فرهنگی به نام «فرهنگ تقریب» شرکت می‌کنند.

این مأموریت دست اندرکاران رسانه‌هاست که مأموریت علما را تکمیل می‌کند. ایجاد فرهنگ تقریب در محافل اجتماعی اسلامی، در ایجاد آگاهی وحدت‌گرا و نزدیکی خواه و در افکار عمومی اسلامی شکل می‌گیرد که بر مسئولان، حکومت‌ها، علما و مؤسسه‌های دینی فشار می‌آورد. خط سوم، خط اجتماعی است که محورهای آن در همیاری و پایاپایی اجتماعی میان مسلمانان، تجلی می‌یابد. این همیاری و همکاری بسیاری از موانع نظری و علمی را از میان خواهد برداشت. در این جا باید یادآوری کرد که لازم است دیدارهای تقریب فقط محدود به علما یا رهبران مسلمانان نباشد، بلکه در بین همه طبقات امت، تسری پیدا کند.

خط چهارم یعنی خط سیاسی، در ایجاد همبستگی در زمینه‌های

سیاسی، دفاع از ملت‌های مسلمان و اتخاذ مواضع یکپارچه در محافل بین‌المللی، رسمی و مردمی در رویارویی با بدخواهان، تجلی می‌یابد. خط پنجم - که خط مهمی است - خط علمی می‌باشد. گام‌هایی که در این راستا باید برداشته شود، عبارتند از:

آشنایی با حقایق مذاهب دیگر و بررسی عالمانه منابع آنها و گفت‌وگو با یکدیگر. وقتی در سودان بودم، در کتابخانه‌های بسیاری از علما و روشنفکران اهل سنت حتی یک کتاب از علمای شیعه را پیدا نکردم، حال آنکه وارد کتابخانه هر روشنفکر یا عالم شیعی که در ایران، لبنان، عراق، پاکستان و ... می‌شویم، کتاب‌های فراوانی از اهل سنت می‌یابیم، بنابراین ناگزیر هستیم با حقایق مذاهب دیگر از طریق بررسی منابع اصلی آشنا شویم و به گفته‌های شرق‌شناسان و دشمنان دین تکیه نکنیم.

مطلب مهم دیگر، مسئله «بازبینی» است به این معنا که هر مذهب یا گروه، دوباره مبانی علمی خود را بازبینی نمایند، به‌ویژه در مورد مسائلی که موجب اختلاف و درگیری مسلمانان شده و مانع از پیوند و تلاقی آنان می‌گردد.

برای اینکه میزگرد کنونی از آنچه معمولاً در این قبیل مناسبت‌ها مطرح می‌شود، پا فراتر بگذارد پیشنهاد می‌کنم این میزگرد به سؤال «چه باید کرد؟» پاسخ دهد و اینکه چه گام‌های عملی برای اجرای خطوط مذکور در روند تقریب باید برداشته شود؟

طرح شلتوت - قمی

مصر - ایران عبدالله قمی (دبیر دارالتقریب قاهره): اولاً مایلیم ابتدا به آنچه آیت‌الله تسخیری درباره حکمرانان گفتند، اضافه کنم که آنچه دیگران انجام دادند و موجب تفرقه گردیدند، «تقریب» در مصر آن را ناکام ساخت و راه مثبت را به انجام رساند. گمان می‌کنم همه ما اتفاق نظر داریم که اختلافاتی در اصول وجود ندارد، ولی همان گونه که جناب آقای وزیر گفتند، یک چیزی وجود دارد و گرنه اکنون اینجا نمی‌نشستیم و بحث نمی‌کردیم!

من فکر می‌کنم این امر در کوچه و خیابان وجود دارد! ... در اموری که اصولاً وجود ندارد - مثلاً مسئله تحریف قرآن - متأسفانه شک و تردید وجود دارد و اعتقاد دارم به مصلحت ماست که آنها را مطرح نماییم تا زیر نور، معلوم شود؛ زیرا هر قدر در تاریکی بماند بزرگ می‌شود و به تبع آن اوضاع بدتر می‌شود و اتهامات متقابل افزایش می‌یابد. فکر نمی‌کنم اکنون با وجود رسانه‌های تبلیغاتی جدید، رهایی از اینها دشوار باشد، آن هم با پیام‌رسانی صحیح اسلامی که در جهان، در حال گسترش است.

ثانیاً در مورد تعصب مایلیم به سخنان شیخ اسبق الازهر حضرت شیخ محمود شلتوت اشاره کنم، مبنی بر اینکه اشتباهات تاریخی در خصوص مذاهب اسلامی وجود داشته و اینکه مسلمانان حق دارند از تعصب توجیه‌ناپذیر نسبت به مذاهب خاصی رهایی یابند. ایشان گفتند:

دین خدا و شریعت الهی هرگز وابسته و محدود به مذهب خاص و مشخصی نبوده است. البته برای شیخ شلتوت و همکاران مجاهد ایشان - مبلغان تقریب در اواسط قرن گذشته - چون:

مرحوم شیخ مراغی، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ محمد تقی قمی و شیخ عبدالعزيز عیسی و دیگران، همین افتخار کافی است که خداوند متعال حق را پیروز کرد و دعوت آنان به فضل الهی، به سر منزل مقصود رسید و امید می رود دعوت آنان مجدداً احیاء گردد.

در مورد دارالتقریب، ما از دو سال پیش طرحی را جهت احیای طرح شلتوت - قمی آغاز کردیم که بر جمع آوری احادیث منورده اتفاق دو گروه (سنی - شیعی) به علاوه احادیث مذهب زیدی، مبتنی بود. مرحوم شیخ سید سعود نایب رییس اسبق الازهر، بر این طرح نظارت می کرد و اکنون تا حدودی با دبیر کل مجلس اعلاهی امور اسلامی دکتر عبدالصبور مرزوق همکاری هایی را آغاز کرده ایم تا از تحقیقات موجود در مجلس اعلاء، بهره برداری کنیم، ولی طرح ناتمام مانده و ما اکنون می خواهیم دوباره آن را احیاء کنیم و از (وزارت) اوقاف و الازهر و از برادران در ایران، تقاضای کمک و یاری و ارائه این اطلاعات را داریم تا در مسئله مورد بررسی، مرجع ما باشند.

مرکز گفت‌وگوی اسلامی

محمود مراد: از خلال اظهارنظرها و ملاحظات ارائه شده، درمی‌یابیم که تقریب بین مذاهب ضرورت دارد، زیرا آثار اختلافات به‌طور منفی بر جوامع اسلامی منعکس شده و به سرحد کشتار و تکفیر متقابل رسیده است و این می‌تواند تصویر و چهره اسلام را مخدوش و حرکت مسلمانان را متوقف نماید. این اتفاق در حالی روی می‌دهد که ما با گفت‌وگوی تمدن‌ها و روند جدید جهانی شدن سر و کار داریم. این امور در حالی میان مسلمانان اتفاق می‌افتد که اسلام، ادیان گوناگون را به هم نزدیک کرده است.

بنابراین ما به تقریب میان مذاهب و پیروان آنها نیاز مبرم داریم. گمان می‌کنم که بر سر ضرورت توجه به این مهم و یکپارچه کردن مرکزیت، اتفاق نظر وجود دارد و چه بسا این امر به تأسیس «مرکز گفت‌وگوی اسلامی» وابسته به الازهر، بینجامد و کانون‌های دیگری برای این گفت‌وگوی اسلامی در قم و تعدادی از کشورهای اسلامی، دایر شود و این کانون در قاهره به صورت هماهنگ‌کننده عمل کند، تا به ویژه در نظریات فقهی و فتواها، تضادها و درگیری‌ها، اختلافات خاصی به وجود نیاورد.

تصور می‌کنم ما بر سر این مرجعیت مرکزی و لزوم برگزاری «کنفرانس تقریب بین مذاهب» اتفاق نظر پیدا کردیم و اینکه از خلال این شکل رسمی، تحرک روزانه به وجود بیاید و نیز احیای نهادهای «جامعه

مدنی» چون «دارالتقریب بین مذاهب در قاهره» موجب شود تا این نهادها در این مهم سهیم شود. هم‌چنین امکان پیدایش نهادهای دیگری در دیگر کشورهای اسلامی به وجود آید.

همه حاضران در جلسه، با این پیشنهادها اعلام موافقت نمودند، سپس دیدگاه‌ها و توضیحاتی ارائه شد.

تفاوت قرآن‌ها

مصر- دکتر محمود حمدی زقزوق: فقط مایلم در مورد سخن برادر گرامی عبدالله قمی توضیحی ارائه کنم. ایشان به دشمنی مردم کوچک و بازار اشاره کردند، ولی من باید بگویم که این امر هرگز در میان مردم کوچک و بازار مصر روی نمی‌دهد. نمی‌توان گفت که در مصر اهل سنت به اهل بیت دشمنی می‌ورزند. ما در مصر اتحادیه‌ای برای اشراف «سادات» داریم که به فرمان رئیس جمهوری تأسیس شده است. بنابراین مطلقاً هیچ‌گونه دشمنی وجود ندارد. هرکس به مسجدالحسین یا سیده زینب یا سیده نفیسه سر بزند، میزان علاقه مردم کوچک و بازار به اهل بیت را لمس می‌کند.

در مورد تحریف قرآن بنده استاد راهنمای یک دانشجوی قطری در دوره دکتری به نام خانم «عائشه المناع» بودم.

موضوع پایان نامه وی درباره بررسی تطبیقی شیعه امامیه و معتزله پیرامون مسائل اعتقادی دور می‌زد و تمام نظریات مختلف را آورده بود و مسئله تحریف و تفاوت قرآن‌ها را به کلی رد کرده بود و این سخن، مربوط به برخی از غلاة است که علمای شیعه آنها را به رسمیت نمی‌شناسند. در بین اهل سنت تلاش‌هایی برای توضیح این مفاهیم نادرست انجام می‌گیرد تا روشن شود تا چه حد این مفاهیم باطل است. ما با شما اتفاق نظر داریم که لازم است از تلاش‌های علمای قبلی در تقریب بین مذاهب اسلامی در دوره‌ای که دارالتقریب در مصر سر پا بود، قدردانی شود.

تبلیغات

مسقط - عمان، شیخ احمد بن مسعود السیابی: چند ملاحظه در مورد کشمکش‌های سیاسی - تاریخی که جناب شیخ تسخیری به آن اشاره کردند و استاد دکتر محمود حمدی زقزوق هم به آن پرداختند دارم مبنی بر اینکه نسل‌های قبلی باعث این کشمکش‌ها شدند، ولی تأثیرات آن هم‌چنان بر نسل‌های کنونی انعکاس می‌یابد. از این رو، این امر به تصمیم عموم مسلمانان بستگی دارد، همان‌گونه که خلیفه عمر بن عبدالعزیز گفت: «این مسئله از شمشیرهای ما در امان مانده، پس بگذارید از زبان‌های ما نیز در امان بماند!»

بنابراین جهان اسلام به تصمیم‌گیری اسلامی عمومی نیاز دارد تا این کشمکش‌ها زدوده شود و به‌عنوان یکی از اصول تاریخی قلمداد نشود. این تصمیم‌گیری شجاعانه از نمادهای امت اسلامی، یعنی علما و اندیشمندان برمی‌آید.

در مورد نقش دستگاه‌های تبلیغاتی در تقریب بین مذاهب، باید بگویم که در واقع دستگاه‌های تبلیغاتی در هر کشوری به افکار عمومی آن کشور شکل می‌بخشند و بسیاری از ملت‌ها بر اساس جهت‌گیری‌های تبلیغاتی هدایت می‌شوند. تبلیغات سلاح خطرناک و کارآمدی شده است و به همین دلیل، این مسئله باید از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی دنبال شود تا در بین مردم کوچه و بازار کشورهای اسلامی تأثیر لازم را بگذارد.

تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی

مصر - حضرت مفتی (شیخ نصر فرید واصل): این مطلبی که عرض می‌کنم، برای مزید توضیحات پیرامون تمام نظرهایی است که به منظور احیای این اصل بنیادین، یعنی تقریب بین مذاهب و علمای اسلامی و در عین حال تقریب میان امت اسلامی به‌طور اعم، ارائه شده است. پیش از این، توضیح دادم که تقریب بین مذاهب اسلامی به خودی خود مدنظر نیست (چون تحصیل حاصل است)، بلکه مقصود تقریب میان پیروانی مطرح است که به این مذاهب وابستگی دارند، زیرا علمای امت اسلامی و مجتهدان این مذاهب، در تمام دوران‌ها، به خوبی می‌دانند که این مذاهب یک واقعیت انجام شده و جزو نشانه‌ها و تمایزهای شریعت اسلامی و اسلام به‌شمار می‌آیند، زیرا چنان‌که می‌دانیم، میان شریعت اسلامی و فهم و درک آن تفاوت‌هایی وجود دارد. شریعت اسلامی در عرصه اعتقادات و اصول اساسی ثابت و پایدار است، ولی در مورد درک فهم این شریعت، به گونه‌ای که برای هر زمان و مکانی صالح و مناسب باشد، این امر نیاز به «فقه شرعی» دارد که بر اصول متکی است و این فقه است که میان اصول و امور ثابت که هیچ مجتهد یا مذهبی از مذاهب تا روز واپسین در آن اختلاف‌نظری ندارند و بین امور مستحدثه‌ای که نیاز دارد به اینکه آن امور را با متون شرعی - خواه اصلی یا اجتهادی - ارتباط دهیم، فرق قائل می‌شود.

در این جا اساساً اختلافی نمی‌بینیم، ولی طبق شرایط تاریخی، این افکار بنا بر شرایط سیاسی یا تاریخی یا تعصبات، از جنبه فقهی صحیح

و از شریعت اسلامی فاصله گرفته‌اند و پیروان این مذاهب بودند که میان ایدئولوژی و شریعت از یک سو و مذهب به‌عنوان یک مذهب دارای اصول و مبانی فقهی و سیاسی از دیگر سو، جدایی افکندند.

ناگزیر هستیم این مراحل را پشت سر بگذاریم، زیرا همه نسبت به دلایل تفرقه بین امت اسلامی و تأثیر منفی ناشی از آن و هم‌چنین از شرایط حاضر اطلاع داریم که اکنون مسلمانان همگی دور هم می‌نشینند و درباره هر مسئله کوچک و بزرگ، به بحث می‌پردازند و راه‌حل ارائه می‌دهند و در همان لحظه همه مردم، با تمام وسایل، از آن مطلع می‌شوند. از این رو اگر «بیماری» شناخته شود، «درمان» آسان می‌گردد ... ما اکنون در سطح فرهنگی به خوبی آگاهی داریم چه دلایلی به عقب‌ماندگی امت و تفرقه بین علما و پیروان این علما و چگونگی رسیدن به این مرحله، انجامیده است. ما الان در جست‌وجوی درمان هستیم ... از این رو یک پیشنهاد دارم که به هیأت علمی محترم (در این میزگرد) ارائه می‌کنم و آن اینکه تقریب بین مذاهب نیاز به «تقریب» جدید ندارد؛ زیرا مذاهب واقعیت‌های عینی هستند و چنان که گفتیم، نمی‌توان مذاهب را در یک مذهب واحد ادغام کرد. این یکی از امتیازات اسلام است زیرا فقه اسلام، فقه مذاهب است و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت و راز جاودانگی آن همین است، ولی آنچه مورد نظر است، تقریب میان پیروان این مذاهب، به‌ویژه میان علماست - و نمی‌گویم میان عوام، زیرا عوام مذهبی ندارند و کسی که به آنان مذهب می‌بخشد، علما هستند. در این مورد سخنی را ذکر می‌کنم. «العلماء

بأقوالهم لا بأفئدتهم» یعنی آن چه مهم است، گفتار و طرز بیان علماست نه اینکه در دل های آنان چه می گذرد. متأسفانه این علما بودند که در گذشته بین امت اسلامی اختلاف ایجاد کردند. - با سخنان خود، نه با قلوب خود. لذا تقاضای بنده این است که گفت و گو و جلسه ما، «تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی» باشد.

مطلب دوم در مورد روند درک یا خلط مفاهیم است که در مسئله فتوای صادره درباره مسئله فلسطین و عملیات «استشهادی» دیده می شود. فکر می کنم رسانه های تبلیغاتی، متأسفانه دلیل اصلی این خلط مبحث هستند، زیرا هم چنان، تاکنون آنها «عملیات شهادت طلبانه» را انتحاری می خوانند! این مسئله خطرناکی است، زیرا چگونه می توانیم همزمان میان صفت انتحاری و شهادت طلبانه جمع کنیم؟ سپس باید این مفاهیم را روشن کنیم و در این راه، رسانه های تبلیغاتی نقش به سزایی دارند. بنابراین وصف «انتحاری» باید از میان برود.

هم چنین «دیوار ندبه»؛ این نیز مسئله خطرناکی است و باید به این مسائل توجه کنیم، چه، این امور با وسایل فرهنگی میان ما پخش می شود و ما هم تکرار می کنیم و بعدها به صورت واقعیت ثابت در می آید و دیگران از آن استفاده می کنند.

در پایان این توضیحات، تقاضا دارم به هدف اساسی، از خلال احیای وسیله امکان تقریب عملی از دیدگاه عملی دست یابیم، نه به خاطر اینکه به تاریخ بازگردیم، بلکه به این خاطر که شرایط جاری چگونه است و راه حل چیست؟

خصوصاً اینکه ما در وضعیت مطلوبی قرار نداریم و امت‌های دیگر با سوء استفاده از تشنه و پراکندگی مذهبی ما، دامنه این تفرقه را گسترش دادند و آن را به صورت یک امر واقعی و انجام شده درآوردند، زیرا ما حتی در کنفرانس‌های عمومی، هم‌چنان بر سر اموری کوچک اختلاف پیدا می‌کنیم.

در پایان سخنانم از جناب امام اکبر تقاضا دارم با پذیرش این فکر در جهت احیای دارالتقریب بین پیروان (نمی‌گویم بین مذاهب) تلاش کنند تا سرانجام همه به یک فکر و یک روش واحد در مسائل عمومی و مسائل زمانی کنونی و آینده که مورد اهتمام امت اسلامی است، برسند و هدف مورد نظر یعنی قدرتمندی امت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و مسائل عمومی تحقق یابد.

فرهنگ تقریب

ایران - جناب شیخ محمدعلی تسخیری: من باز چند تذکر و ملاحظه دارم ... نخست اینکه اعتقاد دارم حکمرانان نقش مهمی در زمینه‌سازی مناسب برای انجام این دیدارها دارند، زیرا امروز «اراده سیاسی» حرف اول را می‌زند.

ملاحظه دوم درباره گفت‌وگو است. فکر می‌کنم ما نمی‌توانیم گفت‌وگو را به یک زمینه محدود کنیم، یعنی گفت‌وگو می‌تواند فقهی، فکری و نیز عملی و پیرامون نقشه عملی مشخصی برای پاسخگویی به یک نیاز و پرسش فراگیر در مسئله جهانی شدن یا مسئله حقوق بشر یا مسئله ارزش‌های خانوادگی باشد. حتی اگر اختلاف‌نظر وجود داشته باشد، می‌توان در آن همکاری کرد. به یاد دارم که همکاری با مسیحیان در کنفرانس «جمعیت و توسعه» در قاهره تأثیر بسیار زیادی در تغییر مطالب مهمی در «سند بین‌المللی» صادره داشت که مورد موافقت قرار گرفت. همکاری الازهر، کشورهای اسلامی و مسیحیان تأثیر به‌سزایی در تغییر مندرجات «سند» برجای گذاشت.

ملاحظه سوم: وقتی برای بزرگداشت مرحوم علامه شیخ شلتوت و آیت‌الله بروجردی در تهران گرد هم آمدیم، یکی از برادران اندیشمند مصری گفت: «شیخ شلتوت گام اول را برداشت و علمای شیعه باید گام دوم را بردارند.»

ایشان گمان می‌کرد گام اول، راه تغییر مذهب از تسنن به شیعه را

باز کرد؛ از این رو بایستی زمینه را فراهم کرد تا انسان بتواند عکس این راه را نیز ببیند. بنده به برادرمان گفتم: مشکل این نیست که انسان از مذهبی به مذهب دیگر بگراید؛ زیرا این مشکل بستگی به نظر هیچ کس ندارد. ما هرگز تشویق نمی‌کنیم که پیروان یک مذهب به مذهب دیگری روی بیاورند. بگذارید هر کس از مذهب خودش پیروی کند، ولی مشکل و نگرش منفی پیرامون این مذهب نسبت به پیروان مذهب دیگر نهفته است و او را «خارج از دین» می‌شمارد. مرحوم شیخ شلتوت همین نگرش در قبال شیعیان و علمای شیعه را از میان برداشت.

ملاحظه آخر این است که فرهنگ تقریب نمی‌تواند به صورت فرهنگ درآید، اگر در دایره طبقه‌ای خاص بماند و به سوی دایره فکری عمومی گسترش نیابد، بلکه من می‌خواهم آن را به میان توده‌ها بفرستیم یا هم‌چنان که جناب مفتی می‌فرماید، به میان پیروان مذاهب بفرستیم، توده‌ها باید احساس کنند که موقعیتی برای تقریب وجود دارد، از این رو باید بر «فرهنگ تقریب» در این امت تأکید کنیم.

و آخرین ملاحظه: بنده بر این باورم که فکر تشکیل مجمع اجتهاد «یا اجتهاد جمعی» در مرکز «گفت‌وگوی اسلامی»، که قرار است به پیشنهاد و تحت نظر شیخ الازهر تأسیس شود، فکر خوبی است که هدف آن در واقع تقریب است.

اختلاف مذاهب، رحمت الهی

مصر - دکتر احمد عمر هاشم (رئیس دانشگاه الازهر): در واقع این دیدار از مهم‌ترین دیدارهاست (با توجه به حضور امام اکبر و دکتر وزیر و مفتی و آقایان علمای اهل سنت و شیعه)، زیرا ما در واقع در این مرحله‌ای که امتنان از سر می‌گذرانند، نیاز مبرم به تقویت و بلکه یکپارچگی عقیدتی، فکری، علمی و رفتاری داریم؛ زیرا اینها زیربنای وحدت صفوف مسلمانان است.

پس ما نیاز مبرم به تقریب داریم. ما همگی مسلمان و یکتاپرستیم. اگر دیدگاه‌هایی باشد، می‌توانیم در آنها تلاقی کنیم، به این معنا که منابع قانونگذار و احکام اسلامی یکی است و اختلافی بر سر آنها، میان مسلمانان و نه میان هیچ یکی از پیروان مذاهب نیست. اختلافی بر سر کتاب خداوند متعال (قرآن کریم) و اینکه سنت صحیح پیامبر دومین منبع قانونگذاری اسلامی پس از قرآن کریم است، وجود ندارد.

بنابراین در مورد چگونگی قانونگذاری اسلامی اختلافی نیست و اگر خود تکالیف دینی را بررسی کنیم، می‌بینیم که از نظر اعتقادی ما به خداوند، دین اسلام و پیامبر (ص) ایمان داریم و به فرشتگان، کتب الهی، پیامبران الهی، روز واپسین و قضا و قدر، ایمان داریم و اختلافی در این موارد نداریم.

در عبادت‌هایی که به وسیله آن به خدا نزدیک می‌شویم و خداوند ما را مکلف به انجام آنها کرده است، از جمله:

نماز، زکات، روزه و حج و ... اختلافی نیست. معاملات، روابط و اخلاق نیز همین طور. بنابراین از امور مورد اختلاف چه چیزی می ماند؟ تصور می کنم امور مورد اختلاف به دو بخش تقسیم می شود: مسائل فرعی، که آسان است و به یاد می آوریم که وقتی خلیفه وقت به امام مالک دستور داد که ابن مسعود و ابن عباس را رها کند و به سوی میانه علم روی بیاورد و کتابی تألیف کند، مالک کتاب «الموطأ» را تألیف کرد و مردم با این کتاب همراهی نشان دادند. خلیفه خواست تمام امت را ملزم به تبعیت از این کتاب کند، ولی نویسنده کتاب امام بزرگوار «مالک» با آن مخالفت کرد و گفت: «نه ... ای امیر مؤمنان!» یعنی با الزام مردم به یک نظر و یک کتاب مخالفت ورزید و گفت: «یاران پیامبر (ص) در کشورهای اسلامی پراکنده شدند و هر کدام نظر خود را داشتند که با دیگری متفاوت بود، پس بگذار مردم متناسب با عصر و زمان و مکان خود، رفتار کنند. البته تا وقتی که بر خلاف قرآن کریم یا احادیث پیامبر (ص) رفتار نکرده اند.»

مالک سپس این عبارت را بیان کرد: «اختلاف علما رحمت الهی بر این امت است. هر کدام آن چه را صحیح می داند، می بیند و هر کدام از آنها، راه هدایت اند و هر کدام می خواهند به سوی خدا حرکت کنند.» پس تا وقتی در اصول، قانونگذاری ها و متن قرآن کریم یا سنت پیامبر (ص) برخوردی نباشد، اختلافی نیست و اختلاف آسان و ساده و حداکثر پیرامون این دور می زند که چه چیز بهتر و مقدم تر است؟

بخش دوم که مهم تر است - چه بسا اتفاق بیفتد یا گمان می رود که

بر آن اختلاف وجود دارد - مسائل اصلی است که گمان می‌کنم می‌توان در آن به تقریب روی آورد. به این معنا که وقتی در این‌جا دور یک میز جمع می‌شویم و هر یک اسناد و دلایل خود را ارائه می‌کنیم، چه بسا به هم نزدیک‌تر شویم، یعنی به نظریه یکدیگر متقاعد شویم. تقریب نیاز به حسن نیت و حسن ظن دارد که موجود است و به عدم تحجر یا تعصب، احتیاج دارد که موجود است، در این صورت فکر می‌کنم مسئله میسر خواهد بود، به‌ویژه اینکه مرحله‌ای که امت ما و جهان اسلام و اندیشه اسلامی در آن به سر می‌برد، آکنده از چالش‌هایی است که دشمنان اسلام علیه اسلام به وجود آورده‌اند و یکپارچگی ضروری است. اگر دشمنان ما متحد می‌شوند و در دوران گروه‌بندی‌های بزرگ به سر می‌برند، بهتر آن است که مسلمانان یکدل و یکپارچه باشند. حتی اگر در پاره‌ای مسائل اختلافی که به نظر برسد ممکن است مانع ایجاد کند، می‌توان آن را پشت سر گذاشت تا این تقریب مورد نظر که خیر و صلاح و سعادت امت در آن است، انجام شود.

ضرورت گفت‌وگو!

مصر - دکتر محمد سید طنطاوی (شیخ الازهر): پس از اینکه به سخنان نیکو و توضیحات حکیمانه از سوی برادران شرکت‌کننده گوش فرادادیم، می‌گوییم: «الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله». این هم نوعی نزدیکی و تقریب است. عقل انسان‌ها همانند نورافکن‌هایی است که وقتی در کنار هم قرار گیرند، نور آن افزایش می‌یابد از این رو ما خوشوقتم که با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو می‌کنیم، همدیگر را نصیحت کرده و اخوت فیما بین را تجدید می‌نماییم. من قبلاً کتابی درباره «ادب گفت‌وگو در اسلام» تألیف کرده‌ام و در آن کتاب نوشته‌ام که خداوند متعال باب گفت‌وگو را باز کرد و این امر را در بسیاری از آیات قرآن می‌بینیم. قرآن کریم در آیات متعددی، این گفت‌وگو را برای همه بیان کرده است. ما این را در سوره «اعراف» و سوره «حجر» و سوره «ص» و سوره‌های دیگر می‌بینیم. می‌بینیم که میان خداوند متعال و ملائکه‌اش گفت‌وگو جریان دارد: «أني جاعل في الارض خليفة قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء و نحن نسبح بحمدهك و نقس لك قال اني اعلم ما لا تعلمون».

هم‌چنین گفت‌وگو با پیامبران گرامی را در بسیاری از سوره‌های قرآن می‌بینیم از جمله حضرت نوح: «و نادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي و ان وعدك الحق و انت احكم الحاكمين قال يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسألن ما ليس لك به علم اني اعطك ان تكون

من الجاهلین». و نیز گفت و گوی خداوند با حضرت عیسی را داریم: «أنت قلت للناس اتخذوني و امي الهين من دون الله قال سبحانه ما يكون لي أن أقول ما ليس لي بحق ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي و لا اعلم ما في نفسك انك انت علام الغيوب ما قلت لهم الا ما أمرتني به أن اعبدوا الله ربي و ربكم و كنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم و أنت على كل شيء شهيد...» و آیات دیگر.

من وقتی به واژه «قول» و مشتقات آن در قرآن مجید رجوع کردم، دیدم که این کلمه بیش از ۱۵۰۰ بار در قرآن تکرار شده و فعل امر (قل) در سوره انعام به تنهایی ۵۰ بار تکرار می شود و در یک آیه بیش از چند بار: «قل أي شيء اكبر شهادة، قل الله شهيد بيني و بينكم و أوحى الي هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ أئنكم لتشهدون ... أن مع الله آلهة اخرى قل لا اشهد، قل انما هو اله واحد و انني بريء مما تشرکون» چهار بار در یک آیه.

و بدین ترتیب می بینیم که «گفت و گو» مورد استقبال قرآن مجید قرار گرفته است ... من شخصاً (البته من بر این باورم و شاید دیگران با من اختلاف نظر داشته باشند) به گفت و گو با دوستان و با دشمنان، با افراد دور و نزدیک ایمان دارم ...

این گفت و گو قطعاً به خیر می انجامد، تا وقتی که نیت پاک باشد و تا وقتی که قصد خیر داریم و برای همکاری در برّ و تقوا، نه بر گناه و تجاوز تلاش کنیم.

مهم این است که دل پاک، عقل سالم، نیت های پاک وجود داشته باشد. آنچه اکنون میان مسلمانان اتفاق می افتد، به سبب اختلاف دینی

و عقیدتی نیست، زیرا در «الجزائر» همگی یک مذهب دارند، یعنی مالکی هستند، ولی نگاه کنید چه اتفاقاتی آنجا می افتد؟ این مسئله به عدم درک صحیح دین باز می گردد، اما ما در الازهر تمام مذاهب اسلامی را تدریس می کنیم.

بنابراین تمام آرزوی ما این است و تلاش ما باید در این راستا باشد که شمار عاقلان افزایش یابد و از ۵۰٪ بیشتر شود و در این صورت خدا را سپاس می گوئیم و بایستی همه ما برای توضیح مفاهیم به روشی نیکو، نیت پاک، اخوت راستین، محبت بی شائبه برای رضای خدا، تلاش کنیم و به همدیگر حسن ظن داشته باشیم و به حدیث پیامبر (ص) عمل کنیم که فرمود: «أياكم و الظن فان الظن أكذب الحديث» و: «اجتنبوا اکثراً من الظن ان بعض الظن اثم». تقریب با ارتباط، تفاهم، همکاری، اخوت و محبت و نیز با گسترش این فضیلت ها در جامعه، انجام گردد.

در مورد «دارالتقریب» باید بگویم که ما با استاد عبدالله قمی مرتبط هستیم و همدیگر را ملاقات می کنیم. «تقریب» اصل است و همه ما به هم نزدیک هستیم و هیچ دوری و جدایی میان ما مطلقاً وجود ندارد، بلکه آنچه هست، همکاری در کار نیک و تقواست، نه در راه گناه و تجاوز.

ما از دوستانی که این فرصت دیدار را برای ما فراهم کرده اند، از استاد محمود مراد و از همه شما تشکر می کنیم و از خداوند مسألت داریم که همواره ما را در راه طاعت خویش گرد بیاورد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بخش سوم «بخش عربى»

الندوة الأولى للتقريب بين

المذاهب الإسلامية

القاهرة

ربيع الاول ١٤٢٢ هـ

يونيو ٢٠٠١ م

بسم الله الرحمن الرحيم

ان المتطلع إلى حالنا اليوم والعارف بتاريخ أمتنا الإسلامية وما صارت إليه من ضعف وتفكك، يدرك أننا أحوج ما نكون إلى الاهتمام بأمر المسلمين وهو ليس اهتماماً عابراً، بل هو أشد ما يكون اليوم احتياجاً وهو يشهد تفرقهم وتعصبهم، فرقاً واحزاباً.

من اجل ذلك كانت دعوة التقريب بين المذاهب الإسلامية والتي تهدف إلى استبعاد التعصب المذهبي بين المسلمين و ترك كل ما من شأنه ان يوسع الهوة الخلافية والى احترام كل فريق لحق صاحبه، في ان ينظر ويجتهد ويدرس ما صح عنده من النصوص في حرية كاملة.

وذلك كله في اطار من الاخوة الإسلامية والألفة والمودة والمحبة بين الجميع، عاملة هذه الدعوة على ائتلاف القلوب وجمع الكلمة بين أصحاب المذاهب الإسلامية وإزالة أسباب الفرقة وسوء الظن من بينهم.

ولقد استمرت «دار التقريب بين المذاهب الإسلامية» منذ نشأتها عام ١٩٣٧ و تأسيسها بالقاهرة في أواخر الأربعينات^١ من القرن الماضي، في أداء رسالتها وأكد رجالها إفناء ذواتهم في العمل الصامت الدائب لرفع شأن المسلمين وبث روح المودة والتراحم بين طوائفهم ولمّ شملهم وإزالة ما قد

١ - كان من بين المؤسسين: الاستاذ الاكبر عبدالمجيد سليم والأستاذ الاكبر محمود شلتوت - وقد توليا منصب مشيخة الازهر - و الشهيد الشيخ حسن البنا، كما كان منهم: الشيخ محمد الحسين آل كاشف الغطاء من العراق والشيخ عبدالحسين شرف الدين الموسوي من لبنان وفضيلة الحاج امين الحسيني مفتي فلسطين. وكان أول من دعا إلى هذه الفكرة وتأليف هذه الجماعة هو سماحة الشيخ محمد تقي القمي.

يكون بينهم من نزاع، عملا بقوله تعالى (ان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاعبدون) صدق الله العظيم. (الأنبياء ٩٢)

وأنة ليحق للمسلمين ان يفخروا بانهم كانوا اسبق من غيرهم تفكيراً وعملاً في تقريب مذاهبهم وجمع كلمتهم. ولاشك في ان امر الأمة الاسلامية الان لا يصلح مع الاحتفاظ بالعصبيات والخلافات واحياء ما مضى من ضغائن وعداوات، في اعماق التاريخ.

ويديهي ان الخلاف الفقهي بين المدارس والمذاهب الاسلامية، ليس مما تشتغل او تنظر فيه العامة ولانعني هنا بالعامه، العوام! وإنما نعني كل ما لا يهتم بمعرفة فقه المذاهب وهم معظم القارئين الكاتبين وفي زمننا هذا معظم المثقفين المتعلمين، والخلاف المذهبي لا يمكن أن يصل إلى العوام والجهلاء والدهماء، الا عن طريق الدعوة والدعاة ولا يصل إليهم عادة الا بعد ان يفقد كل ما فيه من فكر وفقه ويتحول أكثره إلى دعاوى عريضة ساذجة واتهامات صارخة منكرة.

والفكر الاسلامي شأن كل فكر مفتوح الابواب، وقد مارسه الخيرون في نزاهة وحسن قصد واحتياط وتحمل للصدق ما وسعهم، كما مارسه المفسدون واستغله ذو المصالح والأهواء.

وقد لا يست مدارس الفكر الإسلامي من قديم في كثير من بلاد المسلمين، عصبيات تجمعت حولها طوائف من الناس جعلت في ظل الانتماء الى هذه المدارس والمذاهب الاسلامية، تتناحر على اسباب الرزق والجاه وعلى النفوذ السياسي والاجتماعي فلم يعد الخلاف بين هذه العصبيات خلاف بين فكر وفكر، وفقه وفقه، وإنما صراع على النفوذ والقوة بين مصالح سياسية

واقتصادية واجتماعية لايهمها خير الإسلام، تختفي وراء عداوة جاهلة سافرة، تذكرنا باسمرار بين الكل المنتمين إلى هذا المذهب أو ذلك! ولقد تداول الناس في بلاد الاسلام، تلك الدعوى والاثامات الكاذبة عن طوائفهم جيلاً بعد جيل، قرونا واحقابا، حتى اختطلت بعواطفهم وتفكيرهم وصارت جزءاً من عقليتهم وسلوكهم يستغله ذوي الاغراض ويستخدمه اعداء الإسلام في محاربة الاسلام. وهذا الاعتياد القديم، على تبادل العدوات، بعد ان جر على المسلمين الولايات في الماضي، يوشك في الظروف الحرجة التي يمر بها العالم الاسلامي الان، ان يعصف بنا، فضلا عما نواجهه من الخطر الخارجي من حولنا، فساسة الدول والامم في العالم اليوم، قائمة على التكتل والتحالف والانضواء في مجموعات متعاونة، يسند بعضها بعضا، فمن الخير لنا ان نتضامن ونتفق ونتكلم.

وتحاول «دار التقريب» جاهدة، محاربة هذا الاعتياد المساكر المخادع واقتلعه وإزالته بتعويد عامة اهل المذاهب الاسلامية على اختلافها، كفاذي بعضهم عن بعض في السر والعلن وتبادل حسن المعاملة والتواصل والاشترك والتعاون في السر والعلن واقناعهم بانهم جميعا، ليس بينهم أي خلاف في الاصول والاساسيات: المهم واحد وكتابهم واحد ونبيهم واحد وقبلتهم واحدة، لا يختلفون على أي ركن من اركان الاسلام وإفهامهم ان هذا القدر المجمع عليه بينهم، هو «جوهر الاسلام» ورأس مال المسلم، أيا كان مذهبه.

رحم الله المغفور له الشيخ محمود شلتوت شيخ الازهر الأسبق حين نبه

المسلمين في فتواه التاريخية^٢ في شأن المذاهب الاسلامية بأن يتخلصوا من العصبية بغير الحق، للمذاهب معينة فما كان دين الله وما كانت شريعته بتابعة لمذهب أو مقصورة على مذهب، فالكل مجتهدون مقبولون عند الله تعالى. وكان لتلك الفتوى وما زال والحمد لله، اثرها الطيب بين علماء المسلمين، في مشارق الارض ومغاربها.

وبهذا الفهم الصحيح للدين الحنيف والذي رأت معه «دار التقريب» أن من واجبها نشره وتعميمه بين الناس على اختلاف مذاهبهم بسلسلة من الندوات، فأجرت اتصالا «بالمجلس الأعلى للشئون الإسلامية» ثم بمؤسسة «الأهرام» لترتيب ندوة حول التقريب بين المذاهب الاسلامية والتي رحبت بالفكرة وعهدت للأستاذ الكبير محمود مراد بإدارتها، وفي ذكرى المولد النبوي الشريف وبحضور كوكبة من كبار علماء المسلمين من أهل السنة والشيعه، عقدت هذه الندوة بالقاهرة في الثاني عشر من ربيع الأول سنة ألف وأربعمائة واثنين وعشرون للهجرة النبوية الشريفة، - ١٢/٣/١٤٢٢ هـ - الموافق الرابع من شهر يونيه، سنة ألفان وواحد للميلاد - ٤/٥/٢٠٠١ م - وذلك بعد انتهاء أعمال المؤتمر الإسلامي العالمي الثالث عشر حول «التجديد في الفكر الإسلامي» وفيما يلي بعض مقتطفات مما قيل في الندوة:

- الإمام الأكبر فضيلة الشيخ الدكتور محمد سيد طنطاوي (شيخ الأزهر): التقارب بين المذاهب الاسلامية من الامور الواقعة، لأن الخلاف ليس في ركن من أركان الدين ولا في اصل من اصوله وإنما قد توجد خلافات بين اصحاب المذاهب الواحد ولكنها خلافات في امور فرعية - اجتهادية.

٢ - أنظر صورة الفتوى في ملحق الوثائق.

- آية الله سماحة الشيخ محمد علي التسخيري: لا نريد أن تذوب المذاهب، فهي اضافات عظيمة تظهر الفكر الإسلامي ولا نريد تغليب مذهب على مذهب، فلا تغليب ولا تذويب وإنما هناك تقاريب لتحقيق تفاهم أكبر وأن الدعوة للوحدة إنما هي دعوة لوحدة الموقف العملي مع اختلاف الافكار وهذا امر طبيعي...

وابدى ملاحظة حول تحول انسان من مذهب لآخر فالتقريب لا يشجع على التحول لكن المشكلة في تصوره هي النظرة السيئة لاتباع هذا المذهب إلى المذهب الآخر، على أنه إنسان خارج على الدين!! وأن ثقافة التقريب يجب أن ترسل إلى الجماهير، أي إلى أتباع المذاهب وهي الجماهير.

- معالي الدكتور محمد حمدي زقزوق (وزير الأوقاف): يرى ضرورة أن يكون هناك حوار اسلامي - اسلامي وأن القضية ليست قضية خلاف بين المذاهب الفقهية لكن هناك شيئاً ما يباعد بين ابناء الامة، فالصراعات التاريخية التي حدثت في الماضي، ليس للأجيال الحالية اي دخل فيها والقضية في منتهى الخطورة، فالعالم يتجمع ويتكتل والمسلمون لا يزالون متفرقون ولا يدركون خطورة الموقف في العصر الحاضر عصر العولمة، والخلاف في وجهة النظر إثراء للفكر الإسلامي وليس شقاق ونزاع وهو مطلوب ومطلوب بجانبه التسامح...

وشدد على ان التقريب هو مسئولية علماء الدين ومفكره المسلمين وعليهم أن يقوموا بواجبهم من أجل تثقيف العقول وتنوير الأذهان وتوضيح معالم الطريق وإقرار التسامح وانه لا خلاف على أي شيء من الأصول القطعية في الاسلام بين السنة والشيعة، فلماذا الاستمرار في تعميق الخلافات؟؟

- فضيلة الشيخ احمد بن مسعود السيابي: ٩٠% من اتباع هذه المذاهب الاسلامية هم عوام! تأخذهم العاطفة بالانتساب إلى مذهبهم، بحيث لا يقبلون أي قول آخر وبالتالي يحدث التنابز بالألقاب!، فالتخلي عن الألقاب المذهبية هو من أولويات الوحدة الإسلامية.

- سعادة سفير ايران «في القاهرة» آية الله سيد هادي خسروشاهي قال: أن الخلاف في الواقع ليس في الأصول أما في الفروع، فهذا أمر اجتهادي وهو اثناء للثروة الفكرية الإسلامية وطالب بأن تكون هذه الدوة، بداية لندوات أخرى عن التقريب بين المذاهب الاسلامية واشاد بالدور الخاص الذي كان لمجلة «رسالة الاسلام» في دعم وتقوية العلاقات بين كل الدول الاسلامية في ظل ما يمر به العالم الاسلامي من تحديات.

- فضيلة مفتي جمهورية مصر العربية، الدكتور نصر فريد واصل: التقريب المقصود، هو التقريب بين الأتباع الذين ينتسبون إلى هذه المذاهب الاسلامية وأشاد بدور العلماء وان أتباع هذه المذاهب هم الذين فرقوا بين الشريعة والعقيدة وبين المذهب كمذهب مستقل وطالب التقريب بين اتباع هذه المذاهب وبخاصة بين علمائها وقال فضيلته: ان العلماء بأقوالهم ليس فأفئدتهم!

- فضيلة الشيخ محمود فرحات (لبنان): الخلاف المذهبي في الإسلام بدأ سياسيا واستغل سياسيا واستثمر كذلك حتى تضخم.

- آية الله الشيخ محمد واعظ زادة: إن وحدة الأمة تعتبر من أهم فرائض الله علينا، فهي تضع الأمة في المنزلة المناسبة لها بين الأمة، فالبحت في دعامة عزة الأمة ضروري، لأنه ليس في إختلاف الأمة وتفرقتها سوى الخذلان والخسران.

- الاستاذ الدكتور احمد عمر هاشم (رئيس جامعة الازهر): هذا اللقاء من أهم اللقاءات، لانه في هذه المرحلة التي تمر بها امتنا في أمس الحاجة الى التقريب بل الى توحيد الصف ومصادر التشريع، لاختلاف عليها بين السنة والشيعية والتقريب يحتاج إلى حسن نوايا وحسن ظن وعدم جمود أو تعصب وهو موجود والحمد لله. وطالب المسلمون أن يكونوا على قلب رجل واحد.

- واختتم فضيلة الإمام الأكبر شيخ الأزهر الندوة بقوله: أننا كلنا مسلمون - متقاربون، لأن التقرب هو الأصل ولا يوجد بيننا أي تباعد إطلاقاً.

...وبعد فتلك كانت ندوة التقريب بين المذاهب الإسلامية الأولى والتي سيعقبها ندوات لاحقة «ان شاء الله» في بعض البلاد الإسلامية أو في الدول التي تضم جاليات إسلامية كبيرة ولها وزنها وتأثيرها.

واجمع الحضور على عدم وجود أي اختلافات في الأصول بين المذاهب الإسلامية الممثلة في الندوة وأن الخلافات إنما في المسائل الفرعية أو بعض المسائل النظرية، وفي قضايا ليست من أصول الدين ولا من الأركان الثابتة في إيمان المؤمنين، وأن المسؤولية تقع على عاتق العلماء ورجال الدين، بما يجب عليهم أن يقوموا به من تبصير الأمة الإسلامية في مختلف الشعوب والطوائف، بعواقب هذا التفريق الخطير والعمل على تبصير المسلمين بدينهم وقطع أسباب الخلاف والتفرقة بينهم.

والشكر كل الشكر، لمن ساهم على انجاح هذه الندوة من السادة علماء المسلمين الافاضل الذين لبّوا دعوة «دار التقريب» وإشتركوا في الندوة.

وشكر خاص وواجب للأستاذ الكبير / محمود مراد من مؤسسة «الأهرام» لمعاونته الصادقة وحسن إدارته وباقتدار لموضوع الحوار، فجزاهم الله جميعاً خير الجزاء. عهدنا فيما نستقبل من امرنا هو منهاج رجال التقريب الذي عرفوه في ماضيهم، ايمان لا يعرف الشك ودعوة الى الله لا تعتز الا بالله وحرب هو على التعصب الاعمى، حتى يبرأ منه المسلمين.

«ربنا آمنة بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين»

صدق الله العظيم

عبدالله محمد تقي القمي

سكرتير عام: دار التقريب بين المذاهب الاسلامية

رجب عام ١٤٢٢ هـ القاهرة

- اشترك في «الندوة الأولى للتقريب بين المذاهب الإسلامية» في القاهرة، حسب ترتيب إلقاء الكلمات، كل من السادة: -
- ١ - فضيلة الإمام الأكبر د. /محمد سيد طنطاوي «شيخ الأزهر»
 - ٢ - فضيلة الشيخ الدكتور / نصر فريد واصل «المفتي»
 - ٣ - آية الله / محمد علي تسخيري «رئيس منظمة الثقافة الإسلامية في إيران»
 - ٤ - سماحة الشيخ / أحمد بن مسعود السيابي «الأمين العام لمكتب الإفتاء بسلطنة عمان»
 - ٥ - آية الله / محمد واعظ زادة خراساني «الأمين العام لمجمع التقريب بين المذاهب الإسلامية بإيران»
 - ٦ - الأستاذ الدكتور / محمود حمدي زقزوق «وزير الأوقاف بمصر»
 - ٧ - سعادة السفير، آية الله السيد / هادي خسروشاهي «رئيس البعثة السياسية - الإيرانية، في القاهرة»
 - ٨ - سماحة الشيخ / محمود فرحات «مدير عام المجلس الإسلامي الشيعي الأعلى في لبنان»
 - ٩ - الأستاذ / عبدالله محمد تقي القمي «سكرتير عام دارالتقريب بين المذاهب الإسلامية مصر»
 - ١٠ - الأستاذ الدكتور / أحمد عمر هاشم «رئيس جامعة الأزهر»
- وأدار الندوة الأستاذ / محمود مراد نائب رئيس تحرير صحيفة الأهرام وإشترك في الندوة بعض ضيوف مؤتمر التجديد للفكر الإسلامي فنشكرهم جميعاً.

دار التقريب بين المذاهب الإسلامية

القاهرة

الاستاذ محمود مراد (مدير الندوة)

بسم الله الرحمن الرحيم

إنني أتشرف بأن أتواجد بين حضراتكم الآن في هذه الندوة التي نقيمها وننظمها بالتعاون «مع المجلس الأعلى للشئون الإسلامية» ويشرفني أن يشارك فيها فضيلة الإمام الأكبر الشيخ الدكتور / محمد سيد طنطاوي شيخ الأزهر، وأتشرف بوجود حضراتكم جميعا في هذه الندوة التي تناقش قضية «التقريب بين المذاهب الإسلامية». واعتقد أننا في حاجة إلى مزيد من الجهد لعملية التقريب بين المذاهب الإسلامية فنحن جميعا ندين بدين واحد وإن اختلفت مذاهبنا واتفق على كلمة واحدة ولذلك فإنه من المهم، ان يكون هناك إسلام واحد، لا تتصارع فيه مذاهب وإنما تتآخى وتتكامل من أجل دعوة الحق.

نحن ايضا، في حاجة إلى أن ننهي عملية الخلاف بين المذاهب وأن نقرب ما بينها أكثر وأكثر، خصوصا ونحن في إطار ما يسمى بحوار الحضارات.. لان هناك من يزعمون وجود حضارات اهم وأفضل من حضارتنا، التي نعتبر ان الدين الإسلامي هو المكون الأساسي والرئيسي لها، وبالتالي فعلينا، أن نتكاتف وتتحدا معا في مواجهة هذا الصراع العولمي، لكي نعلني كلمة الحق (سبحانه وتعالى)، ولكي نتعامل مع الآخرين وندخل دائرة الحضارات بموقف واحد مرة أخرى...

يشرفني أن تكون هذه الندوة بمشاركة هذا المستوى الرفيع من العلماء.

فضيلة الإمام الأكبر شيخ الأزهر

بسم الله الرحمن الرحيم.. الحمد لله رب العالمين.. والصلاة والسلام على سيدنا وشفيعنا رسول الله «صلى الله عليه وسلم» ومن الاله.. وبعد:

إن الإنسان منا يشعر بالسعادة الغامرة ويشعر بالإرتياح النفسي العميق ويشعر بالإنسراح القلبي، عندما يجد نفسه بين إخوانه وبين زملائه، وهذا الوجود، ليس من أجل متعة فانية وإنما نلتقي جميعا من أجل خدمة ديننا ومن أجل خدمة أمتنا الإسلامية، نلتقي جميعا لكي نتناصح ولكي نتعاون ولكي نزداد تعارفا وتألفا، فإن القرآن الكريم بيّن لنا أنه من المقاصد التي أوجدنا الله تعالى من أجلها، ان تتعارف: «يا ايها الناس إنا خلقناكم من ذكر وأنثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا إن أكرمكم عند الله أتقاكم».

والقرآن الكريم يصف الأمة الإسلامية، بأنها أمة واحدة: «إن هذه أمتكم أمة واحدة وأنا ربكم فاعبدون»، وفي آية ثانية نجد قول الله سبحانه وتعالى: «إنما المؤمنون أخوة»، فهذا التلاقي لو لم يكن له من فائدة سوى أنه يزيد المحبة والمودة والتآلف والتعارف والتآخي، لكفاه شرفاً ولكفاه فخراً.

إن التقارب بين المذاهب الإسلامية من الأمور الواقعة، لأن الخلاف ليس في ركن من أركان الدين ولا في أصل من أصوله وإنما قد توجد خلافات بين اصحاب المذهب الواحد ولكنها خلافات في امور فرعية إجتهادية ولكل انسان رأيه وهذا أمر ثابت ونراه في جميع المذاهب الإسلامية، ولكننا جميعا كمسلمين - والحمد لله - نشهد أن لا إله إلا الله وأن محمد رسول الله - ونؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر ونؤمن بالقدر - خيره وشره.

إذا، فهذه الندوة ليس معناها إن بيننا إختلافا في الأصول، إنما معناها أنه قد يوجد عند إنسان إجتهاد يختلف عن الإجتهاد الذي يوجد عند شخص آخر، وهذا الإجتهاد، نراه بين الرسل عليهم الصلاة والسلام وبين الحكماء وبين الأئمة وبين أولي العلم بصفة خاصة.

نقرأ القرآن الكريم فنجد قول الله تعالى: «وداود وسليمان إذ يحكمان في

الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم وكنا لحكمهم شاهدين ففهمناها سليمان وكلا أتينا حكما وعلما».

وعندما نعود إلى كتب التفسير، نجد كلاما نفيسا عند تفسير هاتين الآيتين ملخصه: ان رجلا كان عنده زرع ورجلا آخر كان عنده غنم، فحدث أن غنم هذا الرجل رعت في زرع الرجل الآخر ليلا، فأفسدت الزرع وذهب إلى سيدنا داوود وقص عليه ما حدث، فما كمان من سيدنا داود، إلا أن حكم بالغنم لصاحب الزرع نظير ما افسدته من زرعه والرجلان يخرجان، فيلقاهما سيدنا سليمان ويسألتهما؟ فيقصان عليه هذه القصة فيقول: «لو كان الأمر بيدي لحكمت بغير هذا»، ثم يأخذ الرجلين إلى أبيه ويقول له «يا نبي الله هل حكمت بهذا الحكم؟» فيقول «نعم»! فيقول له «لو كان الأمر بيدي لحكمت بغير ذلك»! فيقول له سيدنا داود «فما رأيك أنت يا سليمان؟» فيقول: رأي أن أعطي الغنم لصاحب الزرع لكي ينتفع بها أو أكلف صاحب الغنم بأن يزرع الزرع مرة أخرى، فإذا ما عاد الزرع كما كان مرة أخرى قبل أن ترعاه الغنم، سلمنا الزرع لصاحبه والغنم لصاحبه».

وهنا يقول سيدنا داود «الحكم ما حكمت يا سليمان».

إذن، فإن الخلاف فيما يتعلق بالأمور الإيجابية .. يعد من الأمور التي قصها علينا القرآن الكريم على السنة بعض الأنبياء وعلى السنة بعض الحكماء وعلى السنة بعض الصالحين وهكذا فنحن نحمد الله سبحانه وتعالى، أنه لا يوجد خلاف حول الأصول وإذا وجد، فهو في الفروع أما إذا وجد خلاف في غير الفروع، فعلينا ان نوضح وأن نبين وأن نتحاور وأن نتناقش وأن نتناصح، وما دامت النوايا طيبة وما دامت المقاصد سليمة، فلا بد أن نصل لحل للإتفاف بيننا جميعا، لأن الله سبحانه وتعالى هو الذي بين لنا ان من سنته التي لا تتغير، أنه لا يضيع اجر من احسن عملا.

فضيلة المفتي الدكتور نصر فريد واصل:

بسم الله الرحمن الرحيم.. والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
اشرف المرسلين سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن إهتدى بهديه إلى يوم
الدين وبعد:

يسعدني في هذا اليوم المبارك بمشيئة الله وتوفيقه، أن أكون ضمن هذا
الوقد الكريم في هذه الندوة العلمية المباركة، التي تبحث في موضوع التقريب
بين المذاهب الفقهية... في جلسة عملية تجمع بين ثناياها خيرة علماء الأمة
الإسلامية وعلى رأسها فضيلة الإمام الأكبر شيخ الأزهر وفضيلة الاستاذ
الدكتور محمد حمدي زقزوق وزير الاوقاف والشؤون الاسلامية بجمهورية
مصر العربية وسماحة العلامة الشيخ محمد التسخيري، وسماحة الشيخ واعظ
زادة من الجمهورية الإيرانية الإسلامية وسفير جمهورية إيران الشقيقة، العالم
الجليل، الاخ العزيز /السيد هادي خسروشاھي.إننا ونحن في إطار تفعيل
هذه الندوة المباركة، تكميلا للفائدة الكبيرة التي تحققت من خلال هذا المؤتمر
العلمي الإسلامي الكبير بجمهورية مصر العربية. وهو «مؤتر التجديد في
الفكر الاسلامي» وبعد هذا النجاح الكبير لهذا المؤتمر، فإنني أرى أن موضوع
هذه الندوة، إنما هو جانب عملي لنتائج هذا المؤتمر الكريم، بأعتبار أن الهدف
هو التقريب بين علماء الأمة الإسلامية في كل مكان من العالم والتقريب بن
الأفكار، التي تتعلق بالأمة الإسلامية فيما يتعلق بأمر دينها وديناها ومحاوله
الجمع بين كل ما يتعلق بمصلحة المسلمين في كل مكان... لتحقيق هدف أسمى
وهو وحدتهم وتمسكهم بعقيدتهم وشريعتهم مع إرتباطهم في نفس الوقت
بالحضارة العصرية، التي تحقق لهم القوة المادية التي بها ومعها ينطلقون إلى
أفاق الدنيا، لنشر الإسلام بالحكمة والموعظة الحسنة كما أراد الله سبحانه و
تعالى ولتحقيق العدل والسماحة والإنسانية وتحقيق السلام بين البشر جميعا،

باعتبارهم جميعا ينتسبون إلى اب واحد وأم واحدة وأنهم في الإنسانية سواء وأنه لافرق بين احد منهم، ألا بالتقوى والإنتساب إلى الله سبحانه وتعالى.

ونرى في هذه المناسبة الكريمة أننا الآن بعد هذا النجاح الكبير، سواء فيما يتعلق بهذا المؤتمر أو للجهود المباركة المشكورة التي سبقت لعلماء اجلاء في مجال التقريب بين المذاهب الفقهية الإسلامية، التي تولى زمامها شيخ الأزهر الاسبق فضيلة الإمام الشيخ محمود شلتوت وفضيلة الإمام البروجردي في ايران، فكان تأسيس مذهب التقريب كحقيقة واقعة وكان للعلماء من بعد، في تواصلهم العلمي وتعاونهم لتطبيق ذلك عمليا إلى ان كانت هذه النتائج المباركة التي اقرها المؤتمر الذي انعقد في إيران وتفضل فضيلة الإمام الأكبر شيخ الأزهر، بتيسير كل السبل وإرسال وفد بأسم الأزهر الشريف للمشاركة في هذا المؤتمر الكريم، الذي كان له في نفوسنا جميعا - علماء مصر والوفد المصري - ولعلماء إيران وللشعب الإيراني الشقيق وللشعب جمهورية مصر العربية، الأثر الكبير الطيب الذي أذاب كل الثلوج التي تراكمت في العصور السابقة، في ظل الإستعمار الشرقي والغربي، الذي حاول أن يفرق بين الأمة الإسلامية لتحقيق الهدف المنشود.

ولقد كان لهذا المؤتمر أثره الكبير الذي اظهر اننا بعقيدتنا وشريعتنا لاختلاف بيننا، وإننا نلتقي على هدف واحد وعلى دين واحد وعلى شريعة واحدة، بل وعلى مذهب فقهي واحد، يرتبط باصوله وبالعقيدة الصحيحة ولكن التفسير في مجال التطبيق العملي، قد يختلف تبعا لظروف الحال والمقام، بما يناسب كل عصر وبما يحقق الهدف المنشود وهو تحقيق إستمرار الأمة الإسلامية كأمة وسط تدعو إلى الله بالحكمة والموعظة الحسنة..

ولهذا، فانا أرى أن التقريب بين المذاهب أمر واقع والحمد لله، ولكن المطلوب هو التقريب بين افكار الأمة الإسلامية وعلماءها من حيث المنهج،

الذي من أجله يتوصلون إلى رفع النزاع والشقاق والخلاف الذي أدى بهم إلى ان يتفرقوا شيعاً واحزاباً، حتى وجدنا أن من المسلمين من يتشاحن بعضهم مع بعض، سواء كان ذلك في مسائل تتعلق بالجانب الديني، أو كانت تتعلق بالجانب التنويري.

لقد جعل الإسلام، إختلاف المذاهب اصلا من العقيدة الإسلامية وهذه حقيقة أقرها رسول الله (صلى الله عليه وسلم) عندما قال «من اجتهد فأصاب، فله أجران.. ومن أخطأ، فله أجر».

فحقيقة إختلاف الآراء الفقهية او وجود مذاهب إسلامية مختلفة في الفهم والإدراك، هذه حقيقة تؤمن بها العقيدة الإسلامية وأمن في الفهم والإدراك، هذه حقيقة تؤمن بها العقيدة الإسلامية وأمن بها الرسول «صلى الله عليه وسلم» وعلمها لصحابته.. واخذ الخلف عن السلف ذلك، حتى دخل الاستعمار وأراد أن يفرق بين المسلمين وان يجعل من إختلافهم في هذه المدارك الفكرية وكأنه إختلاف في العقيدة وأختلط الأمر، فالخلاف في الاجتهاد المذهبي والوصول إلى إدراك الحقيقة الشرعية، طبقا لدليلها شرعيا، تحول إلى خلاف مجال المذاهب الفلسفية أو المذاهب الكلامية وأختلط هنا الأمر.

فالمطلوب الآن، هو أن نبحث عن الأسباب التي أدت إلى إختلاف المسلمين في افكارهم ومداركهم حتى جرى تأصيل هذه المذاهب الفقهية وانتقلوا بها إلى ما يشبه المذاهب الكلامية؟ حتى أصاب أتباع هذه المذاهب من عامة الناس وانتقل الأمر إلى المجال السياسي أو الثقافي وأثر بذلك على الأمم الإسلامية، حتى استغل المستعمر ذلك وأراد أن يفرق بينها ولذلك رأينا آثار سلبية سيئة، فيما يتعلق بقتال المسلم مع أخيه المسلم، كما حدث بين (العراق وإيران) وما حدث بين (العراق والكويت).

الأستاذ /محمود مراد:

لقد أثار فضيلة المفتي نقاطاً مهمة... هل القضية قضية خلاف بين المذاهب؟ أو قضية التقريب بين المذاهب؟ أم أن القضية هي الخلاف أو التقريب ما بين الأفكار؟... وهل علينا أن نوضح هذه الأفكار؟..
 أم علينا أن نوضح التقارب بين المذاهب؟ او بأسلوب آخر... ما هي القضية؟

ولماذا تثار دائما قضية الخلاف بين المذاهب، بين سنة وشيعة وبين هذا وذاك؟ ولماذا يبدو الأمر أنه قضية خلافية كبرى تؤثر على فكر المسلمين وعلى أوضاعهم وأحوالهم وتؤدي بشكل ما، إلى اضعاف قوة المسلمين تجاه القوى الأخرى.

فضيلة الشيخ محمد علي التسخيري:

بسم الله الرحمن الرحيم... والصلاة والسلام على سيد النبيين وآله الطاهرين وصحبه الكرام.

قبل كل شيء لزاما أن أهنئ شيخنا الكبير الإمام الأكبر شيخ الأزهر والأخ الكريم الدكتور زقروق وكذلك عزيزنا وأخانا المفتي، على نجاح هذا المؤتمر الإسلامي العالمي الذي أعاد سنة من سنن المسلمين يلتقون فيها كل عام، ليتدارسوا، قضاياهم الحيوية، فتهنئة لكم جميعا ورجاء باستمرار هذه السنة.

هناك سؤال مهم، طرحه مدير الندوة الأستاذ محمود مراد وهو: ما هي

القضية؟

الحقيقة أن علماءنا عندما يناقشون حول القضية، يطرحون فكرة ما يسمى بتحرير «محل النزاع لتفقيح القضية» حتى لا يكون إتجاه أحد الأطراف إلى شيء وإتجاه الطرف الآخر إلى شيء آخر، فينفيان ويشتان ولكنهما ينفيان شيئا ويشتان شيئا آخر، بخلاف الحقيقة وطبعا جلستنا هذه جلسة ونام وجلسة حوار وليست جلسة نزاع ولكني أود أن أشير إلى سنة العلماء في مسيرنا الفقهي والاجتهادي.

التقريب.. ماذا يقصد به؟

في الحقيقة إذا حررنا الشبهات الموجودة... سيتبين لنا الموضوع والمحور، فنحن نريد تقاربا بين الأفكار ونريد تفهما من كل فكر للفكر الآخر، ونريد إستفتاء للكفر من مناقبه ومعرفة آراء الآخرين منهم أنفسهم ونريد أن يؤكد الجميع على النقاط المشتركة بينهم فيعملون معا ويتعاونوا على تعميقها ويعذر

بعضهم بعض، فيما اختلفوا فيه.. كما قال المرحوم الشيخ «رشيد رضا» رحمة الله عليه.

ونحن لا نقصد التذويب بالمعنى الواقعي ولا نريد أن تذوب المذاهب، فالمذاهب هي إضافات عظيمة، تظهر الفكر الإسلامي وتمثل آفاقا واسعة ولهذا لا نريد التذويب ولا نريد التغليب أيضا، أي لا نريد تغليب مذهب على مذهب، لنقول أن هذا المذهب أقوى من هذا المذهب!...

فلا تغليب ولا تذويب وإنما هناك تقريب لتحقيق تفاهم أكبر... وبالتالي توضع الأيدي بعضها في البعض الآخر وتتخذ الموقف العملي الواحد المطلوب، الذي أشار إليه شيخ الأزهر، بأن نكون أمة واحدة، سواء في تحقيق ذاتنا أو مواجهة عدونا... فمواجهة التحدي يشير لها القرآن الكريم حينما يقول: «والذين كفروا بعضهم أولياء بعض إلا تفعلوه تكون فتنة في الأرض وفساد عظيم».

وننتقل إلى سؤال آخر وهو عن الجذور الشرعية للتقريب، أي هذا الموقف كيف نؤصله شرعا؟ يقول الفقهاء أن التأصيل واضح وقد أشار إليه فضيلة المفتي، فإن الإسلام قد احتاط للتطورات الحياتية الآتية.. ووضع عن الأمور الثابتة احكاما ثابتة ولكنه لا حظ التغيرات التي تجري في الزمان والمكان واحتاط له، بأن امتلك مرونة استيعاب هذه التغيرات ومن أقوى مظاهر المرونة «الإجتهاد».

فوافق على الإجتهاد وسمح به ولذلك فإن الدعوى للوحدة، إنما هي دعوة لوحدة الموقف العملي مع إختلاف الأفكار... وهذا امر طبيعي.

أنتقل إلى مرحلة ثالثة وأقول: إذا كان هذا ثراء فكريا وإضافة حضارية،

فلماذا هذه الدموع والدماء عبر التاريخ ولماذا هذه الضربات القاسية القاتلة، التي واجهناها في مسيرتنا؟.

أعتقد انه إذا لمخضنا الأسباب فإنها تكمن في عاملين... إحداهما يتصل بالعلماء المجتهدين والآخر خارج هذه الفئات. فبعضهم مع الأسف إبتلى بضيق أفق وتعصب ذاتي غير مبرر... فهذا الضيق في الأفق والتعصب، أستغله العامل الآخر وهو عامل مصالح الحكام والطغاة، الذين مرّوا في تاريخنا وجرحوا هذا التاريخ وحدث التعاون بين ضيق الأفق عند الحكام وعند بعض العامة مع المصالح الذاتية، لمن حكموا بالقهر والنار وحوّلوا الخلاف المذهبي الحضاري الجميل، إلى خلاف طائفي مقيت وطائفية قاتلة أخذت منا أنهار من الدماء والدموع.

السؤال الرابع: هو كيف نحقق إذن التقريب بين المذاهب ووحدة المواقف؟، وهنا أرى ان المذهب الذي يجب أن نسلكه هو مسلك الحوار.. ويجب أن يكون الحوار في جو هادئ لا في جو قلق... وعندما كان القرشيون يتهمون الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) بالجنون! فإنه في هذا الجو، لم يقل النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) أنا لست بجنون للأمور التالية.. ثانياً .. ثالثاً. وهكذا، وإنما كان يطلب تغير جو الضوضاء وفتح طريق العقلانية ثم: أرجعوا إلى بيوتكم ... ثم تفكرون... «ما صاحبكم بجنون»، لذلك فالقرآن منهج رائع للحوار وشروط الحوار، وأعتقد أنه هو الطريق الصحيح لإبصالنا للنتيجة التي نطلبها.

فضيلة الشيخ أحمد بن مسعود السيابي (عمان):

في البداية لا بد من تقديم الشكر لأهل المهمة وهذه الندوة .. بدءا من فضيلة الإمام الأكبر شيخ الأزهر وتثنية بمعالى وزير الإوقاف الأستاذ الدكتور محمود زقزوق وفضيلة مفتي جمهورية مصر العربية، إنها لفكرة رائعة أن يلتقي ممثلو المذاهب العامة إلى الساحة، في هذه الحياة الدنيا ولا شك أن فرقة الأمة الإسلامية إلى شيع وأحزاب، كانت نتيجة ممارسات سياسية وتاريخية حتى أن إنشقاق الأمة - إن صح التعبير - أو إفتراق الأمة، كان لأسباب سياسية تدور حول الحكم، وأفتרכת الأمة إلى هذه الأحزاب وتأثرت عقائديا وفقهيا، ثم إستمرت مسيرة التاريخ الإسلامي تغذي هذا الإفتراق بين فينة وأخرى، حتى اصيبت الأمة الإسلامية بالضعف في مسيرتها التاريخية - الحضارية، مما جعلها فريسة ضائعة أمام المستعمر - بدءا من الحروب الصليبية والأستعمار البرتغالي - كأول إستعمار غربي للديار الإسلامية بمعنى مفهوم الإستعمار - ثم تلاه المستعمرون الآخرون، ولكل ذلك نتيجة ما أصاب الأمة الإسلامية من الضياع ومن فقدان الهوية ومن التشتت وأقول: أن سبب ذلك هو تغذية الفرقاء السياسيين أو الخصماء السياسيين ولا أبالغ إذا قلت «تغليظ هذه الفرقة بين الأمة الإسلامية».

إن معظم أتباع الأمة الإسلامية في الحقيقة هم عوام، فإذا ما جاء أي شخص يستقرىء عدد المثقفين والمفكرين في أي مذهب، فإنه لا يتجاوز ٥ % وإذا سعدنا هذا الرقم، تصبح النسبة ١٠% معنى ذلك أن ٩٠% من أتباع هذه المذاهب، هم عوام تأخذهم العاطفة بالانتساب إلى مذهبهم، بحيث لا يقبلون أي قول آخر من مذهب آخر ولا يلتفتون إلى أي مذهب آخر وبالتالي،

يحدث التنايز بالألقاب، فالتخلي عن الألقاب المذهبية هو من أولويات الوحدة الإسلامية.

نحن في الحقيقة، نريد وحدة إسلامية لأمة الإسلام والتقريب بين المذاهب الإسلامية موجود فعلا، فمادة الفقه المقارن، موجودة الان في كل جامعة وفي كل قسم من اقسام الفقه، وأصبح كل باحث يعرف الآن المحكم الفقهي والأمر المؤكد، أننا نريد وحد إسلامية وهذا ممكن في هذا الزمان، حتى لو بقيت المذاهب المهم ان نتفاهم..

ونحن في حاجة إلى هذا بدلا من الأجواء المشحونة بالعداء والكراهية بين اتباع الفرق المختلفة! وفي الحقيقة، فإنه لا يوجد عداء بين اصحاب المذاهب الإسلامية، انما يأتي العداء من مواقف تاريخية ونتيجة مسائل عقائدية وهذه أمور يمكن مجتئها.

الأستاذ/ محمود مراد

إسمحوا لي، إن الكلام من علماء أجلاء مثل حضراتكم، يهون الأمر ويقول أنه ليست هناك خلافات كبيرة واننا ننتمي جميعا إلى فكر واحد وإلى إسلام واحد وعقيدة واحدة وهكذا.. ولكن الواقع وعلى مستوى الشارع والمجتمع، نجد أن الخلافات كبيرة وبارزة وأن هناك تراشقات بين المذاهب المختلفة، ولا أقول أن الآخر يستغل هذا ضدنا ولكن قبل أن ننظر إلى الآخر وكيف يستغل هذا ضدنا، علينا أن ننظر إلى أنفسنا ونجد أن هناك خلافات تنعكس سلبا على الحياة في المجتمعات الإسلامية، فإذا كانت الخلافات بين المذاهب اثراء وتحصيفا للحوار، فهذا لا بأس به ولكن أن تنعكس الخلافات على الشارع وأن تصل - استغفر الله - إلى حد التكفير ما بين المذاهب المختلفة وإلى حد ما ذكر الآن - إراقة الدماء والدموع - فأعتقد أن هذه تصبح مسألة نحن في حاجة ماسة وعاجلة إلى إنهاؤها.

فضيلة الشيخ محمد واعظ زادة:

أشكركم على مشاركتكم في هذه الندوة المهمة وأرحب بكم جميعاً ترحيباً يصدر من صميم القلب ومن كل أحاسيسي من أجل إهتمامكم، فإن إهتمامكم هذا، دعم لأهم الفرائض الإلهية، علينا نحن معشر المسلمين في كل وقت وخاصة في هذا الوقت بالذات، بغرض ضرورة الأهتمام بوحدة الأمة وجمع شملها تلبية لقول الله تعالى: «إن هذه أمتكم أمة واحدة وأنا ربكم فأتقون» وفي آية أخرى: «وإن هذه أمتكم واحدة وأنا ربكم فأعبدون» فقد ربط المولى عزوجل في الآيتين، بين وحدة الأمة وبين عبادة الله - جل شأنه. نعم.. إن وحدة الأمة تعتبر من أهم فرائض الله علينا، فهي تضع الأمة في المنزلة المناسبة لها بين الأمم، فالبحث في دعامة عزة الأمة ضروري. لأنه ليس في إختلاف الأمة وتفرقها، سوى الخذلان والخسران.

إن الأخوة العلماء وفضيلة الإمام الأكبر، قربوا الصلة بتلك المنظمة الإسلامية العظيمة التي تسمى «دارالتقريب بين المذاهب الإسلامية» وكذلك بالمشايخ الكبار الذين شكلوا جماعة التقريب بين المذاهب الإسلامية وفي طليعتهم، إمامان كبيران وهما كانا شيخين للأزهر: المغفور لهما الشيخ عبدالمجيد سليم والشيخ محمود شلتوت وغيرهما، ممن شاركوا في تأسيس دارالتقريب وأخص بالذكر إمامين مخلصين العلامة الشيخ عبدالعزيز عيسى والعلامة الشيخ محمد محمد المدني وكذلك أستاذنا الكبير الإمام البروجردي.

ولقد تعلمت دراسة التقريب بين المذاهب من مجلة «رسالة الإسلام» التي هي في رأيي، خير مجلة إسلامية قد أخرجت حتى الآن، حيث وصل اول عدد منها الى والدي رحمه الله، فكنت أقرأها مرة بل مرات، حتى أستقر في

قلبي وفي أعماق فكري مفاهيمها الشريفة من أول عدد لها حتى آخر عدد، فلم يذهب مني شيئاً منها، كما كان لي شرف الإلتقاء الدائم في بلدنا إيران، للعلامة الأمين العام لدار التقريب في القاهرة الشيخ محمد تقي القمي الذي كان يقوم بجميع أعمال دارالتقريب.

وفي الختام، أقول: الدين والمذاهب هي ابرز مصداق لقوله تعالى: «ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها» فالدين مثل الشجرة، أصلها ثابت لا يتغير ولا يتبدل والمذاهب بفروعها المتعددة المستمرة دون حدود وتمركز الأمة في حاجتها المتجددة كل يوم.. وإلى يوم القيامة.

الدكتور محمود حمدي زقزوق:

إنني انطلق من ملاحظة قالها الدكتور مراد قبل ذلك وهي أننا لا نريد ان نهون من المر ونقول: أن كل شيء على ما يرام وأنه ليس هناك أي خلاف وأن لدينا آيات القرآن والأحاديث النبوية وكل شيء، نردها وندعو إليها فيبدو الامر كما لو أنه ليس هناك شيء على الإطلاق، في حين انه يجب ان نترف ونكون صرحاء بأن هناك شيء ما بين المذاهب الاسلامية يباعد بينها وإلا لما إجتمعنا هنا الان لنجلس ونتحدث عن التقريب، والقضية ليست قضية الخلاف بين المذاهب الفقهية، فالمذاهب الفقيهية ليس بينها خلاف فحتى في الجانب السني هناك، أربع مذاهب فقهية، لكل منها وجهة نظره المختلفة.

والتقليد أن مصر يتسع صدرها لكل الخلافات المذهبية بلا حرج والذي يزور مسجد السلطان حسن، يجد هناك مدرسة تعد من المدارس التاريخية الأثرية وفيه مدارس للمذاهب الفقهية الأربعة، بجانب بعضها بعضاً؛ للشافعية والحنفية والحنبلية والمالكية، فالقضية ليست قضية خلاف بين المذاهب الفقهية، لكن هناك شيئاً ما، يباعد بين أبناء الأمة.

أمر آخر.. وهو أن الصراعات التي تحدث والتي تحدث عنها سماحة الشيخ محمد علي التسخيري وأدت إلى حروب، هي صراعات تاريخية، ليست للأجيال الحالية أي دخل فيها على الإطلاق، فإن كل فضل حدث في السابق ليس للأجيال الحالية أي فضل فيه وكل السلبيات التي تمت في السابق، ليس للأجيال الحالية ذنب فيها ولذلك، ينبغي أن يكون هذا من مسؤولية العلماء الذين يوضحون ذلك، لأنه كما قال سماحة الشيخ محمدعلي التسخيري أيضاً، أن العلماء ساعدوا في تعميق الخلافات وبالتالي تبعتهم جماهير الأمة، فهذه الصراعات التاريخية، ليس هناك مبرر معقول لها الآن.

إن العالم من حولنا يتجه إلى التكننات في كل مجال وهذه التكننات، هي قوة للدول التي تقوم بها، أما العالم الإسلامي، فهو فقط بين قوى العالم الذي لا ينتبه ولا يريد أن يجمع قواه ليواجه الآخرين - ولا أقول يحارب وإنما يواجه - حتى يستطيع أن يظل على قيد الحياة وأذكر هنا تعبيراً لطيفاً وهو أيضاً تعبير واقعي، قاله الدكتور أحمد كمال أبو المجد أثناء مؤتمر المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية في الأيام الماضية وهو: «إذا كان هناك في التاريخ واقعة إستشهاد سيدنا الحسين في كربلاء، التي كان لها تأثير كبير في هذا الإنشقاق الذي حدث، فأخشى أن تكون هناك الآن كربلاء أخرى، يقتل فيها المسلمون جميعاً سنة وشيعة!» فالقضية في منتهى الخطورة، فالعالم يتجمع ويتكتل.. والمسلمون لا يزالون متفرقون ولا يدركون خطورة الموقف في العصر الحاضر، عصر العولمة!.

فإذا كنا نقيم حواراً، بين المسلمين وغير المسلمين والعام الحالي هو عام الحوار بين الحضارات والثقافات، فمن باب أولى أن يكون هنا حوار إسلامي - إسلامي... أي ترتيب البيت من الداخل أولاً وإلا ذهبنا للتحاور مع الآخر ونحن فرق ومتفرقون، فكيف يكون الأمر؟

فهذا شيء غريب أن نذهب لنتحاور مع الآخر ونبحث عن قواسم مشتركة مع الآخر غير المسلم، لتتعايش معاً في هذا العالم، ثم ننسى أنه هناك ضرورة للحوار الإسلامي وإذا كنا نبحث عن قواسم مشتركة مع الآخر غير المسلم، فالقواسم المشتركة بين المسلمين ما أكثرها فإنه ليس هناك خلاف على الإطلاق في أركان الإسلام الخمسة وليس هناك خلاف على الإطلاق في أصول الإيمان بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر وليس هناك خلاف على أي شيء من الأصول القطعية في الإسلام، بين السنة والشيعة فلماذا

الإستمرار في تعميق الخلافات؟

هناك عناصر لاتزال حتى يومنا هذا، تجدد الخلاف الفكري والنزاع التاريخي والصراعات السابقة وتحاول أن تعيدها مرة أخرى وتحببها من جديد ولذلك لا بد ألا تمر هذه اللقاءات فقط بأن يقول كلاً منا كلاماً يجمال به الآخر فقط به وينتهي الأمر، ولعلمي أقول أن مصر كانت سباقة كما ذكرنا، في مجال التقريب بين المذاهب الإسلامية والسبب في ذلك، يرجع لأن هذا تراث تاريخي لدى مصر، فهي لاتفرق بين مذهب ومذهب والمصريين جميعاً من أولهم إلى آخرهم، من أشد الناس حباً لآل البيت وهذه حقيقة لا مرأى فيها على الإطلاق، فإن أي مصري في أقصى الجنوب أو أقصى الشمال، يتعلق قلبه بالحسين والسيدة زينب والسيدة نفيسة وكل آل البيت.

فالأرض الخصبة للتقريب هي التي أوجدت منذ أكثر من خمسين عاماً جمعية التقريب بين المذاهب الإسلامية وكانت هناك جهود كافح من أجلها مشايخ الأزهر، مثل: الشيخ شلتوت والشيخ المراغي وكذلك الشيخ عبدالعزيز عيسى والشيخ محمد المدني وغيرهم، كما أن مجلة «رسالة الإسلام» لاتزال شاهد صدق على ذلك واعدادها التي صدرت، لاتزال موجودة في الـ ١٥ مجلد وهذا يعطي النموذج المصري في هذا الصدد وهو نموذج رائد ويمكن أن نصدره لكل البلاد الإسلامية، لتكون هناك أيضاً جمعيات للتقريب بين المذاهب الإسلامية، تؤتي ثمارها حتى يتحقق هذا التقارب وأنا مع سماحة الشيخ محمد علي التسخيري في أن التقارب ليس معناه تذويب المذاهب في بعضها وأيضاً ليس معناها تغليب مذهب على آخر، فلكل وجهة نظره والخلاف في وجهات النظر هو شقاق ونزاع؟... لا... فإن الخلاف في وجهات النظر مطلوب ولكن المطلوب بجانبه هو التسامح، يعني أن

يعطي كلامنا للآخر الفرصة للآخر، لأن المطلوب بجانبه هو التسامح، يعني أن يعطي كلامنا الفرصة للآخر، لأن يقول رأيه وأن نحترمه وفي ذلك يقول الإمام الشافعي: «رأينا صواب يحتمل الخطأ... ورأي غيرنا خطأ يحتمل الصواب!». إذن فالقضية ليست في أن لي رأياً أفرضه على الآخر وأقول انه الحق المطلق! لا مرأ فيه، فهذا أمر غير جائز على الإطلاق والحق المطلق الذي لا مرأ فيه، هو ما ورد في الكتاب والسنة وورد بدليل قطعي وما عدا ذلك، فهو اجتهادات وكل يخطئ ويصيب والذي يجتهد ويخطئ له اجر والذي يجتهد ويصيب له أجران.

ومن بين الأمور المثارة ايضاً، مسؤولية الحكومات في الخطاب الإسلامي والحقيقة أن التقريب ليس قضية سياسية تتولاها الحكومات وإنما علماء الدين ومفكرو المسلمين الذين يؤثرون في الجماهير، لأن جماهير الأمة تستفتي وتسأل علماء الدين وليس السياسيين في أي قضية دينية، وبالتالي على علماء الدين أن يقوموا بواجبهم في هذا الصدد من أجل تثقيف العقول وتنوير الأذهان وتوضيح معالم الطريق وإقرار التسامح، فقيمة التسامح إذا سادت، ستؤدي إلى إزالة كل الرواسب التي نعرفها جميعاً والتي مازال لها بعض الآثار حتى الآن.

إذن، القضية أنه هناك ضرورة للحوار بين المذاهب الإسلامية للتقارب، وهذه الضرورة هي التي دعتنا في المؤتمر العالمي للشؤون الإسلامية الأخير، لأن نضع بندياً في المحور الثاني للمؤتمر، تحت عنوان: التقريب بين المذاهب الإسلامية وهذه الضرورة هي التي دعتنا أيضاً لأن نجلس الآن في هذه الندوة.

فضيلة السفير / سيد هادي خسرو شاهي

في الواقع أن الأساتذة الكبار وفي طليعتهم الإمام الأكبر شيخ الأزهر، أشاروا إلى حقيقة الأمر الموجود في الساحة وهو أنه لاختلاف ولا فرق في الأصول، بين المذاهب الإسلامية وإنما الخلاف الواقع، هو في الفروع وهذا أمر اجتهادي وواقع منذ زمن الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) وهذا إثراء للثروة الفكرية الإسلامية.

والحقيقة أن مصر مع الأزهر الشريف، قد قامت بدور كبير وخاص في جمع شمل المسلمين تحت إطار التقريب بين المذاهب الإسلامية، منذ خمسة وستين سنة، يعني إذا كان الإتفاق الأول لتأسيس دارالتقريب بعام ١٩٣٧ في عهد المرحوم الشيخ المراغي، فإن التأسيس الرسمي كان عام ١٩٤٧م، ولكن من المؤسف، أن الدار كادت أن تكون شبه مغلقة، منذ أكثر من ٢٥ سنة في مصر.

وقد قامت إيران بعد الثورة الإسلامية بواجبها في هذا الميدان، وأسست المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية بالاشتراك مع جمع من العلماء من المذاهب المختلفة، ولكني اعتقد شخصياً، أنه في غياب مصر والأزهر الشريف، لا نستطيع أن نقوم بواجبنا تجاه الشعوب الإسلامية في كل العالم، كما هو لازم.

واعتقد أيضاً، أننا لا نزال في أمس الحاجة إلى التقريب وأمامنا ما يحدث يومياً مثلاً في باكستان وأفغانستان واغتيال رموز المذاهب، أي العلماء من الفرق الإسلامية على أيدي المتعصبين من المذاهب، من هنا فالخلاف المذهبي، يثبت أن العالم الإسلامي يحتاج إلى دار التقريب منطلقاً من مصر وإيران

بالذات، للتقريب بين أتباع المذاهب بإذن الله، وأنا أقترح أن تكون لهذه الندوة ورقة عمل شفافة وأن تكون هناك اقتراحات خاصة وتكون الندوة، بداية لندوات أخرى عن التقريب بين المذاهب الإسلامية الكريمة ويشرف على عقدها فضيلة الإمام الأكبر الدكتور الشيخ طنطاوي شيخ الأزهر ويقوم كلاً منا بدوره في إطار الدار في بلده..

واقترح أيضاً ان تقوم الدار، بإصدار المجلة القيمة المعروفة «رسالة الإسلام» ومن القاهرة، فقد كان لها دوراً خاصاً في مجال التنوير الفكري وتعريف المذاهب الفقهية الإسلامية. وأعتقد أن لها أهميتها الآن لدعم وتقوية العلاقات بين كل الدول الإسلامية. فهذه ضرورة في ظل ما يمرّ به العالم الإسلامي اليوم من تحديات، ونحن بدورنا، على إستعداد تام لأن نقوم بواجبنا تجاه هذه الفكرة ونعمل في سبيله مجدية وإلتزام...

وشكراً لكم جميعاً

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

الأستاذ/محمود مراد

إن الحوار حتى الآن يفتح الشهية للمزيد، كما أن سعادة السفير الإيراني، سيد هادي خسروشاهي، قد وضع إقتراحات محددة، عن إحياء أو إنشاء دار التقريب بين المذاهب واسند المسؤولية الى فضيلة الأمام الأكبر شيخ الأزهر وفي الحقيقة، أنني أثنى على هذا الإقتراح وأقول: إنه إذا كنا بالفعل نتعامل مع حوار الحضارات والحوار بين الأديان، فيجب بأن تكون هناك مرجعية واحدة للتقريب وينبغي ألا تكون هناك مرجعيات متعددة وهذه المرجعية الواحدة، تكون في مشيخة الأزهر ويكون هناك تعاون أو دور مهم لمؤسسات وجمعيات التقريب بين المذاهب في كل بلد إسلامي ويتم التنسيق بينها، من خلال هذه النخبة الموجودة في اللجنة المركزية، التي تمثل المرجعية بهدف التكامل بين المرجعيات في الشارع الإسلامي... وهذا لكي تكون هناك خطوات عملية ورؤية أكثر وضوحا في العالم الإسلامي، فانه كما ذكرتم يوجد في باكستان وأفغانستان عمليات قتل لرموز من هذا المذهب أو ذاك، لذلك انا اقترح هذا والرأي لكم.

فضيلة الشيخ محمود فرحات (لبنان):

لقد بدأ تغليف وتحديد المذاهب في القاهرة أيام الحكم المملوكي، حيث حددت المذاهب الإسلامية لأربعة مذاهب ومطلوب الآن من مصر، أن تفك الأغلفة وأن تنزع الحد عن المذاهب بحيث، تصبح المذاهب الإسلامية التي تعتمد نفس الأصول ونفس المعتقد ونفس الخط الفقهي الأصولي.. ضمن المجموعة وضمن الدائرة الإسلامية.

إن كل ما تقدم به الإخوان، عظيم وخصوصاً معالي الوزير في عرضه المخلص والواضح والشامل، ولكن السؤال: كيف يكون العلاج ومن يتولى مسؤولية هذا الأمر؟ ومن هو الذي يأخذ المبادرة؟

لقد تعرض معالي الوزير، لمسؤوليات الحكومات وأتفق معه فيما قال بل ربما لا توافق بعضها على توحيد الموقف، لأن الخلاف المذهبي في الإسلام بدأ سياسياً وأستغل سياسياً واستثمر كذلك، حتى تضخم وأشدت ووصل إلى الحدود التي بتنا كلنا نشكو منه ونتألم.

وبالنسبة لدور الأزهر، فهو دور لا ينكره مسلم وإذا انكره فهو خاطيء، كما أن دور المركز الإسلامي الآخر في ايران - المجمع العالمي للتقريب - مهم ايضاً، أي أن هذين الدورين، يتحملان المسؤولية في تقريب وجهات النظر لتقريب الرؤية وليس تقريب الاصول.

فالموضوع هو مواقف واضحة ومعلنة من «الازهر الشريف» ومن «قم» في مرجعياتها، وهو أننا كلنا مسلمون، نؤمن بأصول وعقيدة واحدة وإن اختلف بعضها عن بعض إختلافاً بسيطاً والمطلوب من الأزهر، أن يعلن للأخوة الذين يقولون بأن الشيعي كافر!! إن الشيعي ليس كافراً، فهذه مسؤولية الأزهر.

كذلك، يجب ان يكون في المراكز الشيعية، توضيحات مستمرة بان المذاهب الأربعة أو المذاهب الإسلامية، التي تعتمد نفس الأصول ونفس المباني صحيحة وسليمة ... رغم وجود خلافات فرعية، فإن أهل الشيعة لا يقومون بالقياس وهناك من المذاهب الأربعة، من يقول بالاستحسان ومنهم من يقول بأن الاستحسان تسعة اعشار العلم! ومنهم من يقول: من إستحسن فقد شرع ومن شرع فقد كفر!

فهذه خلافات فرعية هامشية، لا صلة لها بالأصول المتفق عليها
والحمد لله.

الأستاذ /عبدالله محمد تقى القمي:

أولاً: أود أن أضيف إلى ما قاله مولانا الشيخ التسخيري عن الحاكم:

إن ما فشل فيه الآخرون فتسببوا في الفرقة، قد أنجزه التقريب في مصر وأظن أننا جميعاً متفقون على أنه لا يوجد أي إختلافات في الأصول ولكن كما قال معالي الوزير، فإن هناك شيء ما وإلا ما كنا نجلس الآن ونتحدث، وأنا أظن أن هذا الشيء في الشارع! فهناك شك متبادل في أمور ليس لها وجود - مثل تحريف القرآن! - واعتقد أن من مصلحتنا، ان نطرحها لكي تبرز في النور ولأنها كلما استمرت في الظلام، فأنها تتضخم فتزداد الأمور سوءاً وتزداد الإتهامات المتبادلة ولا اعتقد أنه من الصعب التخلص منها الآن، مع وجود الإعلام والوسائل الحديثة ومع الخطاب الإسلامي الصحيح الذي ينتشر في جميع أنحاء العالم.

ثانياً: وبالنسبة للتعصب

أود الإشارة إلى حديث الإمام الأكبر شيخ الأزهر الأسبق، سماح الشيخ محمود شلتوت عن أخطاء تاريخية في شأن المذاهب الإسلامية وعن حق المسلمين في أن يتخلصوا من العصبية غير المبررة في مذاهب معينة وقال: أنه ما كان دين الله وما كانت شريعته تابعة أو كانت مقصورة على مذهب معين. وفي ختام كلمتي كذلك أود أن أذكر أنه يكفي للإمام الشيخ شلتوت وحسبه هو وزملائه المجاهدين، دعاة التقريب في أواسط القرن الماضي، امثال المغفور لهم: الشيخ المراغي و الشيخ عبدالمجيد سليم والشيخ مصطفى عبدالرزاق والشيخ القمي والشيخ عبدالعزيز عيسى وغيرهم، أن الله سبحانه وتعالى قد احق الحق وأمد دعوتهم، بروح من عنده والأمل أن يحدث إحياء لدعوتهم.

وعن دار التقريب

فقد بدأنا منذ عامين في مشروع لحياء مشروع «شلتوت - القمي» وهو جمع الأحاديث المتفق عليها بين الفريقين، مع إضافة أحاديث المذهب الزيدي، وكان يشرف على هذا المشروع المغفور له وكيل الأزهر الأسبق الشيخ سيد سعود رحمة الله عليه وكنا قد بدأنا التعاون مع الأمين العام للمجلس الأعلى للشؤون الإسلامية الدكتور عبدالصبور مرزوق، للاستفادة من الأبحاث الموجودة بالمجلس الأعلى ولكن تعثر المشروع، ونحن نريد إحياءه الآن ونطلب من الأوقاف والأزهر والأخوة في إيران، إمدادنا بهذه المعلومات، لتكون مرجعا في القضية التي تناقشها.

الأستاذ / محمود مراد:

خلال المداخلات والملاحظات، نجد أن الآراء قد إنفقت على أن هناك ضرورة للتقريب بين المذاهب الإسلامية، لأن الإختلاف بينها، قد إنعكس سلبا على المجتمعات الإسلامية المختلفة ووصلت إلى حد القتل المتبادل والتكفير المتبادل، وهذا من شأنه، أن يشوه صورة الإسلام ويعطل حركة المسلمين، وهذا يحدث في نفس الوقت الذي نواجه فيه حوار الحضارات ونواجه فيه عولمة جديدة، كما أن هذا يحدث بين المسلمين، بينما الإسلام هو الدين المقرب بين الأديان المختلفة، لذلك فنحن في حاجة شديدة إلى التقريب ما بين المذاهب واتباعها...

وأظن أن الآراء قد إنفقت على ضرورة الاهتمام بهذا وتوحيد المرجعية وقد يؤدي الأمر إلى إنشاء «مركز للحوار الإسلامي»، تابع لمشيخة الأزهر وتصبح هناك مراكز أخرى لهذا الحوار الإسلامي، في قم وفي عدد من الدول الإسلامية أن يكون هذا المركز «المركزي» في القاهرة، منسقا حتى لا تحدث مضاربات ومصادمات وأختلافات خصوصا في الأمور الفقهية وفي الفتاوى.

وأتصور أننا قد إنفقنا على هذه المرجعية المركزية وعلى ضرورة عقد مؤتمر للتقارب بين المذاهب وأن تكون هناك حركة يومية، من خلال هذا الشكل الرسمي وأيضاً من خلال تنشيط منظمات المجتمع المدني، مثل دار التقريب بين المذاهب في القاهرة، لكي تسهم في هذا، كما يمكن أن تكون هناك منظمات أخرى مشابهة ولهدف واحد، في دول إسلامية أخرى.

(المحاضرون جميعاً أبدوا موافقتهم على المقترح... ثم كانت تعليقات)

فضيلة الشيخ احمد سعود السيابي:

عندي بعض الملاحظات، فإنه بالنسبة للصراعات السياسية التاريخية التي أشار إليها الشيخ التسخيري وثنى عليها الشيخ الدكتور محمود حمدي زقزوق، تسببت فيها الأجيال السابقة ولكنها لا تزال تنعكس بأثارها على الأجيال الحالية، لذلك فإن هذا الأمر يحتاج إلى قرار إسلامي عام، كما قال الخليفة الراحل عمر بن عبدالعزيز رضي الله عنه: «تلك قضية سلمت منها سيوفنا فلتسلم منها ألسنتنا».

إذن، فالعالم الإسلامي في حاجة إلى قرار إسلامي عام، لتجريم هذه الصراعات وعدم إعتبارها تأصيلا تاريخيا وهذا القرار الشجاع، يكون من رموز الأمة الإسلامية وهم العلماء والمفكرون.

وبالنسبة لدور أجهزة الإعلام، في التقريب بين المسلمين، فالحقيقة أن أجهزة الإعلام، تشكل الآن الرأي العام في أي بلد، فكثير من الشعوب تتشكل بناء على التوجهات الإعلامية، فالإعلام أصبح سلاحا خطيرا وفعالا ولذلك فإن هذه القضية، يجب أن تتبناها أجهزة الإعلام، لكي تنعكس أثارها على العالم الإسلامي.

فضيلة المفتي، الدكتور نصر فريد واصل:

إن هذه المداخلة لزيادة التوضيح، حول كل الأطروحات التي عرضت من أجل إحياء هذا المبدأ الأساسي وهو التقريب بين المذاهب وعلماء الأمة الإسلامية وفي نفس الوقت التقريب بين الأمة الإسلامية ككل وقد سبق أن أوضحت، أن التقريب بين المذاهب الإسلامية ككل ليس هو المقصود لذاته - لأنه قد حصل والحمد لله - وإنما المقصود هو التقريب بين الأتباع، الذين ينتسبون إلى هذه المذاهب الإسلامية، لأن علماء الأمة الإسلامية ومجتهدى هذه المذاهب الإسلامية، في كل العصور، إنما يعلمون جيدا أن هذه المذاهب، إنما هي حقيقة واقعية وإنها من سمات ومميزات الشريعة الإسلامية والإسلام، لأنه كما نعلم، هناك فرق بين الشريعة الإسلامية وبين فهمها، وإن الشريعة الإسلامية حقيقة ثابتة وحقيقة واقعة في مجال العقيدة وفي مجال الأصول الأساسية، لكن فيما يتعلق بفهم هذه الشريعة، بما يجعلها صالحة لكل مكان وزمان، فإن هذا يحتاج إلى فقه شرعي يعتمد على أصوله وهذا الفقه، هو الذي يفرق بين الأصول والثوابت التي لا يمكن أن يختلف فيها أي مجتهد أو أي مذهب من المذاهب، إلى أن تقوم الساعة وبين الفقه الذي يقوم على الأمور المستحدثة، التي تحتاج إلى أن تربطها بالنصوص الشرعية، سواء كانت أصيلة أو إجتهادية.

وهنا من حيث الأصل، لا نجد أن هناك إختلافا ولكن حسب الظروف التاريخية، بدأت هذه الافكار لظروف سياسية أو تاريخية أو عصبية، البعد عن الجانب الفقهي الصحيح و عن الشريعة الإسلامية واتباع هذه المذاهب، هم الذين فرقوا بين الشريعة والعقيدة وبين المذهب كمذهب مستقل، له أصوله

وقواعده الفقهية والسياسية، ونحن الآن لا بد ان نتعدى ونتخطى هذه المراحل، لأننا نعلم جميعا الأسباب التي أدت الى تفرق الأمة الإسلامية والآثار السلبية التي تترتب عليه، وبين العصر الذي نعيش فيه الآن، بعد أن أصبح المسلمون جميعا كما نجلس الآن، يناقشون كل كبيرة وصغيرة ويضعون حلولها ويعلمون عنها في نفس اللحظة بكل الوسائل، فلذلك إذا عرف الداء سهل العلاج أو الدواء. ونحن الآن على مستوى العقول والثقافات، نعلم جيدا ما هي الأسباب التي أدت إلى تأخر الأمة؟ وتفرق علماءها وبين أتباع هؤلاء العلماء وكيفية الوصول إلى ذلك؟ ونحن الآن نبحث العلاج، لذلك أرجو وهو مجرد إقتراح أطرحه على الهيئة العلمية الموقرة - في هذه الندوة - وهو أن التقريب بين هذه المذاهب موجود ولا يحتاج إلى تقريب، لأن المذاهب حقيقة قائمة كما قيل، لا يمكن جعل المذاهب في مذهب واحدا وهذا هو من مميزات الإسلام، ففقه الإسلام هو فقه المذاهب وسوف يستمر إلى ان تقوم الساعة وهذا هو سرّ خلودها ولكن المطلوب، هو التقريب بين اتباع هذه المذاهب وبخاصة بين علمائها ولا أقول بين العامة لأن العامة ليس لهم مذهب! الذي يذهبهم، هم العلماء وأذكر في ذلك كلمة أن «العلماء بأقوالهم ليس بأفئدتهم»! فهم الذين فرقوا شمل الأمة الإسلامية، أي بالقول الذي يثير التعارض وليس بقلوبهم، لأنهم جميعا بقلوبهم وعقيدتهم، يتمسكون بالاسلام عقيدة وشرعة.

وهذا ما ارجوه ولذلك يجب أن يكون حوارنا الآن واجتماعنا هو التقريب بين أتباع المذاهب الإسلامية.

النقطة التالية، هي عملية فهم أو خلط المفاهيم وهذا ما أشير إليه الآن في قضية الفتاوى، التي تصدر فيما يتعلق بقضية فلسطين وهي العمليات الفدائية

واعتقد أن وسائل الإعلام، للأسف هي السبب المباشر في هذا الخلط، فما زالت حتى الآن تردد وصف «العمليات الإستشهادية» على إنها إنتحارية!! وهذه قضية خطيرة، لأنه كيف يمكن الجمع بين الإنتحارية والإستشهادية في نفس الوقت؟ فإذاً لابد ان نوضح هذه المفهومات ووسائل الاعلام عليها دور كبير في هذه القضية، فقضية «إنتحارية»! يجب ان تمحي. وكذلك «حائط المبكي»! هذا أيضا كان قضية خطيرة، لذلك يجب ان ننتبه إلى مثل هذه الامور، التي تدخل بوسائل ثقافية تبناها بيننا ثم نردها، ثم تصبح حقيقة ثابتة ويستفيد منها غيرنا.

وفي نهاية هذه المداخلة، فإن الذي أرجوه هو الوصول الى الهدف الإساسي من خلال احياء وسيلة إمكانية التقرب العملي من وجهة النظر العملية، لا من اجل الرجوع الى التاريخ وإنما من أجل ما هو الموقف الان وما هو الحل؟ خاصة بعد ما اصبحنا في موقف لانحسد عليه أمام الأمم الاخرى، التي استثمرت فرقنا في مجال الاختلاف المذهبي ووسعت دائرته وجعلته كما لو كان أمراً حقيقياً وواقعاً، فنحن حتى في مؤتمراتنا العامة، مازلنا نختلف حول امور يجب ان نتعد عنها..

وفي نهاية كلمتي، ارجو من فضيلة امامنا الأكبر أن يتبنى هذه الفكرة ويعمل على احياء دار التقريب بين الأتباع، لكي يصلوا في نهاية الآراء إلى التمسك بفكر واحد ومذهب واحد في القضايا العامة وفي القضايا العصرية الحالية والآتية، التي تهتم الأمة الاسلامية لتحقيق الهدف المنشود وهو قوتها في مجال الاقتصاد وفي مجال السياسة وفي مجال الامور العامة.

فضيلة الشيخ محمد علي التسخيري

عندي عدة ملاحظات... أولها اعتقد أن للحكام دورا مهما وهو تهيشة الارضية المناسبة لتتم هذه اللقاءات، فان الارادة السياسية اليوم لها الكلام الأول.

الملاحظة الثانية عن الحوار، واعتقد اننا لا نستطيع أن نقصره على مجال.. أي ممكن أن يكون فقهيا ويمكن أن يكون فكريا ويمكنه ان يكون ايضا عمليا.. أي حول خطة عملية معينة لاشباع حاجة والاجابة على سؤال شامل في مسألة العولمة أو مسألة حقوق الانسان أو مسألة القيم العائلية... ويمكن التعاون فيها حتى اذا كان هناك اختلاف واذكر ان تعاوننا مع المسيحيين، في مؤتمر السكان والتنمية في القاهرة، كان له اثر كبير جدا في تغيير نقاط مهمة من الوثيقة الدولية، التي قد وافقوا عليها فان تعاون الازهر والدول الاسلامية والمسيحيين، ترك اثره الكبير في التغيير.

الملاحظة الثانية: في الوقت الذي اجتمعنا في طهران، في مؤتمر تكريم الامام الشيخ محمود شلتوت والإمام آية الله البروجردي، قال احد الاخوة المفكرين، أن الشيخ شلتوت رفع الخطوة الأولى وعلى علماء الشيعة ان يرفعوا الخطوة الثانية؟! وأتصور أن الخطوة الأولى فتحت المجال لأن يتحول الإنسان من التسنن إلى التشيع! ولهذا يجب ن يفسح المجال لتحول الانسان للعكس... وأنا قلت لأخينا الكبير، أنه ليست المشكلة هي تحول الانسان من مذهب إلى مذهب، لأن هذه المشكلة لا تنتظر رأي أحد، اننا لا نشجع على تحول اتبا هذا المذهب إلى ذلك المذهب مطلقا، ليكن كل على مذهبه، لكن المشكلة هي النظرة السيئة لاتباع هذا المذهب إلى المذهب الآخر، على أنه انسان خارج

عن الدين! والذي رفعه الشيخ شلتوت، هو هذا التصور تجاه الشيعة وعلماء الشيعة.

الملاحظة الاخيرة: أن ثقافة التقريب لا يمكنها ان تصبح ثقافة اذا بقيت في الدائرة الفتوية ولم تخرج للدائرة الفكرية العامة، بل أنا اريد ان نرسلها إلى الجماهير - وكما يقول سماحة المفتي - إلى اتباع المذاهب هذه الجماهير، يجب أن تشعر بأن هناك حالة وأمورا للتقريب، لذا ينبغي أن تؤكد ثقافة التقريب في هذه الامة.

وآخر ملاحظة: اعتقد ان فكرة الاجتهاد المجمعى التي تدرس في مركز الحوار الاسلامي المقترح انشاؤه في القاهرة، باشراف الامام الاكبر شيخ الازهر... فكرة جيدة وهي ايضاً تستهدف التقريب.

الدكتور احمد عمر هاشم:

الواقع أن هذا اللقاء من أهم اللقاءات، لحضور فضيلة الامام الاكبر والدكتور الوزير وفضيلة المفتي والسادة العلماء من أهل السنة والشيعة، لأننا في الواقع في هذه المرحلة التي تمر بها امتنا، في امس الحاجة إلى التقريب، بل إلى توحيد الصف، عقائديا وفكريا وعمليا وسلوكا، لأنها أسس توحيد الصف الاسلامي.

وإذا كنا كذلك وفي امس الحاجة إلى التقريب، فنحن جميعا مسلمون وموحدون، فاذا كانت هناك وجهات نظر، فمن الممكن أن نلتقي عندها، بمعنى أن مصادر التشريع واحدة ولا خلاف عليها بين احد من المسلمين ولا بين احد من اصحاب المذاهب، فلا يختلف اثنان في أن كتاب الله سبحانه وتعالى هو المصدر الأول للتشريع الاسلامي وان السنة النبوية الصحيحة هي المصدر الثاني للتشريع الاسلامي، من بعد كتاب الله تعالى.

مصادر التشيع إذن، لا خلاف عليها واذا انتقلنا إلى التكاليف نفسها، فهي عقيدة تؤمن فيها بالله ربا وبالاسلام دينا وبسيدنا محمد(صلى الله عليه وسلم) نبيا ورسولا. تؤمن فيها بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الاخر والقدر، خيره وشره، حلوه ومره، ولا خلاف بيننا فيها.

عبادات نتقرب إلى الله بها وكلفنا، بها من صلاة وزكاة وصيام وحج. ولا خلاف فيها من معاملات وعلاقات واخلاق ايضا.. لا خلاف فيها.

إذن، ما الذي بقي من امور خلافية في تصوري أن الامور الخلافية تنقسم إلى قسمين...: أمور في الاشياء الفرعية وهذه امور هينة ونذكر أنه لما كلف الخليفة، الإمام مالك أن يترك ابن مسعود وابن عباس وان يقصد إلى اواسط العلم ويؤلف كتابا، فكتب كتابه «الموطأ» ووافقه الناس عليه، واراد الخليفة أن يلزم الامة كلها بهذا الكتاب، لكن صاحب الكتاب وهو الإمام الجليل مالك، رفض وقال: لا... يا أمير المؤمنين!... ورفض أن يلزمهم برأي واحد وكتاب واحد و قال: ان اصحاب رسول الله (صلى الله عليه وسلم) انتشروا

في الامصار الاسلامية وعند بعضهم ما ليس عند الاخر، فاترك الناس وما يناسب عصرهم وزمانهم ومكانهم، ما داموا لا يصادموا كتاب الله واحاديث رسول الله (صلى الله عليه وسلم).

ثم قال بالحرف الواحد: إن اختلاف العلماء رحمة من الله بهذه الامة، كل يرى ما صح عنده وكل على هدى وكل يريد وجه الله... فما دام لا صدام في اصول وتشريعات ونص من كتاب الله او سنة رسول الله، فلا خلاف والخلاف هين وبسيط وأمور منتهاها يدور بين ما هو اولى وخلاف الاولى.

القسم الثاني وهو الأهم الذي قد يحدث أو يظن أن عليه خلافا.. وأعني الامور الاصلية... فإنه فيما أتصور، من الممكن التقريب فيها بمعنى أننا حين نتلاقى على مائدة واحدة، مثل هذه - الندوة - ويطرح كل منا مالمديه من أسانيد ومالمديه من ادلة ونصوص، فقد تقرب بمعنى أن يقتنع احدنا برأي الآخر.

أن التقريب يحتاج منا إلى حسن نوايا وهي موجودة وحسن ظن وهو موجود وإلى عدم جمود أو تعصب وهو موجود وفي هذه الحالة اتصور أن المسألة سوف تكون ميسرة، خاصة أن المرحلة التي تمر بها أمتنا والتي يمر بها العالم الاسلامي والدين الاسلامي نفسه والفكر الاسلامي مليئة بالتحديات، التي تواجه اصول الاسلام نفسه من اعدائه وهي تستوجب علينا، التوحد فإذا كان أعداؤنا يتوحدون ويعيشون عصر الكيانات الكبرى والتكتلات الكبرى، فأولى بالمسلمين أن يكونوا على قلب رجل واحد. حتى و أن كانت هناك بعض الأمور التي قد يرى أن فيها خلاف يعوق المسيرة، فمن الممكن أن نتجاوزه إلى حين، حتى يتم هذا التقريب الذي ننشده و الذي فيه صلاح الامة وفيه سعادتها.

الامام الاكبر شيخ الازهر الدكتور محمد سيد طنطاوي:

بعد أن استمعنا إلى تلك الاقوال الطيبة والمداخلات الحكيمة من الإخوة الذين اشتركوا في هذه الندوة، فاننا نقول... الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله وهذا لون من التقارب.

ان العقول الانسانية مثلها، كمثل تلك الثريات التي تحيط بنا، كلما تقاربت كلما سطع ضوءها وزاد نورها، لذلك فنحن سعداء ان نلتقي وان نتحاور وأن نتناصح وان نجدد الأخوة بيننا ولقد سبق لي أن كتبت كتابا موضوعه «ادب الحوار في الاسلام» وذكرت فيه أن الله سبحانه وتعالى فتح باب الحوار مع الجميع. يعني نجد هذا في سورة الاعراف وفي سورة الحجر وفي سورة ص وفي ذلك من السور، نجد حوارا بين الخالق عزوجل وبين ملائكته: «إني جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اني اعلم ما لاتعلمون».

ونجد حوارا مع الرسل الكرام عليهم الصلاة والسلام، في كثير من السور القرآنية ومنهم سيدنا نوح: «ونادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي وأن وعدك الحق وانت احكم الحاكمين قال يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسألن ما ليس لك به علم اني اعظك أن تكون من الجاهلين». ونجد حوارا مع سيدنا عيسى: «أأنت قلت للناس اتخذوني وأمي إلهين من دون الله قال سبحانه ما يكون لي أن اقول ما ليس لي بحق أن كنت قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي ولا أعلم ما في نفسك انك انت علام الغيوب ما قلت لهم إلا ما أمرتني به أن اعبدوا الله ربي وربكم وكنتم عليهم شهيدياً ما دمتم فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم وأنت على كل شيء شهيد...» إلى آخر الآيات.

وعندما راجعت مادة «القول» وما اشتق من هذه المادة، وجدتها تكررت في القرآن الكريم اكثر من ١٥٠٠ مرة وفعل الامر: «قل» يتكرر في سورة الانعام وحدها نحو ٥٠ مرة وفي الآية الواحدة اكثر من مرة.. «قل أي شيء أكبر شهادة، قل الله شهيد بيني وبينكم اوحى إلى هذا القرآن لاندركم به

ومن بلغ انكم لتشهدون... أن مع الله الهة اخرى قل لا اشهد، قل إنما هو إله واحد وأنتي بريء مما تشركون..» اربع مرات في آية واحدة.
وهكذا نجد أن الحوار مرحب به.. وأنا شخصياً - وهذا ما أؤمن به وقد يخالفني غيره - أؤمن بالحوار مع الاصدقاء ومع الاعداء ومع الاقربين ومع الابعدين... وهذا الحوار، لا بد أن يؤدي الى الخير، مادامت هناك نية طيبة ومادام هناك قصد شريف ومادام هناك اتجاه نحو التعاون على البر والتقوى، لا على الإثم والعدوان.

المهم أن يوجد القلب السليم وأن يوجد العقل الراجح وأن توجد النوايا الطيبة وما يجري بين المسلمين الآن، ليس سببه خلاف ديني ولا خلاف عقائدي ففي الجزائر كلهم مذهب واحد وهو المالكية ولكن انظروا ما يحدث هناك؟ فهذه مسألة عدم فهم للدين.

ونحن في الازهر الشريف ندرس جميع المذاهب الاسلامية. إذن، فإن كل ما تتمناه وما نسعى إليه أن يكثر عدد العقلاء في الامة ويزيد عن 50% ففي هذه الحالة نحمد الله..

ولا بد أن نسعى جميعاً لتوضيح المفاهيم بالاسلوب الحسن وبنية طيبة وبأخوة صادقة وبمحبة خالصة لوجه الله وأن يحسن بعضنا الظن ببعض وأن يعمل بالحديث النبوي الشريف: إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث... «واجتنبوا كثيراً من الظن أن بعض الظن اثم».

وعن «دارالتقريب» فاتصلنا قائم مع الأستاذ /عبدالله القمي وأنا أزوره وهو يزورني، فالتقارب يحدث بالتواصل وبالتفاهم وبالتعاون وبالاخاء والمحبة.. ويحدث أيضاً بنشر هذه الفضائل في المجتمع وأن التقريب هو الأصل ولكننا متقاربون ... ولا يوجد بيننا أي تباعد إطلاقاً وإنما الذي يوجد بيننا هو التعاون على البر والتقوى لا على الاثم والعدوان.

ونحن نشكر الاستاذ /محمود مراد على أن هيا لنا هذه الفرصة لتتلاقى ونشكركم جميعاً وندعو الله أن يجمعنا جميعاً على طاعته.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

بخش چهارم

اسناد

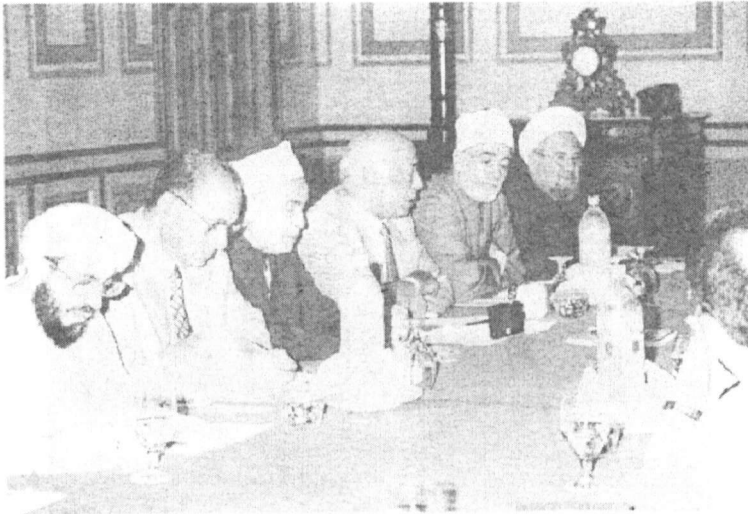
و

عکس‌ها



هیئت علمای ایران در میزگرد قاهره، از راست به چپ:

۱- شیخ محمد علی تسخیری ۲- شیخ محمد واعظ زاده ۳- سید هادی خسروشاهی ۴- عبداللہ قسبی ۵- علی المؤمن



هیئت علمای مصر و لبنان، از راست به چپ:

۱- شیخ فرحات ۲- شیخ فرید واصل نصر (مفتی مصر) ۳- محمود سراد ۴- شیخ محمد طنطاوی (شیخ الاذھر) ۵- دکتر محمود زقروق (وزیر اوقاف مصر) ۶- شیخ السیابی (مستند)



آقاخانگاہ ایران در قاهره، از راست به چپ:

- ۱- شیخ شفیق، کبیر مشایخ حافظه قرآن
- ۲- شیخ محمد سید طنطاوی (شیخ الازهر)، آ
- ۳- شیخ محمود عاشور (جانشین شیخ الازهر)، آ
- ۴- شیخ فوید واصل نصر (مفتی مصر)، ۵- سید هادی حسروناهی (رئیس جفایات منابع جمهوری اسلامی ایران در مصر)

مکتبہ شیخ ابجامع الازهر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

السید صاحب الساحة الأخ الجليل الامام البروجردی

قم - اہران

سلام اللہ علیکم ورحمتہ اما بعد

فانسی ابدأ بالسؤال عن صحة السيد الاخ الجليل الغالي ، والدعوات
بأن يكون مساحته دائما مصدر بركات للمسلمين ووحده كلتهم ، اطلال
الله عزه وأ عز بالصالحات نصوره .

وأتميز الفرصه السانحه يفر مساحه أهي الملاءه الجليل الاستاذ
الغنى ابيه الله في جهاده الشكور ، لكتب الى مساحتكم مقدرا جهونكم
سائلا الله بجلت قدرته أن يحفز مائرجونه من الخير للمسلمين ، وأن يوفق
صابعكم الرانده ، في سبيل جمع كلتهم ، وأليف قلوبهم ، وأبشركم بأن
خطواتنا في سبيل التقرب ، تلك الخدوات التي أعرف انكم تؤبدونها كل
التأييد ، وتولونها أعظم العنايه والاعتماد ، تسير سيرا موقفا ، بتحير من
الله تعالى ، ومخالع دعواتكم . وأن الخبة المصطفاه من رجالنا في الازهر
واخواننا الذين جامدوا في التقرب حق الجهاد بماؤوننا عن ايمان صادق ،
ومغرون بنا بحب عليهم لدينهم وللرساله الانسانيه الرقيعه التي اخفقها .

وانسى لأرجوان يعود السيد الاخ اعز مساحه الاستاذ الغنى الهنا باسرع
وقت لتصدق باخباركم الساره ان شاء الله ، ولتتمرف الى آرائكم السديده لسي
تحقيق آمانتنا المشتركه وقد أودحت لمساحه كثيرا من الاصور ورجوت منه أن
يبلغكم تفاصيلها .

والله المستول أن يجمع بيننا في رساه ، وأن يديم ربط قلوبنا للممسل
في سبيله انه مسع الدعاء لطيف لنا بنا .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

شيخ بالجامع الازهر

٢٤ من ذوالقعدة ١٣٧٩ هـ

١٩ من مايو ١٩٦٠ م

نامه شیخ الازهر، محمود شلتوت به آیه الله بروجردی

مکتب شیخ اجماع الازهر

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

التی أصدرها السيد صاحب المصنعة الأستاذ الأكبر
الشيخ محمود شلتوت شيخ الجامع الأزهر

في شأن جواز التمسيد بمذهب الشيعة الإمامية

.....

فيلفتنبهك :

* ان بعض الناس يرى أنه يجب على المسلم لكي تفرح عباداته
وساملاته على وجه صحيح أن يقلد أحد المذاهب الأربعة الممروضة وليس من بينها مذهب
الشيعة الإمامية ولا الشيعة الزيدية ، فهل توافقون فضيلتكم على هذا الرأي على أن لطلقاته
تضمنت تقليد ما وب الشيعة الإمامية الاثناعشرية مثلا .

فأجاب فتنبهك :

١ - ان الاسلام لا يوجب على أحد من أتباعه اتباع مذهب معين بل نقول : ان لكل مسلم
الحق في أن يقلد يادى ذى بد * أى مذهب من المذاهب المنقولة فلا صحبها والدونته
أحكامها في كتبها الخاصة ولعن قلده مذهبها من هذه المذاهب أن ينتقل الى غيره -
أى مذهب كان - ولا حرج عليه في شئ من ذلك .

٢ - ان مذهب الجعفرية المعروف بمذهب الشيعة الإمامية الاثناعشرية مذهب يجوز التمسيد
به شرعا كسائر مذاهب أهل السنة .
فينبغى للمسلمين أن يمزقوا ذلك ، وأن يتخلصوا من العصبية بخير الخصال مذاهب

معينة ، فما كان دين الله وما كانت شريعته بتابعة لمذهب ، أو مقصورة على مذهب ، فالكل
محتدون مقبولون عند الله تعالى ، يجوز لمن ليس أهلا للندار والاحتشاد تقليد مذهبهم والعمل
بما يفرضونه في فقههم ، ولا فخذ في ذلك بين العبادات والمعاملات .

محمود شلتوت

السيد صاحب المصنعة العلامة الجليل الأستاذ محمد تقي النسي

المستقر بالعام

لحظة التفهيم بين المذاهب الاسلامية
سلام الله عليكم ورحمته أما بعد فيسرنى أن أبحث الى مساحتكم
بصورة موقع عليها بأساني من الخوى التي أصدرتها في شأن جواز التمسيد
بمذهب الشيعة الإمامية ، وأجبا أن تحفظها في سجلات دار التفهيم
بين المذاهب الاسلامية التي أسهنا ممكن في تأييدها ورضا الله لتخفيف رسالتها .

بالمسلم عليكم ورحمة الله

شيخ الجامع الأزهر

محمود شلتوت

متن فتواى تاريخى استاد شيخ شلتوت درباره جواز تعبد به مذهب شيعه

فتاوی لشيوخ الأزهر

أدناه عدد من رسائل وفتاوی صدرت عن عدد من كبار مشايخ الأزهر حول جواز التعبد بمذهب الاسامية:

١- مقتطفات من رسالتين موجهتين من الشيخ سليم البشري شيخ الأزهر للفترة (١٣١٧-١٣٢٠/١٩٠٠-١٩٠٤) والفترة (١٢٢٧-١٣٣٥/١٩٠٩-١٩١٦) الى السيد عبدالحسين شرف الدين العاطلي.

١- الرسالة المؤرخة في ٣ ذي الحجة ١٣٢٩

...لم يبق السني مانعا من الاحتجاج بأخيه الشيعي إذا كان ثبتا. فراك في هذا هو الحق المبين، ورأي المعترضين تعنت ومماحكة. أقوالهم بعدم صحة الاحتجاج بالشيعية تعارض أفعالهم، وأفعالهم في مقام الاحتجاج تناقض أقوالهم. فقولهم وفعلهم لا يتجاربان في حلبة، ولا يتسايران إلى غاية، يصدم كل منهما الآخر فيدفعه في صدره وبهذا كانت حججهم جذماء، وحجتك العصماء - أوردت في هذه العجالة ما يجب ان تفرده برسالة سميتها لك (اسناد الشيعية في إسناد السنة) وستكون الغاية في هذا الموضوع ليس وراءها مذهب لطالب، ولا مضرب لراغب، وأرجو ان تحدث في العالم الإسلامي اصلاحا باهرا ان شاء الله تعالى. أمنا بآيات الله كلها (وآيات الله في سيدنا أمير المؤمنين علي بن ابي طالب وسائر أهل البيت رضي الله عنهم أكثر مما أوردتموه).

٢- الرسالة المؤرخة في ٧ ذي الحجة ١٣٢٩

لا تحكم محاكم العدل بضلال المعتصمين بحبل أهل البيت والناجين على منوالهم، ولا تصور في انتمهم عن سائر الاثمة في شيء من موجبات الامامة. والعمل بمذهبهم يبرزيه المكلفين، ويبرزيه ذمهم كالعمل بأحد المذاهب الاربعة بلا ريب.

فتاوی شیوخ الأزهر در تأیید فتاوی شیخ شلتوت

۳- فتاویٰ محمد الفحام شیخ الأزهر السابق

بسم الله الرحمن الرحيم

الدكتور
محمد محمد الفحام
شیخ الأزهر

سماعة الشيخ حسن سعيد من كبار علماء طهران - شرفني بزيارة في منزلي ه شارع علي بن ابي طالب ومعه سماعة العالم العلامة والصدیق الکریم السيد طالب الرفاعي. وقد اماجت هذه الزيارة في نفسي ذكريات جميلة ذكريات الايام التي قضيتها في طهران سنة ۱۹۷۰ هجرت. فيها طائفة كبيرة من طوائف العلماء الشيعة الامامية وعرفت فيهم الرءاء والكرم الذي لم أعده من قبل. وما زيارتهم لي اليوم، إلا مظهر وفائهم جزاهم الله كل خير وشكر لهم مسعاهم الجميل في انتعريف بين المذاهب الاسلامية التي هي في الحقيقة والواقع شيء واحد في اصول العقيدة الاسلامية التي جمعت بينهم على صعيد الاخوة التي جسدها القرآن حيث يقول: إنما المؤمنون اخوة. هذه الاخوة من واجب علماء الامة على اختلاف اتجاهاتها المذهبية ان يحرصوا على كعبتها ونبذ كل ما يسوء اليها ويكدر صفوها من عوامل التفرقة والتي شجبتها الله تعالى في كتابه العزيز «ولا تفرقوا فتمتعلوا وتذهب ربحكم».

ورحم الله الشيخ شلتوت الذي التفت الى هذا المعنى الکریم فحلده في فتواه الصريحة الشجاعة حيث قال ما مضمونه: بجواز العمل بمذهب الشيعة الامامية باعتبارها مذهباً فسهياً إسلامياً يقوم على الكتاب والسنة والدليل الاسد وأسأل الله ان يوفق العاملين على هذا الفتح النويم في التقريب بين الاخوة في العقيدة الاسلامية الحققة «وقل اعسلوا فسيروى الله عملكم والمؤمنون اآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين».

۲۱ من شهر ذي القعدة ۱۳۹۷

محمد الفحام
شيخ الأزهر السابق

فتاوى شيخ محمد الفحام رئيس اسبق الأزهر، در تأييد فتاوى شيخ شلتوت

التقسيم الثاني



في هذه الحلقة من مذكراته يمس الاستاذ
عمر التلمساني قضية الخلاف المذهبي بين
الشيعة والاخوان فيقول:

« كان الامام الشهيد رضوان الله عليه شديد الحرص على قيام الوحدة الاسلامية، ولا يزال الاخوان المسلمون وسيطرون ويعلمون لقيام هذه الوحدة مهما لاقوا في سبيل هذا المطلب الجليل لان المسلمين امة واحدة بنص القرآن: «وان هذه امتكم امة واحدة». وفي الاربعينات على ما اذكر كان السيد الفي - وهو شيعي المذهب - ينزل ضيفا على الاخوان في المركز العام، ووقتها كان الامام الشهيد يعمل جادا على التقريب بين المذاهب، حتى لا يتخذ اعداء الاسلام الفرقة بين المذاهب متفذا يحملون من خلاله على شريك الوحدة الاسلامية.

الخلاف السني الشيعي

وسألتها يوما عن مدى الخلاف بين اهل السنة والشيعة، فنهانسا عن الدخول في مثل هذه المسائل الشائكة، التي لا يليق بالمسلمين ان يشغلوا انفسهم بها، والمسلمون على ما نرى من تنابذ يعمل اعداء الاسلام على اشغال ناره. فلنا تفضيلت: نحن لا نسال عن هذا للتصعب او توسعة لهوة الخلاف بين المسلمين، ولكننا نسال العلم، لان ما

بين السنة والشيعة مذكور في مؤلفات لا حصر لها، وليس لدينا من سعة الوقت ما يمكننا من البحث في تلك المراجع. فقال رضوان الله عليه: اعلموا ان اهل السنة والشيعة مسلمون تجمعهم كلمة لا اله الا الله وان محمدا رسول الله. وهذا اصل العقيدة، والسنة والشيعة فيه سواء، وعلى التقاء. اما الخلاف بينهما فهو في امور من الممكن التقريب فيها بينهما قلنا: وما مثال ذلك؟

قال: الشيعة فرقة، تشبه عمل التعريب ما بين المذاهب الاربعة عند اهل السنة.

والشيعة الامامية مثلا، يقولون ان الامامة اصل لازم في الاسلام ولا بد من تحققه، وهم لا يقاتلون الا مع اهلهم المنتظر. لان الامام هو الذي يحافظ على الشريعة، وقلوبه فصل في احكامها، وطاعته ملزمة على الاطلاق.

وهناك بعض فسوفيق من المسكن ازالها ككتكاح المتعة، وعدد الزوجات للمسلم وذلك عند بعض فرقهم، وما اشبه ذلك مما لا يجب ان نجعله سببا للقطيعة بين اهل السنة والشيعة. ولقد قام المنهجين جنبيا الى جنب منات الستين دون ان يحصل احتكاك بينهما الا في المؤلفات مع العلم بان ائمتهم قد اثروا التالف الاسلامي ثروة لا تزال المكتنات تعج بها. وانتهى رأي الامام الشهيد، ولولا ان الموقف اليوم بين ايران والعراق على ما هو عليه، لتوسعت في هذه الناحية ولكن من الخير بينا الا نستغل بامر يوسع هوة الخلاف، بين الشيعة والسنة، وهو هدف من اهداف اعداء الاسلام.

فلا يجب الخوض في هذه المسألة اليوم، حتى يصفو الجو، وتعد المياه الى حجارها، وهناك ينشط كل من الفريقين في بيان وجه نظره، ان شاء. وقد اكتفينا بهذا القدر في مناقشة ذلك الموضوع تنفيذيا لاسلوب الاسام الشهيد في القضاء على الخلاف بين المسلمين. »

ديدگاه شيخ عمر التلمساني، مرشد اخوان المسلمين

۱- فتویٰ عبدالحلیم محمود شیخ الأزهر

بسم الله الرحمن الرحيم

الأزهر
مكتب الإمام الأكبر
شيخ الأزهر

نص الرسالة التي كتبها الاستاذ الأكبر في دير
القعدة عام ١٣٩٧هـ إلى سماحة العلامة الأكبر
الحاج آقا حسن سعيد من علماء الامامية بطهران -
إيران ١٩٧٧/١٠/٢٥م

سماحة الشيخ حسن سعيد

من علماء طهران

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وبعد

فإن الأزهر لا يخل إلى اخواننا الامامية وإلى اخواننا الزيدية إلا كل ود ونحن الآن
في دور ندعوفيه إلى الوحدة والأخوة وإذا حدث شيء من هنا أو هناك فسنحاول أن
نصلحه وأن نصلحوه، ونسير جميعاً في طريق السلام والحب والود،
وما ورد في كتاب مذكرة التوحيد سيصلح أن شاء الله،
ونرجو أن يحدث المثل عندكم إذا حدث.

وشكر الله الساعين في الوحدة
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

عبد الحلیم محمود
شيخ الأزهر

تحريراً في ١٩٧٧/١٠/٢٥م

فتوای دکتر فرید واصل نصر

مفتی مسلمانان مصر مبنی بر جواز اقتدا به شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب استاد دکتر فرید واصل نصر، مفتی کشور مصر

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، لطفا نظر شریفتان را در خصوص اقتداء پیروان

۱۶ شوال ۱۴۲۱

مذاهب اهل سنت به اهل تشیع بفرمایید؟

هر مسلمانی که به پروردگار یکتا ایمان داشته و به یگانگی او و رسالت حضرت محمد(ص) شهادت دهد، منکر ضروری دین اسلام نباشد و به ارکان دین اسلام اعتقاد داشته و از شروط نماز، علم و اطلاع کافی داشته باشد، امامت نماز برای دیگری و امامت دیگری نیز برای وی - در صورتی که شرایط یاد شده را دارا باشد - صحیح است، اگر چه امام و مأموم، به لحاظ فقهی مختلف باشند.

شیعه‌ی اهل بیت از مذاهب اسلامی است که ما نیز به همراه ایشان راه خدا، پیامبر و اهل بیت و اصحاب را می‌پوییم از این رو بین ما و آنان در اصول شریعت اسلامی و ضروریات دین هیچ اختلافی وجود ندارد. ما به امامت آنان - و پشت سر آنان - و آنان به امامت ما در تهران و قم - در ایامی که توفیق الهی حضور در جمهوری اسلامی ایران را نصیبمان کرده بود - نماز گزاردیم.

از پروردگار متعال می‌خواهیم که وحدت امت اسلامی را تحقق بخشد و هر گونه جدائی و نزاع و اختلافی را که در برخی از مسایل فرعی مذهبی فقهی بین آنان وجود دارد، برطرف نماید.

دکتر فرید واصل نصر: مفتی کشور مصر

۱۶ / شوال / ۱۴۲۱ هـ - ۱۲ / ۱ / ۲۰۰۱ م

فضيلة الاستاذ الدكتور فريد واصل نصر مفتى الديار المصرية

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

نرجو من سماحتكم ان تعطونا رايكم الشريف فى اقتداء اصحاب المذاهب بمن
يتقلد مذهب اهل البيت (ع) من الشيعة الامامية الاثنا عشرية هل يصح ذلك ام لا؟
افتونا ما جورين ١٦/شوال المكرم ١٤٢١

بسم الله الرحمن الرحيم

كل مسلم يؤمن بالله و يشهد ان لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله
و لا ينكر معلوماً من الدين بالضرورة و هو عالم باركان الاسلام و
الصلوة و شروطها هى متوفرة فيه فتصح امامته لغيره و امامة غيره له اذا
توفرت فيه تلك الشروط ولو اختلف مذهبهما الفقهي و شيعة اهل
البيت من نحلهم و نشيخ معهم لله و لرسوله و اهل بيته و صحابته
جميعاً و لاخلاف بيننا و بينهم فى اصول الشريعة الاسلاميه و لا فيما
هو معلوم من الدين بالضرورة و قد صلينا خلفهم و صلوا خلفنا فى
طهران و فى قم فى الايام التى شرفنا الله بهم فى دوله ايران الاسلاميه و
ندعو الله ان يحقق وحدة الامة الاسلاميه و يرفع عنهم اى شقاق او نزاع
او خلاف قد حلّ بهم فى بعض مسائل الفروع الفقهييه المذهبيه.

والله المؤيد والهادى الى سواء السبيل

دكتور فريد واصل نصر مفتى الديار المصرية

١٦ /شوال / ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ /١ /١٢